



روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

شامل: قوانین - مذاکرات مجلس شورای اسلامی - رویه‌های قضایی - عهدنامه‌ها - آئیننامه‌ها

WWW.RRK.IR
WWW.DASTOUR.IR

تصویب‌نامه‌ها - تصمیم‌نامه‌ها - اساسنامه‌ها و آگهیها

تک شماره ۱۵۰۰ تومان

صفحه	دستگاه اجراء کننده	تاریخ تصویب	عنوان مندرجات (قوانین و مقررات و مصوبات آراء وحدت رویه)
۲	شورای اسلامی شهر کرج	۱۳۹۸/۷/۹	رأی شماره ۱۴۰۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بندهای ۱، ۲، ۶، ۷ و ۸ بخش ۱۲ فصل ۲ تعرفه عوارض و بهای خدمات شهرداری کرج در سال ۱۳۹۵ مصوب شورای اسلامی شهر کرج
۳	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۳۹۸/۷/۹	رأی شماره ۱۴۲۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
۴	شورای اسلامی بخش مرکزی یزد	۱۳۹۸/۷/۹	رأی شماره ۱۴۲۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال ماده ۲۹ نظام‌نامه وصول عوارض و بهای خدمات روستا مصوب شورای اسلامی بخش مرکزی یزد
۵	شورای اسلامی شهر شیراز	۱۳۹۸/۷/۹	رأی شماره ۱۴۲۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال مصوبه شماره ۳۶۵۴/ش الف د - ۱۳۸۲/۱۱/۵ شورای اسلامی شهر شیراز
۷	شورای اسلامی شهر کمال‌شهر	۱۳۹۸/۷/۹	رأی شماره ۱۴۲۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بند ۳ مصوبه چهل و دومین جلسه سال ۱۳۹۳ شورای اسلامی شهر کمال‌شهر ابلاغی به شماره ۹۳/۶۲/۸۶۹-۱۳۹۳/۵/۱۹
۸	وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی	۱۳۹۸/۷/۹	رأی شماره ۱۴۲۶ و ۱۴۲۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
۹	سازمان جنگلها و مراتع و آبخیزداری کشور	۱۳۹۸/۷/۱۶	رأی شماره ۱۴۳۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال تبصره ۱ ماده ۱ و ماده ۳ شیوه‌نامه شماره ۹۲/۱/۵۳۹-۱۳۹۲/۲/۸ سازمان جنگلها و مراتع و آبخیزداری کشور
۱۱	وزارت صنعت، معدن و تجارت	۱۳۹۸/۷/۱۶	رأی شماره ۱۴۳۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال چهارمین جلسه کارگروه امور گندم، آرد و نان شهرستان گمیشان
۱۲	سازمان اداری و استخدامی کشور	۱۳۹۸/۷/۱۶	رأی شماره ۱۴۳۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال نامه شماره ۸۵۵۸۷۰-۱۳۹۵/۸/۲۹ سازمان اداری و استخدامی کشور
۱۴	شهرداری تبریز	۱۳۹۸/۷/۱۶	رأی شماره ۱۴۴۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: اعمال ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نسبت به رأی شماره ۷۳۱-۱۳۹۶/۸/۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و صدور رأی بر عدم ابطال بند ب ماده ۲۰ تعرفه عوارض محلی شهرداری تبریز در سال ۱۳۹۶
۱۵	بنیاد مسکن انقلاب اسلامی	۱۳۹۸/۷/۱۶	رأی شماره ۱۴۴۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال تبصره ۳ بند ۷ شیوه‌نامه تفاهم با مالکین متقاضی تفکیک اراضی روستایی
۱۶	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۳۹۸/۷/۱۶	رأی شماره ۱۴۴۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
۱۸	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۳۹۸/۷/۱۶	رأی شماره ۱۴۴۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
۱۹	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۳۹۸/۷/۱۶	رأی شماره ۱۴۴۶ و ۱۴۴۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

قوانین و مقررات عمومی

شماره ۹۶۰۱۴۳۸

۱۳۹۸/۸/۴

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۰۵ مورخ ۱۳۹۸/۷/۹ با موضوع: «ابطال بندهای ۱، ۲، ۶، ۷ و ۸ بخش ۱۲ فصل ۲ تعرفه عوارض و بهای خدمات شهرداری کرج در سال ۱۳۹۵ مصوب شورای اسلامی شهر کرج» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۷/۹ شماره دادنامه: ۱۴۰۵ شماره پرونده: ۱۴۳۸/۹۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای احسان کاظمی سرشت

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بندهای ۱، ۲، ۶، ۷، ۸ بخش ۱۲ فصل ۲ تعرفه عوارض و بهای خدمات شهرداری کرج در سال ۱۳۹۵ مصوب شورای اسلامی شهر کرج
گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال بندهای ۱، ۲، ۶، ۷، ۸ بخش ۱۲ فصل ۲ تعرفه عوارض و بهای خدمات شهرداری کرج در سال ۱۳۹۵ مصوب شورای اسلامی شهر کرج را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: «ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با سلام و تحیت

احتراماً به استحضار عالی می‌رساند هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۵/۴/۱ به موجب رأی موضوع دادنامه شماره ۲۴۳ (کلاس پرونده ۱۰۶۰/۹۴) در اجرای ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۲ (که از این پس در این دادخواست به اختصار قانون نامیده می‌شود) بندهای ۱، ۲، ۶، ۷، ۸ بخش ۱۲ فصل ۲ تعرفه عوارض و بهای خدمات شهرداری کرج در سال ۱۳۹۴ را از تاریخ تصویب ابطال کرده است، اما متأسفانه در کمال تعجب شورای اسلامی شهر کرج در همان سال صدور رأی، بدون توجه به دادنامه یاد شده و همچنین دادنامه‌های ۱۳۹۱/۱/۲-۷۹۹، ۱۳۹۱/۱/۱۷-۱۰۱۸، ۱۳۹۳/۶/۱۷-۱۹۱۰ و ۱۳۹۳/۱۱/۲۷-۱۳۹۳ و ۸۷۰ - ۱۳۹۴/۷/۶ در خصوص مصوبات شوراهای اسلامی شهرهای رشت، اراک، ارومیه، همدان و مرند ضمن تصویب تعرفه عوارض و بهای خدمات شهرداری کرج در سال ۱۳۹۵ باز هم همان بندهای قبلی را به موجب مصوبه جدید احیا کرده است و شهرداری کرج نیز کمافی‌السابق عوارض نقل و انتقال املاک و ارزش سرقفلی را از شهروندان کرج اخذ می‌نماید از آنجا که: اولاً: به وحدت ملاک از اصل ۵۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وصول عوارض از شهروندان باید به موجب قانون باشد.

ثانیاً: نقل و انتقال قطعی املاک و همچنین انتقال حق واگذاری محل مطابق ماده ۵۹ قانون مالیات‌های مستقیم مشمول مالیات است و بر اساس ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده (که به موجب بند ب تبصره ۶ قانون بودجه سال ۱۳۹۶ تمدید شده است) برقراری عوارض به درآمدهای مآخذ محاسبه مالیات ممنوع است.

ثالثاً: نقل و انتقال املاک مطابق مواد ۴۶ و ۴۷ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶ و ماده ۱ و ۳۰ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۵ در صلاحیت ذاتی دفاتر اسناد رسمی است و اساساً شهرداریها صلاحیت قانونی در این خصوص ندارند که مستحق وصول عوارض بر آن باشند. خواهشمند است:

۱- بندهای ۱، ۲، ۶، ۷، ۸ بخش ۱۲ فصل ۲ تعرفه عوارض و بهای خدمات شهرداری کرج در سال ۱۳۹۵ تحت عنوان عوارض نقل و انتقال و معاملات غیرمنقول و ارزش سرقفلی، مستنداً به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ در اجرای ماده ۹۲ قانون خارج از نوبت و بدون رعایت مفاد ماده ۸۳ آن قانون در هیأت عمومی دیوان مطرح و ابطال شود.
۲- اثر ابطال مصوبه بر اساس ماده ۱۳ قانون به منظور جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص به زمان تصویب مصوبه مترتب شود.

۳- حکم صادره در اجرای ماده ۹۵ قانون، به شهرداری کرج و شورای اسلامی شهر کرج مبنی بر توقف وصول عوارض موضوع بندهای یاد شده با تصریح به اینکه ممنوعیت وصول عوارض نقل و انتقال با توجه به ابطال بندهای ۱ و ۲ تعرفه مذکور و اطلاق آن بندها شامل املاک با کاربری مسکونی نیز می‌گردد و همچنین استرداد مبالغ دریافتی از شهروندان و مد نظر قرار دادن موضوع در مصوبات آتی اعلام گردد.

همچنین از آنجا که مطابق ماده ۱۰۷ قانون «کلیه اشخاص و مراجع مذکور در ماده ۱۰ این قانون مکلفند آراء دیوان را پس از ابلاغ به فوریت اجراء نمایند» که شورای اسلامی شهر کرج و شهرداری کرج از جمله آن اشخاص و مراجع هستند و همچنین برابر ماده ۹۲ قانون «چنانچه مصوبه‌ای در هیأت عمومی ابطال شود، رعایت مفاد رأی هیأت عمومی در مصوبات بعدی، الزامی است» و با توجه به اینکه مفاد دادنامه شماره ۲۴۳ - ۱۳۹۵/۴/۱ هیأت عمومی دیوان طی نامه شماره ه/۹۴/۱۰۶۰ - ۱۳۹۵/۴/۲۰ توسط مدیرکل هیأت عمومی و سرپرست هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری به روزنامه رسمی کشور ارسال و در صفحه یک روزنامه رسمی شماره ۲۰۷۸۸ - ۱۳۹۵/۴/۳۱ منتشر شده است و مسئولان مربوطه در شورای اسلامی شهر کرج و شهرداری کرج از اجرای آن استنکاف ورزیده اند، موضوع با توجه به قسمت اخیر تبصره ماده ۱۰۹ قانون جهت پیگیری و رسیدگی به استنکاف به آن ریاست منعکس می‌شود.»

متن تعرفه مورد اعتراض به قرار زیر است:

بخش ۱۲ - فصل ۲:

«عوارض نقل و انتقال و تفکیک اراضی و معاملات غیرمنقول و ارزش سرقفلی کلیه املاکی که به استناد مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ و غیره سند دریافت و عوارض تفکیک را به شهرداری پرداخت نموده‌اند مشمول پرداخت عوارض تفکیک می‌باشند.

بند ۱- عوارض نقل و انتقال عرصه به ازای هر مترمربع ۳٪ قیمت منطقه‌بندی روز دارایی
بند ۲- عوارض نقل و انتقال اعیانی به ازای هر مترمربع ۲٪ جدول ارزش معاملات ساختمان مطابق دفترچه دارایی

بند ۶- عوارض سرقفلی تجاری در همکف (در هنگام واگذاری قطعی با تنظیم سند اجاره) ۵ برابر قیمت منطقه‌بندی روز دارایی به ازای هر مترمربع

تبصره: عوارض نقل و انتقال طبقات تجاری در زیرزمین و طبقات ۲/۵ برابر قیمت منطقه‌ای روز دارایی (اعیانی) و عوارض نقل و انتقال انباری تجاری و بالکن داخلی تجاری ۲ برابر قیمت منطقه‌ای روز دارایی محاسبه و اخذ می‌گردد.

بند ۷- عوارض نقل و انتقال اداری در همکف P۳ و بالای همکف و زیر زمین P ۱/۵ قیمت منطقه‌ای روز دارایی محاسبه و اخذ گردد.

بند ۸- عوارض نقل و انتقال صنعتی P ۶ محاسبه و اخذ گردد.»

موضوع از مصادیق حکم ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ تشخیص نشد.

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل حقوقی شهرداری کرج به موجب لایحه شماره ۱۳۹۷/۳/۱۰ - ۹۳/۲۵۲۰۸ توضیح داده است که:

«دفتر محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع: لایحه دفاعیه موضوع شکایت آقای احسان کاظمی سرشت در پرونده شماره ۱۴۳۸/۹۶

با سلام و احترام

بازگشت به ابلاغیه مورخ ۱۳۹۷/۱/۱۹ موضوع شکایت نامبرده علیه این شهرداری و جهت رد شکایت شاکي به استحضار می‌رساند:

۱- خواسته شاکي ابطال بندهای ۱، ۲، ۶، ۷، ۸ بخش ۱۲ فصل ۲ تعرفه عوارض و بهای خدمات شهرداری کرج در سال ۱۳۹۵ می‌باشد در حالی که اساساً هیچ گونه مصوبه‌ای از شورای شهر کرج با شماره‌های مذکور صادر نشده است.

۲- حسب گزارش شماره ۸۹/۴/۱۸۲۴۰ - ۱۳۹۷/۲/۲۷ اداره کل درآمد این شهرداری، اخذ عوارض نقل و انتقال در کلیه کاربریها هم اکنون در بودجه شهرداری حذف و مبلغی تحت عنوان عوارض مذکور اخذ نمی‌گردد و شکایت شاکي به دلیل عدم اخذ عوارض مذکور توسط شهرداری محکوم به رد می‌باشد.

۳- مصوبه شماره ۴/۳۰/۹۴/۶۶۵۳ - ۱۳۹۴/۱۱/۱۰ شورای اسلامی شهر کرج طی نامه شماره ۲۱/۴/۶۰۹۶۳ - ۱۳۹۴/۱۱/۱۰ مورد تأیید استانداری استان البرز قرار گرفته است و در آن هیچ گونه حکمی در خصوص عوارض نقل و انتقال وضع نشده است.

۴- صرف نظر از آن که این شهرداری هم اکنون عوارض مذکور را وصول نمی‌نماید حسب بخشنامه شماره ۱۶۵۹۵/۳/۳۴/۲۵۹۴ - ۱۳۷۵/۱۱/۲۹ معاون هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور امکان پیش‌بینی و اخذ عوارض نقل و انتقال برای تمامی شهرداریهای کشور فراهم شده است. علیهذا نظر به مراتب فوق و بی‌وجه بودن دعوای مطروحه استدعای رسیدگی و صدور حکم بر رد شکایت شاکي را دارد.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۹ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه در آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض برای نقل و انتقال املاک و اراضی و سرفقلی در مصوبات شوراهای اسلامی شهرها مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص و ابطال شده است، بنابراین بندهای ۱، ۲، ۶، ۷، ۸ از بخش ۱۲ فصل ۲ از تعرفه عوارض نقل و انتقال و تفکیک اراضی و معاملات غیرمنقول و ارزش سرفقلی سال ۱۳۹۵ مصوب شورای اسلامی شهر کرج به دلایل مندرج در رأی شماره ۲۴۳-۱۳۹۵/۴/۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۸۰۲۸۵۹

۱۳۹۸/۷/۳۰

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۲۱ مورخ ۱۳۹۸/۷/۹ جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۷/۹ شماره دادنامه: ۱۴۲۱ کلاس پرونده: ۲۸۵۹/۹۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

اعلام‌کننده تعارض: خانم شایسته احمدی

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: خانم شایسته احمدی به موجب لایحه مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۵ اعلام کرده است که:

احتراماً به استحضار می‌رساند اینجانب شایسته احمدی به عنوان پرستار در بیمارستان امام خمینی (ره) شهرستان دیواندره از توابع استان کردستان به فعالیت مشغول می‌باشم. در سال ۱۳۸۷ به دلیل رعایت سقف شصت درصد از دریافت مزایای مربوط به ارتقای شغلی محروم شدم لذا با ارائه شکایت به آن دیوان مطابق رأی شماره ۱۷۵۲۱-۸۹۰۹۹۸۰۹۰۰۰۰۱۷۵۲۱ شعبه ۴ دیوان عدالت اداری موفق به دریافت مزایای مربوط به ارتقای شغلی کارکنان شدم اما در سال ۱۳۹۳ رأی مذکور مطابق شماره پرونده ۱۷۵۲۱-۸۹۰۹۹۸۰۹۰۰۰۰۱۷۵۲۱ توسط شعبه سوم تشخیص نقض گردید و مجدد اینجانب از دریافت مزایای مذکور محروم شدم این در حالی است که اینجانب همراه یکی از همکاران خود که دارای شرایط یکسان استخدامی و سنواتی بودیم اقدام به ارائه شکایت نموده‌ایم اما ایشان همچنان از مزایای فوق بهره‌مند می‌باشند. از آن مقام عظمی تقاضا نمودم با توجه به توصیه‌های اکید مقام عظمای ولایت مبنی بر لزوم تحقق عدالت خواهشمندم نسبت به صدور رأی یکسان در مورد اینجانب و خانم سیده شیدا جعفری با شماره ملی ۳۸۵۸۹۵۵۰۶۱ که با رأی شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۸۰۰۸۲۷ شعبه ۸ آن دیوان همچنان مزایای مربوط به ارتقای شغلی را از سال ۱۳۸۷ دریافت می‌نمایند و این امر موجب شده است تا دریافتی اینجانب و ایشان با شرایط استخدامی یکسان دارای تفاوت چهارصد هزار تومانی باشد امر به دستور مقتضی را صادر فرمایید.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۴ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۱۷۵۲۱-۸۹۰۹۹۸۰۹۰۰۰۰۱۷۵۲۱ با موضوع دادخواست خانم شایسته احمدی به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی کردستان و به خواسته صدور حکم بر الزام طرف شکایت به پرداخت مزایای مربوط به ارتقاء شغلی کارکنان دولت از سال ۱۳۸۷ به بعد به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۰/۳/۲۵-۹۰۰۹۹۷۰۹۰۰۴۰۰۷۹۷ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص دادخواست شاکی به طرفیت خوانده به خواسته فوق‌الذکر با این توضیح که اظهار داشته به عنوان پرستار در بیمارستان امام خمینی (ره) دیواندره شاغل می‌باشد با گذشت قریب به ۸ سال خدمت و کسب امتیازات لازم تاکنون موفق به کسب مزایای مربوط به ارتقاء شغلی نشده در سال ۱۳۸۸ از طریق کارگزینی نسبت به جمع‌آوری مدارک مربوط اقدام نموده لکن با استدلال به اینکه ظرفیت ۶۵٪ تکمیل شده پرداخت مزایای فوق را به تشکیل کمیته در اردیبهشت سال ۱۳۸۹ نموده‌اند که با مراجعه به کارگزینی و مدیریت شبکه پاسخ دریافت نکرده است. با توجه به مجموع مندرجات

اوراق پرونده و لایحه دفاعیه طرف شکایت به شماره فوق‌الذکر نظر به اینکه قرائن موجود در پرونده حاکی از آن است شاکی حدنصاب لازم را برای بهره‌مندی از مزایای مربوط به ارتقاء شغلی پرستاران را احراز کرده و طرف شکایت نیز فی‌الجمله به آن اذعان نموده است لکن به لحاظ رعایت ۶۵ درصد از آن برخوردار نشده در حالی که سقف ۶۵ درصد موضوع مصوبه استنادی مشکلی عنه به شماره ۳۰۳۹۷/ت/۲۷۷۴ هیأت وزیران به موجب مصوبه شماره ۳۴۱۸۳/ت/۳۷۴۱۱-ه-۱۳۸۶/۳/۶ هیأت وزیران حذف گردیده است.

علیهذا شکایت وارد تشخیص و به استناد مواد ۷ و ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ حکم به ورود شکایت و الزام طرف شکایت به پرداخت مزایای مربوط به ارتقاء شغلی پرستاران از سال ۱۳۸۷ در حق شاکی صادر و اعلام می‌شود. رأی صادره قطعی است.

رأی مذکور در اجرای اعمال ماده ۱۶ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ به شعبه سوم تشخیص دیوان عدالت اداری ارجاع و به موجب دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۵۳۰۰۲۱۴-۱۳۹۳/۳/۲۸ با استدلال زیر ضمن نقض چنین رأی صادر کرد:

نظر به اینکه تصویب‌نامه شماره ۳۴۱۸۳/ت/۳۷۴۱۱ هیأت وزیران صرفاً سقف ۶۵ درصدی را نسبت به معلمان لغو نموده است و تسری تصمیم هیأت وزیران به مشاغل دیگر از جمله پرستاری خلاف تصمیم هیأت وزیران به شرح تصویب‌نامه شماره ۳۷۴۱۱/ت/۳۴۱۸۳ می‌باشد علیهذا با پذیرش اشتباه بین مستنداً به ماده ۱۶ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ دادنامه شماره ۴۰۰۷۹۷-۱۳۹۰/۳/۲۵ نقض حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره قطعی است.

ب: شعبه ۸ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۸۹۰۹۹۸۰۹۰۰۰۰۱۷۶۲۹ با موضوع دادخواست خانم شیدا جعفری به طرفیت دانشگاه علوم پزشکی کردستان و به خواسته الزام به پرداخت مزایای ارتقاء شغلی از آبان ماه ۱۳۸۷ به موجب دادنامه شماره ۸۰۰۸۲۷-۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۸۰۰۸۲۷ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

شاکی در دادخواست تقدیمی اعلام داشته علی‌رغم داشتن ۵ سال سابقه خدمت و کسب امتیاز لازم مشمول دریافت مزایای مربوط به ارتقاء شغلی از آبان ماه ۱۳۸۷ بوده لکن دانشگاه علوم پزشکی از پرداخت مزایا امتناع ورزیده و اذعان می‌دارند که ۶۵ درصد سهمیه استان کردستان تکمیل شده است شعبه با توجه به مجموع مندرجات اوراق پرونده و لایحه دفاعیه طرف شکایت به شماره فوق‌الذکر نظر به اینکه قرائن موجود در پرونده حاکی از آن است که شاکی حدنصاب لازم را برای بهره‌مندی از مزایای مربوط به ارتقاء شغلی پرستاران احراز کرده و طرف شکایت نیز فی‌الجمله به آن اذعان نموده است لکن به لحاظ رعایت ۶۵ درصد از آن برخوردار نشده در حالی که سقف ۶۵ درصد موضوع استنادی مشکلی عنه به شماره ۳۰۳۹۷/ت/۲۷۷۴ هیأت وزیران به موجب مصوبه شماره ۳۴۱۸۳/ت/۳۷۴۱۱-ه-۱۳۸۶/۳/۶ هیأت وزیران لغو گردیده است علیهذا شعبه شکایت مطروحه را وارد و موجه تشخیص و به موجب مواد ۷ و ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ حکم به ورود شکایت و الزام طرف شکایت به پرداخت مزایای مربوط به ارتقاء شغلی پرستاران از سال ۱۳۸۷ در حق شاکی صادر و اعلام می‌دارد. رأی صادره قطعی است.

رأی مذکور به علت عدم تجدیدنظر خواهی قطعیت یافت.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۹ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

اولاً: تعارض در آراء محرز است.

ثانیاً: به موجب بند ۳ تصویب‌نامه شماره ۳۰۳۹۷/ت/۲۷۷۴-ه-۱۳۸۳/۱/۲۹ هیأت وزیران مقرر شده: «حداکثر تعداد افرادی که با رعایت ضوابط مربوط و کسب امتیازات لازم مشمول دریافت فوق‌العاده ویژه می‌باشند، بر اساس رقابت و انتخاب بهترین افراد مجموعاً شصت و پنج درصد تعداد متصدیان مشاغل مربوط خواهد بود.» نظر به اینکه حسب اعلام دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سقف شصت و پنج درصد مشمولین تکمیل شده است و تصویب‌نامه شماره ۳۴۱۸۳/ت/۳۷۴۱۱-ه-۱۳۸۶/۳/۶ هیأت وزیران نیز حکمی راجع به حذف سقف حداکثر شصت و پنج درصد حتی در مورد معلمان ندارد، بلکه موضوع آن حذف بند ۵ تصویب‌نامه شماره ۲۹۹۳۳/ت/۲۵۵۲-ه-۱۳۸۳/۱/۲۶ هیأت وزیران با موضوع برخورداری توأم معلمان از فوق‌العاده ویژه و حق همترازی اعضای هیأت علمی است (موضوع رأی وحدت رویه شماره ۴۰۷ و ۴۰۸-ه-۱۳۹۰/۹/۲۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری)، بنابراین الزام دانشگاه به پرداخت فوق‌العاده ویژه به تمامی پرستاران و بیشتر از سقف شصت و پنج درصد تعیین شده صرفاً به استناد تصویب‌نامه شماره ۳۴۱۸۳/ت/۳۷۴۱۱-ه-۱۳۸۶/۳/۶، مغایر منطوق تصویب‌نامه مذکور و تصویب‌نامه شماره

اسلامی بخش مرکزی یزد برخلاف اصول و مواد قانونی و خارج از حدود اختیارات قانونی اقدام به تدوین نظام نامه وصول عوارض و بهای خدمات برای روستا کرده است که طبق ماده ۲۹ نظام نامه مذکور سهم تأمین سرانه فضای عمومی و خدماتی و اراضی مورد نیاز احداث شوارع و معابر روستا با مبالغ بسیار زیادی اقدام به دریافت این وجوه کرده است. لذا با توجه به موارد فوق تقاضای ابطال ماده ۲۹ به همراه ۱۳ بند از آن ماده از نظام نامه شورای اسلامی بخش مرکزی یزد را از تاریخ تصویب را دارم.»

متن تعرفه مورد اعتراض به قرار زیر است:

«۲۹- سهم تأمین سرانه فضای عمومی و خدماتی و اراضی مورد نیاز احداث شوارع

و معابر روستا:

مساحت ۵۰۰ مترمربع به بالا بر حسب مساحت مندرج در سند شش دانگ و یا سند اولیه اراضی مشاعی دارای تقسیم نامه محضری (مادر سند) و یا استعلام ثبتی جهت انجام عمل تفکیکی شامل این بند می باشد.

مساحت کل زمین	سرانه معابر	سرانه خدمات عمومی
تا ۵۰۰ متر مربع	معاف	معاف
مازاد بر ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ متر مربع	۶	۶
مازاد بر ۲۰۰۰ تا ۵۰۰۰ متر مربع	۱۲	۱۲
مازاد بر ۵۰۰۰ متر مربع	۲۰	۲۰

۲۹-۱) در صورتی که معابر مطابق طرح‌های و ضوابط و مقررات و یا با تأیید کمیسیون تغییر کاربری طرح‌های برابر جدول فوق رعایت گردد، از پرداخت سرانه معابر معاف می باشد و در صورت عدم رعایت معابر مابه‌التفاوت معابر معادل جدول فوق با معابر احداثی محاسبه خواهد شد. ضمناً سرانه‌های خدمات عمومی بر اساس باقیمانده زمین پس از کسر معابر محاسبه می گردد.

۲۹-۲) اراضی تفکیک شده در کلیه طرح‌های آماده‌سازی و تفکیکی مصوب قبلی به شرط عدم تفکیکی مجدد و همچنین اراضی دولتی واگذاری بر اساس تبصره یک ماده یازده قانون زمین شهری شامل این ضوابط نمی گردند.

۲۹-۳) کلیه تفکیکی‌هایی که پس از سال ۱۳۹۳ انجام شده یا می شوند و دارای سابقه توافق در دهیاری نمی باشند، مشمول این ضوابط می گردند و در صورت داشتن توافق می باید برابر توافقات عمل شود.

۲۹-۴) مجموع سرانه معابر و سرانه خدمات املاکی که دارای سند ماده ۱۴۷ بوده و یا بدون مراجعه به دهیاری اقدام به اخذ سند مالکیت کرده‌اند و سند آنها پس از سال ۱۳۹۳ صادر شده باشد، بر اساس سند اولیه و طبق جدول فوق و به نسبت قدرالسهم آنها محاسبه می گردد و در صورتی که مالک نتواند سند مالکیت ارائه نماید مجموعاً سرانه خدمات و معابر بر اساس ۱۵٪ مساحت سند ارائه شده محاسبه خواهد شد.

تبصره: در خصوص املاکی که قبل از سال ۱۳۹۴ دارای سابقه پرداخت جریمه و عوارض و پروانه ساخت می باشند و یا قبل از این تاریخ اقدام به ساخت و ساز نموده‌اند و بعد از سال ۱۳۹۳ سند مالکیت از طریق ثبت بدون دریافت نقشه تفکیکی مورد تأیید دهیاری اخذ شده است به شرط اینکه به تشخیص واحد فنی دهیاری تغییری در وضعیت عرصه‌ای که سند اخذ شده است با پرونده دهیاری و یا نقشه‌های موجود ایجاد نشده باشد تنها می بایست عوارض برابر بند ۳۰ تعرفه اخذ شود.

۲۹-۵) نقشه و گزارش طرح تفکیکی و آماده‌سازی باید به تأیید مراجع ذیصلاح برسد.

۲۹-۶) مساحت کاربری فضای عمومی و خدماتی قابل تغییر کاربری و واگذاری به غیر (به استثناء دستگاه بهره‌برداری کننده) نمی باشد.

۲۹-۷) رعایت گذر بندی طرح، الزاماً باید طبق ضوابط و مقررات طرح‌های ملاک عمل باشد.

۲۹-۸) رعایت معابر و شوارع عمومی روستا طبق طرح‌های و طرح‌های اجرایی مصوب روستا الزامی است.

۲۹-۹) چنانچه در طرح پلاکی، مساحت ناشی از رعایت شبکه‌ها و معابر عمومی روستا معادل و یا بیش از ۴۰٪ مساحت اولیه زمین باشد، نیازی به رعایت سطوح خدمات نمی باشد. در این خصوص چنانچه مساحت ناشی از رعایت شبکه‌ها و معابر عمومی روستا بیش از ۵۰٪ مساحت اولیه زمین باشد، ما به ازاء بیش از ۵۰٪ مساحت زمین اولیه طبق نرخ کارشناسی محاسبه و به مالک پرداخت خواهد شد.

۲۹-۱۰) چنانچه مساحت زمین سهم واگذاری به دهیاری، برابر با حداقل نصاب تفکیکی در آن پهنه از روستا طبق ضوابط ملاک عمل باشد، الزاماً باید قطعه مربوطه به دهیاری واگذار گردد.

۲۹-۱۱) دهیاری زمانی می تواند نسبت به اخذ معادل قیمت زمین طبق نظر کارشناس رسمی اقدام نماید که مساحت زمین سهم واگذاری به دهیاری، کمتر از حدنصاب

۲۷۷۴/۳۰۳۹۷ هـ - ۱۳۸۳/۱/۲۹ هیأت وزیران است. بنابراین نتیجه رأی شعبه سوم تشخیص دیوان عدالت اداری به رد شکایت فارغ از استدلال آن به لحاظ اینکه سقف شصت و پنج درصد مشاغل در دانشگاه علوم پزشکی کردستان تکمیل شده است صحیح و موافق مقررات است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۶۰۱۴۵۱

۱۳۹۸/۸/۴

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۲۲ مورخ ۱۳۹۸/۷/۹ با موضوع: «ابطال ماده ۲۹ نظام نامه وصول عوارض و بهای خدمات روستا مصوب شورای اسلامی بخش مرکزی یزد» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد.

مدیر کل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۷/۹ شماره دادنامه: ۱۴۲۲ شماره پرونده: ۱۴۵۱/۹۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکلی: آقای علیرضا فتحی فدجی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۲۹ نظام نامه وصول عوارض و بهای خدمات

روستا مصوب شورای اسلامی بخش مرکزی یزد

گردش کار: شاکلی به موجب درخواستی که به شماره ۱۶۹۴۹۱-۱۳۹۶/۱۰/۲ ثبت دفتر

اندیکاتور هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده اعلام کرده است که:

«احتراماً معروض می دارد شورای بخش مرکزی یزد برخلاف اصول و مواد قانونی اشاره شده و خارج از حدود اختیارات قانونی به شرح ماده ۲۹ نظام نامه خود نسبت به وضع مقررات عوارض و سهم تأمین سرانه فضای عمومی و خدماتی و اراضی مورد نیاز احداث شوارع و معابر روستا (وصول عوارض و بهای خدمات روستا) با مبالغ بسیار زیاد در حدود چند ده میلیون تومان اقدام کرده است. چرا که به موجب اصول ۱۰۰ و ۱۰۳ قانون اساسی و طبق مواد ۶۸ و ۷۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی مقرر شده است شوراهای روستا، بخش، شهر و استان دارای شخصیت حقوقی مستقل و وظایف و اختیارات مجزا و مستقل‌اند و تصمیمات شورا در چهارچوب اختیارات هر شورا دارای اعتبار اجرایی و قانونی می باشد و خارج از حدود اختیارات قانونی آنها می باشد و همچنین مطابق ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰ اخذ هرگونه وجه، کالا و خدمات توسط دستگاه‌های اجرایی به تجویز قانونگذار منوط شده و مطابق مفهوم و منطوق تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده شورای شهر و بخش منحصراً حق وضع عوارض محلی جدید شهر و بخش را دارند و دیگر شوراهای اسلامی حق وضع هیچ گونه عوارض و سایر وجوه را ندارند. لذا با توجه به خارج از حدود اختیارات بودن و خلاف قانون بودن تصمیمات شورای اسلامی بخش مرکزی یزد و حصر تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده به شوراهای اسلامی شهر و بخش و اصول ۱۰۰ و ۱۰۳ قانون اساسی و همچنین مواد ۶۸ و ۷۰ قانون تشکیلات و وظایف شوراهای اسلامی قانون مالیات بر ارزش افزوده و ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت تقاضای ابطال ماده ۲۹ نظام نامه شورای اسلامی بخش مرکزی یزد را از تاریخ تصویب داریم.»

شاکلی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۹۶ - ۱۴۵۱ - ۲ مورخ ۱۳۹۷/۶/۱۲ ثبت دفتر اداره کل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده اعلام کرده است که:

«مدیر کل محترم هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری

احتراماً اینجانب علیرضا فتحی در خصوص کلاسه پرونده ۱۴۵۱/۹۶ آن هیأت

معروض می دارد:

۱- با توجه به اصول ۱۰۰ و ۱۰۳ قانون اساسی، شوراهای روستا مستقل هستند و تصمیمات شورا در چهارچوب اختیارات هر شورا دارای اعتبار می باشد در صورتی که تعرفه عوارض و بهای خدمات مذکور توسط شوراهای اسلامی شهر و بخش تدوین شده است و اصلاً مربوط به روستاها نمی باشد و روستاها دارای شورا و دهیاری مستقل می باشند.

۲- طبق تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده، شورای شهر و بخش منحصراً حق وضع عوارض جدید آن هم برای شهر و بخش را دارند که متأسفانه شورای

تفکیکی طبق ضوابط عمل در آن پهنه از روستا باشد و امکان استفاده از مساحت مورد نظر برای فضای باز و پارکینگ و... نیز مقدور نباشد.

۱۲-۲۹) اراضی دریافتی سهم دهیاری صرفاً جهت معوض اراضی در طرح شبکه معابر و گذرهای سطح روستا واگذار و یا حسب نیاز تبدیل به پارک، پارکینگ و تأسیسات در همان روستا خواهد شد.

۱۳-۲۹) در صورت عدم نیاز دهیاری بابت سهم خود برای مورد ۱۲- ۲۹ زمین از طریق مزایده و رعایت دستورالعملهای مربوطه توسط دهیاری به فروش می‌رسد.»

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی بخش مرکزی یزد به موجب لایحه شماره ۹۶/۱۲۶ - ۱۳۹۶/۱۲/۱۹ توضیح داده است که:

«مدیر محترم دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با سلام

احتراماً در پاسخ به نامه شماره ۳۸۴۱۸ - ۱۳۹۶/۱۱/۲۳ به استحضار می‌رساند:

۱- بر اساس بند ۱۰ ماده ۶۹ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور مصوب ۱۳۷۵/۳/۱ و تبصره الحاقی آن انجام امور تفکیک اراضی در محدوده قانونی روستا توسط دهیاری و با مجوز بخشداری صورت خواهد گرفت که طی نامه شماره ۶۱۸۸۲/۱/۱۰/۰۱-۱۳۸۶/۲/۱۴ سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور گردش کار آن را بیان کرده است.

۲- با توجه به ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده و تبصره ۱ این ماده شورای اسلامی بخش موظف است در مورد وضع هر یک از عوارض محلی جدید که تکلیف آنها در این قانون مشخص نشده است حداکثر تا ۱۵ بهمن هر سال برای اجرا در سال بعد تصویب و اعلام عمومی نماید که برخلاف ادعای متقاضی، تهیه و تصویب تعرفه سالیانه روستاها بر این مبنا قانونی و تجویز قانون بوده و صرفاً توسط شورای اسلامی بخش مرکزی یزد تصویب و اعلام عمومی شده و توسط شورای اسلامی یک روستا تعیین نشده است.

۳- همان گونه که نیک مستحضردید قطعات بزرگ اراضی که تفکیک و قطعه‌بندی می‌شود نیاز به شوارع و معابر، فضای سبز و غیره دارد در بند ۲۹ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۶ نیز زمینهایی که در عرصه آن بیشتر از ۵۰۰ مترمربع بوده و قصد تفکیک و افراز زمین واقع در روستاها را دارند می‌باید جهت تأمین سرانه فضای عمومی و خدماتی و نیز شوارع و معابر روستا نسبت به تأمین زمین مورد نیاز این بند اقدام نمایند. ضمناً در صورتی که معابر و شوارع مطابق طرح‌های رعایت گردد از پرداخت سرانه معابر معاف بوده و در خصوص سرانه خدماتی عمومی، دهیاری زمانی می‌تواند نسبت به اخذ معادل قیمت زمین طبق نظر کارشناس رسمی اقدام نماید که مساحت زمین سهم واگذاری به دهیاری کمتر از حدنصاب تفکیکی طبق ضوابط عمل در آن پهنه از روستا باشد و امکان استفاده از مساحت مورد نظر برای فضای سبز و پارکینگ نیز مقدور نباشد.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۹ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به ماده ۳۷ آیین‌نامه‌های دهیاریها مصوب سال ۱۳۸۱ و تبصره ذیل آن که مقرر می‌دارد: (هر دهیاری دارای تعرفه‌هایی خواهد بود که در آن کلیه انواع عوارض و بهای خدمات و سایر درآمدهایی که با رعایت قوانین مربوط توسط دهیاری وصول یا تحصیل می‌شود، درج و هر نوع عوارض یا بهای خدمات جدیدی که وضع و تصویب می‌گردد با هر تغییری که در نوع و میزان نرخ آنها صورت می‌گیرد، در تعرفه‌های مذکور منعکس می‌شود. تبصره - وزارت کشور مکلف است به منظور ایجاد هماهنگی در شیوه محاسبه عوارض در شورای بخشی و همچنین یک نواختی در نظام عوارضی، با رعایت مقررات قانونی مربوط، دستورالعملهای لازم را تدوین و به دهیاریها ابلاغ نماید.) و همچنین در تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۷ مقرر می‌دارد که (شوراهای اسلامی شهر و بخش جهت وضع هر یک از عوارض محلی جدید، که تکلیف آنها در این قانون مشخص نشده باشد، موظفند موارد را حداکثر تا پانزدهم بهمن ماه هر سال برای اجرا در سال بعد، تصویب و اعلام عمومی نمایند.) و با توجه به وحدت ملاک از تبصره ۳ ماده ۱۰۱ قانون شهرداریها (در اراضی با مساحت بیشتر از پانصد مترمربع که دارای سند شش‌دانگ است شهرداری برای تأمین سرانه فضای عمومی و خدماتی تا سقف بیست و پنج درصد (۲۵٪) و برای تأمین اراضی مورد نیاز احداث شوارع و معابر عمومی شهر در اثر تفکیک و افراز این اراضی مطابق با طرح جامع و تفصیلی با توجه به ارزش افزوده ایجاد شده از عمل تفکیک برای مالک، تا بیست و پنج درصد (۲۵٪) از باقیمانده اراضی را دریافت می‌نماید. شهرداری مجاز است با توافق مالک قدرالسهم مذکور را براساس قیمت روز زمین طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری دریافت نماید.) بنابراین ماده ۲۹ تحت عنوان سهم تأمین سرانه فضای عمومی و خدماتی و اراضی مورد نیاز احداث شوارع و معابر روستا از تعرفه عوارض و بهای

خدمات ملاک عمل دهیاریهای تابع بخش مرکزی یزد برای سال ۱۳۹۶ مصوب شورای اسلامی بخش مرکزی یزد مغایر قوانین مذکور است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

شماره ۹۶۰۰۸۵۸

۱۳۹۸/۸/۴

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۳۹۸/۷/۹ مورخ ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۲۴ با موضوع: «ابطال مصوبه شماره ۳۶۵۴/ش الف د - ۱۳۸۲/۱۱/۵ شورای اسلامی شهر شیراز» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۷/۹ شماره دادنامه: ۱۴۲۴ شماره پرونده: ۸۵۸/۹۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکلی: سازمان بازرسی کل کشور

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبه ۳۶۵۴/ش الف د - ۱۳۸۲/۱۱/۵ شورای

اسلامی شهر شیراز

گردش کار: سرپرست معاونت حقوقی و نظارت همگانی سازمان بازرسی کل کشور و رئیس کمیسیون تطبیق مصوبات دستگاه‌های اداری با قانون در سازمان مذکور به موجب شکایت نامه شماره ۱۰۱۸۹۱-۱۳۹۶/۵/۱۶ اعلام کرده است که:

«حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای بهرامی

رئیس محترم دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً در اجرای تکالیف قانونی سازمان مصوبه شماره ۳۶۵۴/ش الف د - ۱۳۸۲/۱۱/۵

شورای اسلامی شهر شیراز در این سازمان مورد بررسی قرار گرفت:

الف - شورای اسلامی شهر مذکور به موجب مصوبه شماره ۳۶۵۴/ش الف د -

۱۳۸۲/۱۱/۵ تصویب نموده است «بر اساس مصوبه شماره ۳۶۵۴/ش الف د - ۱۳۸۲/۱۱/۵

شورای اسلامی شهر شیراز عوارض اراضی رها شده به شرح زیر قابل وصول می‌باشد:

ماده ۱- اراضی رها شده عبارت است از کلیه اراضی واقع در محدوده خدماتی و شهرکهای اقماری با قابلیت تفکیک از طریق شهرداری یا سازمان مسکن و شهرسازی که دارای کاربری مسکونی، تجاری، کارگاهی و صنعتی می‌باشند.

ماده ۲- کلیه مالکانی که ملک آنها به عنوان اراضی رها شده اعلام می‌شود، موظفند

عوارض خاص برای هر مترمربع ملک خود به عنوان عوارض عدم استفاده از اراضی به شهرداری به شرح زیر پرداخت نمایند: میزان عوارض قابل وصول به ازای هر دو سال بوده که در مرحله اول معادل ۱/۴ قیمت منطقه‌بندی P و در مراحل بعدی به دو برابر افزایش یافته و نهایتاً تا سقف یک برابر قیمت منطقه‌بندی قابل اخذ می‌باشد.

تبصره ۱: کلیه مالکان و صاحبان حقوق در اراضی رها شده واقع در محدوده خدماتی شهر شیراز و شهرکهای اقماری بایستی ظرف ۲ ماه از تاریخ انتشار این مصوبه در روزنامه‌های رسمی به شهرداری منطقه مربوطه مراجعه نموده و فرم عوارض زمینهای رها شده را تکمیل نمایند.

تبصره ۲: زمینهایی که به عللی دارای مشکل قانونی در جهت تفکیک و صدور پروانه ساخت بوده یا وضعیت مالکیت آنها روشن نمی‌باشد تا زمان حل مشکل مشمول عوارض موضوع این لایحه نمی‌باشند.

تبصره ۳: افرادی که در هر سال نسبت به پرداخت عوارض موضوع این مصوبه اقدام نمایند، مشمول ۱۰٪ تخفیف خوش حسابی می‌شوند و در صورت تاخیر عوارض معوقه به نرخ روز محاسبه و وصول خواهد شد.

تبصره ۴: مالکانی که اقدام به اخذ پروانه نموده ولی در مهلت قانونی اقدام به ساخت و ساز نمی‌نمایند و مشمول عوارض تمدید پروانه می‌شوند برای این مدت سیری شده (از زمان اخذ پروانه تا زمان پرداخت عوارض تمدید) مشمول ۱/۲ عوارض زمینهای رها شده می‌گردند.

تبصره ۵: مالکانی که تا پایان هر سال اقدام به اخذ پروانه دائم نمایند، از پرداخت عوارض همان سال معاف می‌باشند.

تبصره ۶: چنانچه ملک مشمول عوارض، دارای چند بر باشد ملاک محاسبه عوارض خدمت آن بر است که از همه بیشتر باشد.
تبصره ۷: عوارض مذکور شامل اراضی ۱۰۰۰ متر به بالا می‌باشد.
تبصره ۸: در صورتی که مساحت مجموع قطعات اراضی هر مالک بیش از هزار مترمربع باشد، مازاد بر ۱۰۰۰ مترمربع مشمول عوارض رها شده می‌گردد.
ب - مصوبه یاد شده بنا به دلایل و مستندات ذیل مغایر با قانون می‌باشد:

۱- مطابق اصل تسلیط، هر شخصی نسبت به مالکیت خود حق هرگونه انتفاع و بهره‌برداری را دارد و منطقاً و عرفاً مالک زمانی در ملک خود تصرف می‌نماید که از نظر مالی متمکن باشد. خصوصاً اقدام به فعالیت و تصرفات عمرانی از قبیل ساخت و ساز که مستلزم صرف مبالغ زیادی است. به همین علت در برخی موارد ممکن است، مالک بنا به دلایلی که بعضاً خارج از اراده وی باشد، نتواند انتفاع و بهره لازم را ببرد. در این وضعیت الزام وی به اقدام عمرانی مغایر با حق مالکیت وی و اصل تسلیط بوده و این امر صرفاً به موجب حکم قانونی ممکن است. بنابراین وضع عوارض فوق کاملاً مغایر با اصل تسلیط و مالکیت بوده و برخلاف تصرفات مالکانه و مشروع اشخاص می‌باشد.

۲- خالی بودن ملک نمی‌تواند موجبی برای مطالبه عوارض عدم استفاده از اراضی از مالکانی که ملک آنها به عنوان اراضی رها شده باشد. ضمن آنکه اخذ عوارض در قبال ارائه خدمات است در حالی که در موضوع فوق خدماتی ارائه نمی‌شود تا در قبال آن اخذ عوارض صورت پذیرد.
۳- در رأی شماره ۵۵۶ - ۱۳۸۷/۸/۱۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مصوبه شورای اسلامی شهر تهران (برتجویز اخذ عوارض سالیانه از اراضی و املاک بلا استفاده، خالی یا متروکه به ماخذ ۲۰٪ قیمت منطقه‌ای موضوع دفترچه بهای معاملات املاک) مغایر با قانون تشخیص داده شده و ابطال گردیده است.

بنا به مراتب مصوبه شماره ۳۶۵۴/ش الف د - ۱۳۸۲/۱۱/۵ شورای اسلامی شهر شیراز با موضوع عوارض اراضی رها شده به شرح فوق مغایر با قانون و خارج از حدود و اختیارات شورای مذکور و ابطال آن مورد درخواست می‌باشد. خواهشمند است دستور فرمایید موضوع در هیأت عمومی دیوان رسیدگی و از نتیجه این سازمان را مطلع نمایند. «در پی اخطار رفع نقصی که از طرف دفتر هیأت عمومی برای سازمان بازرسی کل کشور ارسال شده بود، سرپرست معاونت حقوقی و نظارت همگانی سازمان بازرسی کل کشور به موجب لایحه شماره ۱۵۴۲۹۲ - ۱۳۹۶/۷/۲۲ توضیح داده است که:

«جناب آقای دربین

مدیرکل محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً عطف به اخطار رفع نقص شماره پرونده ۹۶۰۹۹۸۰۹۰۸۵۰۰۶۱۰ - ۱۳۹۶/۷/۱۰ (موضوع کلاسه ۸۵۸/۹۶) پیرامون مغایرت مصوبه شماره ۳۶۵۴/ش الف د - ۱۳۸۲/۱۱/۵ شورای اسلامی شهر شیراز با قوانین و مقررات موضوعه (که در تاریخ ۱۳۹۶/۷/۱۶ به دبیرخانه این سازمان ابلاغ شده است) به استحضار می‌رساند: همان گونه که در نامه شماره ۱۰۱۸۹۱ - ۱۳۹۶/۵/۱۶ نیز به آن اشاره شده است، مصوبه یاد شده بنا به دلایل و مستندات ذیل مغایر با قانون است:

۱- مطابق اصل تسلیط، هر شخصی نسبت به مالکیت خود حق هرگونه انتفاع و بهره‌برداری را دارد و منطقاً و عرفاً مالک زمانی در ملک خود تصرف می‌نماید که از نظر مالی متمکن باشد. خصوصاً اقدام به فعالیت و تصرفات عمرانی از قبیل ساخت و ساز که مستلزم صرف مبالغ زیادی است. به همین علت در برخی موارد ممکن است، مالک بنا به دلایلی که بعضاً خارج از اراده وی باشد، نتواند انتفاع و بهره لازم را از مایملک خود ببرد. در این وضعیت الزام وی به اقدام عمرانی مغایر با حق مالکیت وی و اصل تسلیط بوده و این امر صرفاً به موجب حکم قانونی ممکن است.
بنابراین وضع عوارض فوق کاملاً مغایر با اصل تسلیط و مالکیت بوده و برخلاف تصرفات مالکانه و مشروع اشخاص می‌باشد.

۲- خالی بودن ملک نمی‌تواند موجبی برای مطالبه عوارض عدم استفاده از اراضی از مالکانی که ملک آنها به عنوان اراضی رها شده باشد. ضمن آنکه اخذ عوارض در قبال ارائه خدمات است در حالی که در موضوع فوق خدماتی ارائه نمی‌شود تا در قبال آن اخذ عوارض صورت پذیرد.
۳- در رأی شماره ۵۵۶ - ۱۳۸۷/۸/۱۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مصوبه شورای اسلامی شهر تهران (برتجویز اخذ عوارض سالیانه از اراضی و املاک بلااستفاده، خالی یا متروکه به ماخذ ۲۰٪ قیمت منطقه‌ای موضوع دفترچه بهای معاملات املاک) مغایر با قانون تشخیص داده شده و ابطال شده است.

۴- تعیین عوارض سالیانه بر اراضی و املاک بلا استفاده و خالی و متروکه خارج از حدود و اختیارات شورای اسلامی شهر شیراز مندرج در ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران می‌باشد.

تصمیم متخذه این سازمان را مطلع نمایند.
متن مصوبه مورد اعتراض به قرار زیر است:

«استانداری محترم فارس

سلام علیکم

احتراماً ضمن ارسال تصویر نامه شماره ۱۵۲۱۹/۱ - ۱۳۸۲/۱۰/۲۹ شهردار شیراز در خصوص لایحه عوارض از اراضی رها شده به استحضار می‌رساند، لایحه مذکور در جلسه مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱ شورا مطرح و به شرح زیر مورد تصویب قرار گرفت. لازم به ذکر است که لایحه تصویبی از تاریخ ۱۳۸۲/۱۱/۱ قابل اجرا خواهد بود.

ماده ۱: اراضی رها شده عبارت است از کلیه اراضی واقع در محدوده خدماتی و شهرکهای اقماری با قابلیت تفکیک از طریق شهرداری یا سازمان مسکن و شهرسازی که دارای کاربری مسکونی، تجاری، کارگاهی و صنعتی می‌باشند.

ماده ۲: کلیه مالکینی که ملک آنها به عنوان اراضی رها شده اعلام می‌شود، موظفند عوارض خاصی برای هر مترمربع ملک خود به عنوان عوارض عدم استفاده از اراضی به شهرداری به شرح زیر پرداخت نمایند: میزان عوارض قابل وصول به ازای هر دو سال بوده که در مرحله اول معادل ۱/۴ قیمت منطقه‌بندی موضوع ماده ۶۴ قانون مالیاتهای مستقیم و در مراحل بعدی به دو برابر افزایش یافته و نهایتاً تا سقف یک برابر قیمت منطقه‌بندی قابل اخذ می‌باشد.

تبصره ۱: کلیه مالکین و صاحبان حقوق در اراضی رها شده واقع در محدوده خدماتی شهر شیراز و شهرکهای اقماری بایستی ظرف ۲ ماه از تاریخ انتشار این مصوبه در روزنامه‌های رسمی به شهرداری منطقه مربوطه مراجعه نموده و فرم عوارض زمینهای رها شده را تکمیل نمایند.

تبصره ۲: زمینهایی که به عللی دارای مشکل قانونی در جهت تفکیک و صدور پروانه ساخت بوده یا وضعیت مالکیت آنها روشن نمی‌باشد تا زمان حل مشکل مشمول عوارض موضوع این لایحه نمی‌باشند.

تبصره ۳: افرادی که در هر سال نسبت به پرداخت عوارض موضوع این مصوبه اقدام نمایند، مشمول ۱۰٪ تخفیف خوش حساسی می‌شوند و در صورت تاخیر عوارض معوقه به نرخ روز محاسبه و وصول خواهد شد.

تبصره ۴: مالکینی که اقدام به اخذ پروانه نموده ولی در مهلت قانونی اقدام به ساخت و ساز نمی‌نمایند و مشمول عوارض تمدید پروانه می‌شوند برای این مدت سپری شده (از زمان اخذ پروانه تا زمان پرداخت عوارض تمدید) مشمول ۱/۲ عوارض زمینهای رها شده می‌گردند.

تبصره ۵: مالکینی که تا پایان هر سال اقدام به اخذ پروانه دائم نمایند، از پرداخت عوارض همان سال معاف می‌باشند.

تبصره ۶: چنانچه ملک مشمول عوارض، دارای چند بر باشد ملاک محاسبه عوارض قیمت آن بر است که از همه بیشتر باشد.

تبصره ۷: عوارض مذکور شامل اراضی ۱۰۰۰ متر به بالا می‌باشد.

تبصره ۸: در صورتی که مساحت مجموع قطعات اراضی هر مالک بیش از هزار مترمربع باشد، مازاد بر ۱۰۰۰ مترمربع مشمول عوارض رها شده می‌گردد.

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر شیراز به موجب لایحه شماره ۹۶/۳۵۲۳/ص - ۱۳۹۶/۸/۲۲ توضیح داده است که:

«ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با سلام

با احترام بازگشت به ابلاغیه پرونده شماره ۹۶۰۹۹۸۰۹۰۸۵۰۰۶۱۰ و کلاسه پرونده ۸۵۸/۹۶ موضوع شکایت سازمان بازرسی کل کشور به طرفیت شورای اسلامی شهر شیراز در خصوص اعلام مغایرت قانونی مصوبه شماره ۳۶۵۴/ش الف د - ۱۳۸۲/۱۱/۵ شورای اسلامی شهر شیراز، مراتب ذیل در دفاع از مصوبه شورا به شرح ذیل حضور حضرتعالی و قضات دیوان عدالت اداری معروض می‌گردد:

۱- سازمان بازرسی در بند یک ذیل قسمت «ب» با استناد به اصل تسلیط، وضع عوارض موضوع مصوبه شماره ۳۶۵۴/ش الف د را مغایر با اصل مزبور دانسته است ولیکن قابل توضیح است که در کنار اصل تسلیط قاعده لاضرر نیز وجود دارد که سازمان به آن اشاره نکرده است و همان طور که قضات مستحضرند اصل تسلیط در حقوق خصوصی مورد استفاده و استناد قرار می‌گیرد و در حقوق عمومی مصالح عمومی بر حقوق خصوصی افراد ارجحیت دارد. در قوانین مختلف اختیاراتی به شهرداری و سایر مراجع قانونی داده شده است که ذیلاً نمونه‌هایی ارائه می‌گردد:

شماره ۹۷۰۰۱۰ شماره ۱۳۹۸/۸/۴

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۲۵ مورخ ۱۳۹۸/۷/۹ با موضوع: «ابطال بند ۳ مصوبه چهل و دومین جلسه سال ۱۳۹۳ شورای اسلامی شهر کمال‌شهر ابلاغی به شماره ۹۳/۶۲/۸۶۹-۱۳۹۳/۵/۱۹» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۷/۹ شماره دادنامه: ۱۴۲۵ شماره پرونده: ۱۰/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاک: سازمان بازرسی کل کشور

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۳ مصوبه چهل و دومین جلسه رسمی سال ۱۳۹۳ شورای اسلامی شهر کمال شهر ابلاغی به شماره ۹۳/۶۲/۸۶۹-۱۳۹۳/۵/۱۹

گردش کار: سرپرست معاونت حقوقی و نظارت همگانی سازمان بازرسی کل کشور به موجب شکایت نامه شماره ۲۴۹۲۶۸ - ۱۳۹۶/۱۱/۱۱ اعلام کرده است که:

«حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای بهرامی

رئیس محترم دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً به استحضار می‌رساند، بر اساس بررسی‌های صورت گرفته از عملکرد شهرداری کمالشهر مشخص شده شورای اسلامی کمالشهر در سال ۱۳۹۳ طی چهل و دومین جلسه رسمی خود اقدام به تصویب حق ایاب و ذهاب برای اعضای شورای اسلامی و همچنین مدیران شهرداری نموده است. مصوبه مذکور مغایر با بند «۹» ماده «۸۱» مکرر قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور (که در مقام تبیین وظایف و اختیارات شورای عالی استانها وضع گردیده است) و همچنین آیین‌نامه نحوه پرداخت حق‌الجلسه و مزایا به اعضای شورای اسلامی به شماره ۵۹۸۶۸/ت/۳۳۹۰۳ - ۱۳۸۴/۹/۲۸ و همچنین اصلاحیه آن به شماره ۱۰/۵۱۴/ن - ۵۲۹۱۶ - ۱۳۹۶/۸/۶ مبنی بر ممنوعیت هرگونه پرداخت به اعضای شورا به غیر از حق جلسه است. ضمن اینکه مصوبه فوق برخلاف ماده ۳۶ آیین‌نامه استخدامی شهرداریها و همچنین ضوابط اجرای سالیانه بودجه نیز می‌باشد. نظر به اینکه مصوبه فوق خارج از اختیارات مصرح در ماده ۷۶ قانون مذکور بوده، ابطال آن مورد درخواست می‌باشد. موجب امتنان است از نتیجه تصمیم متخذه این سازمان را مطلع فرمایید.»

متن صورت‌جلسه در قسمت مورد اعتراض به قرار زیر است:

«۳- لایحه شماره ۹۳/۶/۸۵۸۶ - ۱۳۹۳/۴/۳ شهرداری در نظر دارد در راستای اصلاح امور و صرفه جویی در هزینه‌ها و به جهت تسریع در پیگیری امور محوله و کاهش حجم کار نسبت به پرداخت هزینه ایاب و ذهاب به مسئولین در ۵ گروه شغلی به شرح پیوست همانند سنوات گذشته (مجوز شماره ۹۱/۵۸/۲۱۰۴ - ۱۳۹۱/۱۰/۱۹ و بند م - ۳ آیین‌نامه اجرایی بودجه سال ۱۳۹۲) از محل اعتبار ردیف ماده ۴ وظیفه خدمات اداری و شهری اقدام نماید، خواهشمند است در صورت صلاحدید مجوز لازم صادر و امر به ابلاغ فرمایید. بدیهی است با پرداخت حق ایاب و ذهاب به مسئولان مربوطه حق استفاده از خودروهای شهرداری را نخواهد داشت. ضمناً سایر کارمندان برای انجام مأموریت‌های اداری محوله از خودروهای استیجاری و برای ایاب و ذهاب از سرویس استفاده می‌نمایند. در جلسه شورا مطرح و با پیشنهاد شهرداری با اکثریت آراء موافقت گردید. به شهرداری اجازه داده می‌شود به جهت تسریع در پیگیری امور محوله نسبت به پرداخت هزینه ایاب و ذهاب در ۵ گروه شغلی به ترتیب لیست ارسالی از سوی شورای شهر از محل ردیف ماده ۴ وظیفه خدمات اداری و شهری اقدام نماید.»

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر کمال شهر به موجب لایحه شماره ۹۷/۵۳/۴۷۴ - ۱۳۹۷/۳/۷ توضیح داده است که:

«مدیریت محترم دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با سلام

احتراماً در ارتباط با پرونده کلاسه شماره بایگانی ۹۶۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۱۹۴۹ شماره بایگانی ۹۴۸۳۰ موضوع تقاضای ابطال مصوبه حق ایاب و ذهاب برای اعضای شورای اسلامی کمالشهر در پاسخ به استحضار می‌رساند با عنایت به شقوق ۱۰ و ۱۲ ماده ۷۶ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی، این شورا اختیار تأیید صورت هزینه و یا تصویب بودجه یا تفریح آن را دارد و به دلالت ضمنی مراتب بر اختیار شورا در تصویب

الف - در قوانین تملکی به خصوص قانون نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت در صورت عدم همکاری مالکین طرح‌های ضروری متوقف نشده، اصل تسلیط رعایت نمی‌گردد و اشخاص حقوقی، حقوق عمومی از جمله شهرداریها نسبت به سلب مالکیت خصوصی و تصرف اقدام می‌نمایند.

ب - برابر ماده ۱۱۰ قانون شهرداری زمینهایی که به صورت غیرمناسب رها می‌گردند شهرداری می‌تواند نسبت به دیوارکشی آنها اقدام نماید و هزینه‌های مربوط را به اضافه ۱۰ درصد از مالک یا متولی یا متصدی موقوفه دریافت نماید و این شورا به جهت سازماندهی این اراضی اقدام به وضع مصوبه فوق‌الذکر به شماره ۳۶۵۴۰ کرده است.

ج - برابر ماده ۲۹ قانون نوسازی و عمران شهری عوارض اراضی فاقد ساختمان در محدوده شهر که آب لوله کشی و برق داشته باشد ۲ برابر می‌باشد و این شورا به جهت سازماندهی این اراضی و رعایت این ماده قانونی اقدام به وضع مصوبه فوق‌الذکر به شماره ۳۶۵۴۰ کرده است.

د - مطابق با ماده ۵۴ مکرر قانون مالیاتهای مستقیم برای املاک خالی از سکنه مالیات در نظر گرفته شده که در برخی شرایط به دو برابر معمول بالغ می‌گردد. این نوع مالیات یک مالیات ارشادی است و نشان از عدم رعایت اصل تسلیط مورد استناد سازمان بازرسی می‌بوده و جهت رفع مشکلات مسکن تصویب شده است در این مورد نیز عوارض مذکور ارشادی و جهت رفع مشکلات مسکن و رفع مشکلات شهری می‌باشد. لذا با توجه به موارد فوق اصل تسلیط در بسیاری موارد با قاعده لاضرر در تعارض بوده و به دلیل اختیارات قانونی که به شهرداریها و شوراها واگذار گردیده است مصوبه فوق‌الذکر به تصویب رسیده است.

۲- سازمان بازرسی در بند ۲ ذیل قسمت «ب» خالی بودن ملک را موجبی برای مطالبه عوارض ندانسته و در ادامه بیان کرده‌اند که خدمتی به این اراضی ارائه نمی‌شود که در پاسخ بیان می‌دارد در بسیاری از قوانین به خصوص ماده ۱۱۰ قانون شهرداری ماده ۲۹ قانون نوسازی و عمران شهری و ماده ۵۴ مکرر قانون مالیاتهای مستقیم برای اراضی و املاک فاقد ساختمان و خالی از سکنه عوارض و مالیاتهایی وضع گردیده که نشان از توجه قانونگذار به موضوع بدون ساختمان بودن اراضی و خالی بودن سکنه و عارضه‌های وارده به شهر دارد و با توجه به هزینه‌هایی که شهرها برای ساماندهی سیما و منظر شهر می‌نمایند موضوع خالی بودن سکنه و عدم وجود ساختمان، هزینه‌های هنگفتی را به شهرها تحمیل می‌نماید و به خوبی در ماده ۱۱۰ قانون شهرداری و ماده ۲۹ قانون نوسازی و عمران شهری به آنها اشاره شده است که سازمان به این موارد توجهی نکرده است.

۳- سازمان بازرسی در بند ۳ نامه ارسالی استناد به رأی شماره ۵۵۶ - ۱۳۸۷/۸/۱۹ در خصوص ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر تهران کرده است و جهت استحضار قضات دیوان اعلام می‌دارد که دلایل فوق‌الذکر از جمله دلایلی است که در زمان صدور رأی ۵۵۶ دیوان، بیان نشده است و از طرفی مصوبه شماره ۳۶۵۴/ش الف د - ۱۳۸۲/۱۱/۵ از بابت مبلغ کمتر و مترمز شمول مصوبه (۱۰۰۰ مترمربع ذکر شده در تبصره هشت مصوبه این شورا) و هم از نظر محتوا با مصوبه ابطال تهران متفاوت می‌باشد به عنوان مثال تبصره ۳ و ۴ مصوبه ۳۶۵۶ از جمله موارد برگرفته از مواد قانون نوسازی و عمران شهری ذکر شده در بند «الف» و «ب» این لایحه می‌باشد و لذا مصوبه شورا در جهت رعایت قوانین پراکنده موجود و اختیارات واگذاری به شوراها از جمله بند ۱۶ و ۲۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور با اصلاحات سال ۱۳۹۶ و تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده وضع شده است. علیهذا با عنایت به مطالب فوق و غیرموجه بودن تقاضای سازمان بازرسی از محضر حضرتعالی و قضات دیوان تقاضای رد شکایت سازمان بازرسی مورد استدعاست.»

در خصوص ادعای مغایرت موضوع مصوبه شماره ۳۶۵۴/ش الف د - ۱۳۸۲/۱۱/۱۵ [۱۳۸۲/۱۱/۵] شورای اسلامی شهر شیراز با شرع مقدس اسلام، قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب لایحه شماره ۹۷/۱۰۲/۷۷۱۳ - ۱۳۹۷/۹/۷ اعلام کرده است که:

«گر با توجه به جمیع قوانین مرتبط از جمله ماده ۱۵ مالیات بر اراضی بایر قانوناً حق جعل عوارض برای شورای شهر ثابت باشد خلاف شرع دانسته نشد. تشخیص این امر با دیوان عدالت اداری می‌باشد.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۹ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به آراء متعدد صادره از هیأت عمومی در خصوص اخذ عوارض زمینهای رها شده از جمله رأی شماره ۵۵۶ - ۱۳۸۷/۷/۱۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مصوبه مورد اعتراض مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات وضع شده و به دلایل مندرج در رأی یاد شده مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

ماده ۶ قانون کار ممنوع و در ماده ۱۷۲ قانون یاد شده برای آن ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته شده است، بر این اساس نمی‌توان با وضع بخشنامه‌ای حق استعفا را از کارگر سلب نموده و او را به انجام کاری مجبور نمود. از طرف دیگر اصل ۷۳ قانون اساسی، شرح و تفسیر قوانین را در صلاحیت مجلس شورای اسلامی قرار داده است و به موجب قسمت اخیر اصل ۱۳۸ قانون اساسی مقرر گردیده هر یک از وزیران در حدود وظایف خویش حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارند، لذا تفسیر، توسعه و تضییع دایره شمول مواد ۲۱ و ۲۵ قانون کار از صلاحیت اداره روابط کار خارج است که این موضوع در آرای متعدد وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و در مقام ابطال بخشنامه‌های وزارت کار نیز درج شده که برخی از آنها بدین شرح می‌باشد:

بند (ب) دادنامه وحدت رویه شماره ۵۳۷ و ۵۳۸ - ۱۳۹۵/۸/۱۸

دادنامه وحدت رویه شماره ۴۷۳ - ۱۳۹۶/۵/۱۷

دادنامه وحدت رویه شماره ۴۸۲ - ۱۳۹۶/۵/۲۴ "

متن مقررره مورد اعتراض به شرح زیر است:

«جناب آقای لطفی نژاد

مدیرکل محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران

با سلام و احترام

ضمن ارسال نامه شماره ۰۱۱۵ - ۹۳ - ۱۳۹۳/۴/۱۵ شرکت داروگ که به شماره ۷۰۱۶۳ - ۱۳۹۳/۴/۱۶ ثبت شده است خواهشمندم دستور فرمایید پاسخ زیر را به نحو مقتضی به شرکت مذکور اعلام نمایند:

۱- با توجه به اینکه به موجب ماده ۲۵ قانون کار، در قراردادهای کار مدت موقت یا کار معین هیچ یک از طرفین حق فسخ یکجانبه قرارداد کار را ندارند لذا استعفا موضوع تبصره ماده ۲۱ قانون کار در خصوص این قبیل قراردادهای منتفی می‌باشد و تنها راه انحلال این قبیل قراردادهای توافق دو جانبه طرفین بر این امر (انحلال قرارداد) می‌باشد، لیکن چنانچه در قرارداد کار منعقد حق استعفا برای کارگر پیش‌بینی شده باشد این شرط به دلیل آن که متضمن مزایایی بیش از امتیازات مقرر در قانون کار است با توجه به ماده ۸ قانون کار صحیح و لازم‌الاجرا می‌باشد.

۲- با توجه به بند (د) ماده ۲۱ قانون کار، با انقضای مدت در قراردادهای کار با مدت موقت و عدم تجدید صریح یا ضمنی آن قرارداد کار خاتمه می‌یابد و تشریفات دیگری برای خاتمه این قبیل قراردادهای مورد نیاز نیست، لیکن توجه به این نکته ضروری است که عدم انعقاد قرارداد کتبی بین کارگر و کارفرما به معنی عدم وجود قرارداد نیست بلکه با توجه به امکان انعقاد قرارداد کار به صورت شفاهی و عملی چنانچه پس از خاتمه قرارداد کار، کارگر بدون انعقاد قراردادی جدید به کار خود ادامه دهد این عمل به معنی تمدید ضمنی قرارداد کار قبلی است که مدت این قرارداد با توجه به اصل استصحاب برابر مدت قرارداد قبلی خواهد بود مگر اینکه خلاف آن اثبات شود.

۳- در صورت ترک کار (فسخ یک جانبه قرارداد از سوی کارگر بدون رعایت شرایط قانونی) کارگر از دریافت مزایای پایان کار (حق سنوات) محروم می‌گردد و چنانچه از عمل کارگر خسارتی به کارفرما وارد شود موضوع از طریق مراجع دادگستری قابل پیگیری می‌باشد. مدیرکل روابط کار و جبران خدمت»

ب - آقای سعید کنعانی به موجب دادخواستی ابطال بند ۱ نامه شماره ۱۲۳۳۲۸ - ۱۳۹۳/۶/۳ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«مغایرت با قانون: بند (و) ماده ۲۱ قانون کار، استعفا را برای تمامی کارگران تجویز نموده و حصر و محدودیتی برای کارگران قراردادی قائل نشده است، لذا بخشنامه معترض‌عنه از این جهت که کارگران قراردادی را از حق استعفا محروم نموده مغایر با بند (و) ماده ۲۱ قانون کار و مستحق ابطال است.

خروج از حیطه اختیارات: مراجع حل اختلاف به موجب ماده ۱۶۰ قانون کار با شخصیت حقوقی مستقل از وزارت کار ایجاد گردیده که وزارت کار فقط یک عضو در آن دارد و به دلالت ماده ۱۶۴ قانون مذکور، تهیه و تنظیم دستورالعمل، آیین‌نامه و بخشنامه صرفاً در صلاحیت شورای عالی کار بوده و از صلاحیت کارمندان روابط کار خارج می‌باشد که در دادنامه شماره ۱۶۹۲ - ۱۳۹۷/۸/۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری نیز بدان تأکید شده است.»

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (معاونت رابط کار) به موجب لایحه شماره ۶۵۶۷۹ - ۱۳۹۸/۴/۱۶ توضیح داده است که:

«۱- قرارداد کار مدت موقت و کار معین با توجه به ماده ۲۵ قانون کار که حق فسخ را از کارگر و کارفرما سلب کرده است، نسبت به هر دو طرف لازم می‌باشد به موجب این ماده «هرگاه قرارداد کار برای مدت موقت و یا برای انجام کار معین منعقد شده باشد هیچ یک از

هزینه ایاب و ذهاب موضوع شکایت اشعار دارد به علاوه مراتب از آنجا که تصویب هیچ یک از اقلام هزینه شهرداری در قانون تصریح نشده است و تخصیص هزینه‌های مذکور تحت عنوان کلی «تصویب بودجه» معمول می‌گردد. لذا اعلام پیش‌بینی عنوان «حق ایاب و ذهاب» مورد اعتراض به دلیل عدم اختیار شورا در تصویب آن نمی‌باشد زیرا علی‌الاصول منع احتیاج به تصریح داشته و در صورت عدم تصریح بر منع موضوع مستنداً به اصله الاباحه، مجاز و مشروع خواهد بود. لذا مستدعی است با عنایت به مراتب نسبت به رد شکایت اقدام شایسته معمول فرمایید.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۹ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

طبق ماده ۳۶ آیین‌نامه استخدامی کارکنان شهرداریهای کشور، هرگونه مصوبه، دستورالعمل، بخشنامه، آیین‌نامه، مقررات و سایر تسهیلات که برای کارکنان مشمول قانون استخدام کشوری و قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت تصویب یا در نظر گرفته شده یا می‌شود در مورد کارکنان شهرداریهای سراسر کشور و سازمانهای وابسته که مشمول تبصره ماده ۱ این آیین‌نامه هستند با تأمین اعتبار لازم در بودجه شهرداریها به اجرا در می‌آید و همچنین بر اساس تبصره ۳ ماده ۱۲ تصویب‌نامه شماره ۳۳۲۶۷/ت/۵۲۹۸۲-هـ - ۱۳۹۵/۳/۲۲ هیأت وزیران مقرر شده است که دستگاه‌های اجرایی مستقر در کلان شهرها مجازند هزینه ایاب و ذهاب کارکنان خود را به شکل نقدی پرداخت نموده و یا برای بهره‌برداری از سرویس کارکنان نسبت به عقد قرارداد با شرکت‌های حمل و نقل شهری غیردولتی اقدام کنند، سقف قرارداد مربوط باید حداکثر معادل هزینه ایاب و ذهاب و پرداختی به کارکنان در سال ۱۳۹۴ باشد. با توجه به اینکه پرداخت هرگونه وجه به هر صورت به اشخاص از خزانه دولت و مؤسسات عمومی غیردولتی باید مستند قانونی داشته باشد و با توجه به دلایل مندرج در دادنامه شماره ۵۹ - ۱۳۹۷/۱/۲۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری بند ۳ مصوبه چهل و دومین جلسه سال ۱۳۹۳ شورای اسلامی شهر کمال شهر که برخلاف مقررات مذکور وضع شده مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

شماره ۹۶۰۱۲۱۴

۱۳۹۸/۸/۴

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۲۷ و ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۲۶ مورخ ۱۳۹۸/۷/۹ جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۷/۹ شماره دادنامه: ۱۴۲۶ - ۱۴۲۷

شماره پرونده: ۱۲۱۴/۹۶، ۲۵۷۶/۹۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکلی: ۱- خانم ام البنی باقرنژاد ۲- آقای سعید کنعانی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۱ نامه شماره ۱۲۳۳۲۸ - ۱۳۹۳/۶/۳

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

گردش کار: الف - خانم ام البنی باقرنژاد به موجب دادخواستی ابطال بند ۱ نامه شماره ۱۲۳۳۲۸ - ۱۳۹۳/۶/۳ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«ماده ۱ بخشنامه مزبور که کارگران قراردادی را از استعفا و ختم رابطه کاری محروم نموده خلاف قانون است زیرا قرارداد کار عقد رضایی و معوض بوده و مفهوم زمان شرط اصلی در قرارداد می‌باشد و مطابق بند (و) ماده ۲۱ قانون کار با استعفای کارگر خاتمه می‌یابد. همچنین توافق یا مصالحه فی‌مابین کارگر و کارفرما از موارد خاتمه قرارداد و پایان کار احصاء نشده و مشخص نیست بخشنامه مذکور بر چه اساسی شرایط استعفا در تبصره ماده ۲۱ قانون کار را به مصالحه و تراضی تغییر داده است. مضافاً کار اجباری در

طرفین به تنهایی حق فسخ آن را ندارد»، بنابراین استعفای موضوع بند (و) ماده ۲۱ قانون کار از دایره شمول قراردادهای کار مدت موقت و کار معین خارج است، زیرا پذیرش استعفا در این قبیل قراردادهای به معنای پذیرش اختیار فسخ قراردادهای مزبور در هر زمانی است که کارگر اراده کند و در نتیجه مفاد ماده ۲۵ قانون کار را حداقل نسبت به کارگر بی‌معنا می‌سازد. بنابراین به نظر می‌رسد شاکی برداشت غیرصحیحی از اصل رضایی بودن و معوض بودن قراردادهای کار دارد، زیرا معتقد است به دلیل رضایی بودن و معوض بودن این قراردادها باید حق استعفا برای کارگر دارای قرارداد کار مدت موقت پیش‌بینی شود در حالی که اصل رضایی بودن قراردادهای کار معوض بودن به مسائل دیگری اشاره می‌کند.

۲- همانند سایر عقود لازم نظیر بیع که اقاله (انحلال عقد با تراضی طرفینی) در آنها مجاز است در قراردادهای کار مدت موقت و کار معین نیز که در زمره عقود لازم هستند این امر مجاز است و لذا با تراضی طرفین می‌توان این قراردادهای را منحل نمود و هیچ دلیلی مبنی بر عدم اعمال اقاله در این عقود موجود نیست که شاکی در پاراگراف دوم شکایت خود از آن انتقاد کرده است. بنابراین اگرچه استعفا به معنای فسخ یک جانبه قرارداد کار از سوی کارگر مجاز نیست، لیکن اقاله آن یعنی انحلال طرفینی منطبق با اصول حقوقی است.

۳- اگرچه به نظر این اداره کل استعفای موضوع بند (و) ماده ۲۱ قانون کار به قراردادهای کار دائم اختصاص دارد، ولی دلالتی بر اجباری بودن انجام کار توسط کارگر در قراردادهای کار مدت موقت یا کار معین ندارد، زیرا کارگر می‌تواند کار خود را ترک کند و از آنجا که قرارداد کار از جمله قراردادهایی است که مباشرت شخص در انجام آنها الزامی است، همانند سایر این عقود، اجبار به انجام کار در آنها ممکن نیست و به همین دلیل انجام کار اجباری موضوعیتی ندارد. البته این موضوع به معنای بی‌فایده بودن استعفا نیست، زیرا چنانچه کارگر بدون داشتن حق استعفا یا بدون انجام عمل استعفا کارگاه را ترک نماید، از حق انصراف ۱۵ روزه از استعفا موضوع تبصره ماده ۲۱ کار محروم می‌شود، ضمن اینکه چنانچه بر اثر ترک کار خسارتی به کارفرما وارد شود، کارفرما می‌تواند در صورت اثبات شرایط مقرر در قوانین دیگر از جمله قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی نظیر اثبات سببیت، الزام کارگر به جبران خسارت را از مراجع ذیصلاح (دادگاه‌های دادگستری) مطالبه نماید.

۴- در پایان خاطر نشان می‌سازم نام‌های مورد شکایت در پاسخ به استعلام یکی از کارفرمایان صادر شده و پاسخ گویی به استعلامات از جمله وظایف و تکالیف این اداره کل می‌باشد. با توجه به مراتب بالا درخواست رد شکایت شاکی را دارم.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۹ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه در شرح وظایف اداره کل روابط کار و جبران خدمت مشتمل بر ۲۹ بند که حسب اعلام مدیرکل روابط کار و جبران خدمت به تأیید معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور نیز رسیده است، اختیاری در خصوص صدور نامه مورد شکایت ملاحظه نمی‌شود و از طرفی مطابق بند «و» ماده ۲۱ قانون کار استعفای کارگر فارغ از اینکه قرارداد وی دائمی است یا غیردائمی به عنوان یکی از روشهای خاتمه قرارداد کار اعلام شده است، حکم مقرر در بند ۱ نامه شماره ۱۲۳۳۲۸ - ۱۳۹۳/۶/۳ مدیرکل روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اطلاق بند «و» ماده ۲۱ قانون مذکور نیز مغایرت دارد و به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ بند ۱ نامه مورد اعتراض به علت خارج بودن از حدود اختیارات صادرکننده نامه و مغایرت با قانون ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

شماره ۹۶۰۰۴۷۱

۱۳۹۸/۸/۴

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۳۷ مورخ ۱۳۹۸/۷/۱۶ با موضوع: «ابطال تبصره ۱ ماده ۱ و ماده ۳ شیوه‌نامه شماره ۹۲/۱/۵۳۱۹ - ۱۳۹۲/۲/۸ سازمان جنگلها و مراتع و آبخیزداری کشور» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۷/۱۶ شماره دادنامه: ۱۴۳۷ شماره پرونده: ۴۷۱/۹۶
مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکی: آقای منصور قربانی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تبصره ۱ ماده ۱ و ماده ۳ شیوه‌نامه شماره ۹۲/۱/۵۳۱۹ - ۱۳۹۲/۲/۸ سازمان جنگلها و مراتع و آبخیزداری کشور
گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال تبصره ۱ ماده ۱ و ماده ۳ شیوه‌نامه شماره ۹۲/۱/۵۳۱۹ - ۱۳۹۲/۲/۸ سازمان جنگلها و مراتع و آبخیزداری کشور را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«احتراماً به استحضار می‌رساند بر اساس مستندات شکایت مخصوصاً پروانه علف چر صادره از سوی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان آذربایجان غربی، مراتع روستای گوله گوله از توابع شهرستان تکاب از سال ۱۳۴۱ تحت تصرف عرفی و نسقی مورد بهره‌برداری روستاییان روستای مذکور بوده است. اداره کل منابع طبیعی طی نامه شماره ۹۱/۵/۱۸۷۶۰ - ۹۱/۴/۲۲ - ۱۳۹۱/۴/۲۲ و ۹۲/۵/۸۴۴۰۲ - ۱۳۹۲/۶/۱۳ بالغ بر ۳ هکتار از مراتع بکر و درجه ۱ را جهت استخراج و بهره‌برداری معدن تخصیص داده است. نظر به اینکه این واگذاری مورد مخالفت سایر بهره‌برداران مراتع یاد شده واقع گردیده، مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان آذربایجان غربی به استناد تصویب‌نامه شماره ۲۰۷۱/ت/۴۴۰۴۵ - ۱۳۹۱/۲/۹ هیأت وزیران و شیوه‌نامه شماره ۹۲/۱/۵۳۱۹ - ۱۳۹۲/۲/۸ سازمان مزبور اقدام به ابطال پروانه علف چر روستاییان در مراتع مشاع غیرغم خواست و تقاضای آنان کرده است.

خاطر نشان می‌گردد به استناد مواد تصویب‌نامه شماره ۲۳۶۳۹۰ ت ۵۲۶۹۴۵ - ۱۳۸۲/۸/۱۴ و شماره ۳۰۸۵۸ت۷۹۶۰۴ ه - ۱۳۸۶/۵/۲۱ هیأت وزیران در صورت استنکاف صاحب پروانه چرا از دریافت حقوق بهره‌برداری، حقوق صاحب پروانه به صندوق ثبت اداره محل تودیع و پروانه ابطال می‌گردید که مصوبات مذکور طبق ماده ۱۱ تصویب‌نامه ۲۰۷۱/ت/۴۴۰۴۵ - ۱۳۹۱/۲/۹ لغو گردیده در نتیجه شیوه‌نامه تدوینی در واگذاری مراتع مشاع متناقض با مفاد تصویب‌نامه مذکور بوده که سازمان مزبور اقدام به ابطال پروانه علف چر روستاییان غیرغم خواست و تقاضای سایر دامداران نموده است. علیهذا چون بر اساس اصل چهلم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تصمیم سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری در خصوص ابطال پروانه علف چر دامداران روستا نادرست بوده و اعمال چنین تصمیمی موجب زیان سایر دامداران در مراتع مشاع و همچنین اینجانبان که جزء بهره‌برداران مرتع مزبور هستیم می‌شود و اضافه بر آن بر اساس قاعده فقهی «لجمع مهما امکن اولی من الطرح» محروم نمودن یک طرفه اینجانبان از بهره‌برداری مراتع مزبور مخالف موازین فقهی نیز هست. استدعا دارد مقرر فرمایید ضمن توقف عملیات شیوه‌نامه مورد شکایت به تبع آن واگذاری مراتع مشاع با خواست انفرادی ابطال گردد.»

در پی اخطار رفع نقضی که از طرف دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای شاکی ارسال شده بود، وی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۱۰۳۶ - ۱۳۹۶/۵/۲۱ ثبت دفتر هیأت عمومی شده پاسخ داده است که:

«دفتر محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع: پرونده کلاسه ۴۷۱/۹۶ با سلام احتراماً در پاسخ به اخطاریه رفع نقص مورخ ۱۳۹۶/۴/۱۴ به استحضار می‌رساند: با عنایت به ماده ۱۱ تصویب‌نامه شماره ۲۰۷۱/ت/۴۴۰۴۵ - ۱۳۹۱/۲/۹ هیأت وزیران، تصویب‌نامه شماره ۲۳۶۳۹۰ ت/۴۴۰۴۵ - ۱۳۸۲/۸/۱۴ و به تبع آن الحاقیه مصوب شماره ۳۰۸۵۸ت۷۹۶۰۴ - ۱۳۸۶/۵/۲۱ لغو گردیده علیهذا تبصره ۱ ماده ۱ و ماده ۳ شیوه‌نامه شماره ۹۲/۱/۵۳۱۹ - ۱۳۹۲/۲/۸ سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور مغایر با مفاد تصویب‌نامه صدرالذکر بود، بنابراین تقاضای ابطال بندهای شیوه‌نامه مزبور می‌باشم.»

متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

«شیوه‌نامه محاسبه حقوقی عرفی

موضوع ماده ۹ و ۱۰ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح تبصره (۱) ماده (۴۷) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۹۱/۱/۲۰

ماده ۱- ادارات کل منابع طبیعی و آبخیزداری پس از تشخیص و موافقت با واگذاری اراضی ملی و دولتی به افراد حقیقی و یا حقوقی دارای مصوبه مراجع قانونی واگذاری اراضی ملی و دولتی، موظف به رعایت این شیوه‌نامه بوده و با دریافت رضایت نامه محضری مبنی بر دریافت حقوق عرفی و موافقت با اصلاح و یا ابطال پروانه و یا طرح مرتع داری از بهره‌برداران ذیحق و واجد شرایط در مرتع و یا مراتع منطقه مورد واگذاری (حسب مورد) نسبت به تخصیص زمین اقدام می‌نمایند.

تبصره ۱: در صورت عدم رضایت بهره‌برداران ذیحق و دارای پروانه چرا در مرتع مورد واگذاری مبنی بر اصلاح و یا ابطال حقوق آنان، افراد حقیقی و یا حقوقی می‌توانند با مجوز اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری نسبت به تودیع حقوق عرفی محاسبه شده بر اساس مفاد ماده ۲ این شیوه‌نامه در صندوق ثبت اقدام نمایند.

.....

ماده ۳- پس از محاسبه حقوق بهره‌برداران، دعوتنامه کتبی توسط اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان جهت اخذ حقوق بهره‌برداری و نیز تودیع پروانه جهت اصلاح و یا ابطال (حسب مورد) به صاحب پروانه ابلاغ می‌گردد.

در صورت عدم مراجعه و یا استنکاف صاحب پروانه از دریافت حقوق بهره‌برداری و تودیع پروانه، حقوق محاسبه شده توسط متقاضی واگذاری به حساب صندوق ثبت محل واریز و با اصلاح و یا ابطال پروانه برابر قوانین و مقررات اقدام و در صورت مراجعه بعدی صاحب پروانه، مشارالیه جهت دریافت حقوق بهره‌برداری به صندوق ثبت معرفی می‌گردد. در خصوص ادعای شاکی مبنی بر مغایرت مقرره مورد اعتراض با شرع مقدس اسلام، قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۱۳۹۷/۹/۷-۹۷/۱۰۲/۷۷۱۴ اعلام کرده است که:

«تصرف مرافق و حریم‌های قرا و بلاد خلاف شرع است مگر اینکه تصمیم به تصرف مستند به قانون باشد و با پرداخت حقوق اهالی بر طبق قانون، مرافق و حریم‌های مذکور تصرف شود و تشخیص اینکه تصمیم مستند به قانون می‌باشد به عهده دیوان عدالت اداری می‌باشد.»

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی سازمان جنگلها و مراتع و آبخیزداری کشور (وزارت جهاد کشاورزی) به موجب لایحه شماره ۱۳۹۸/۵/۱-۹۸/۱۸/۱۴۷۷۲ توضیح داده است که:

«احتراماً عطف به نامه شماره ۹۶۰۰۴۷۱-۱۳۹۸/۴/۲۴ در خصوص شکایت آقای منصور قربانی به خواسته ابطال تبصره ۱ ماده ۱ و ماده ۳ شیوه‌نامه شماره ۹۲/۱/۵۳۱۹-۱۳۹۲/۲/۸ به استحضار می‌رساند: در ابتدا ضرورت دارد سیر تقنینی و مواد مرتبط به موضوع بدین شرح بیان گردد. ۱- قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ مجلس شورای اسلامی ماده ۴۷ متن زیر به عنوان بند ۵ به ماده ۸۴ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ بدین شرح الحاق می‌گردد «در راستای ایجاد تعادل دام در مرتع به وزارت جهاد کشاورزی و دستگاه‌های تابعه اجازه داده شود از محل صدور و یا تجدید سالانه پروانه چرای دام در مرتع، مبلغی را معادل یک در هزار ارزش متوسط هر واحد دامی دریافت وجه حساب درآمد عمومی نزد خزانه داری کل واریز نماید. تبصره ۱- پروانه چرای دام (پروانه بهره‌برداری مرتع) مدرک معارض محسوب شده و واگذاری اراضی محدوده پروانه بهره‌برداری با رعایت حقوق دارندگان پروانه بهره‌برداری بر اساس آیین‌نامه‌هایی خواهد بود که به پیشنهاد مشترک وزارت جهاد کشاورزی و سازمان مدیریت کشور به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.»

۲- آیین‌نامه اجرایی تبصره ۱ بند ۵ الحاقی ماده ۸۴ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین حسب شماره ۲۳۶۳۹۰ت۲۶۹۴۵-۱۳۸۲/۸/۱۴ به تصویب هیأت وزیران به تصویب رسید که در ماده ۱ آمده پروانه چرای (پروانه بهره‌برداری مرتع) مدرک معارض محسوب شده و واگذاری اراضی محدوده پروانه بهره‌برداری با رعایت حقوق دارندگان پروانه بهره‌برداری بر اساس آیین‌نامه صورت می‌گیرد. برابر بند الف ماده ۲ آیین‌نامه پروانه چرای مجوزی است که با مدنظر گرفتن سابقه بهره‌برداری، ظرفیت مرتع، فصل چرای و نیز رویکرد حفاظت از منابع پایه و برای تعلیف دام و سایر بهره‌برداریهای مرتعی در یک دوره و با توجه به عرف محل در یک مرتع با محدوده مشخص توسط سازمان برای مدت معین صادر می‌گردد. برابر بند ج ماده ۲ آیین‌نامه حقوق بهره‌برداران حقوقی است که انتفاع بهره‌برداران صاحب پروانه را به واسطه صدور مجوز برای تعلیف دام موجب می‌گردد. در ماده ۳ آیین‌نامه واگذاری محدوده‌های پروانه چرای (بهره‌برداری مرتع) منوط به شرایط زیر می‌باشد: الف - تشخیص و موافقت سازمان جنگلها و مراتع و آبخیزداری به پرداخت حقوق بهره‌برداران به ریال بر طبق ضوابط مقرر در ماده ۴ آیین‌نامه توسط متقاضی زمین بلامعارض نمودن محدوده واگذاری با اصلاح یا لغو پروانه‌های صادر شده و کاهش یا حذف دام متناسب با آن همچنین برابر ماده ۵ آیین‌نامه دستورالعمل‌های لازم در ارتباط با این آیین‌نامه توسط وزارت جهاد کشاورزی (سازمان جنگلها و مراتع و آبخیزداری) تهیه و ابلاغ می‌گردد و در صورت نیاز هر سال اصلاح می‌گردد.

۳- آیین‌نامه اجرایی تبصره ۱ بند ۵ الحاقی ماده ۸۴ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت حسب تصویب‌نامه شماره ۲۳۶۳۹۰ت۲۶۹۴۵-۱۳۸۲/۵/۱۴ به شرح ذیل اصلاح گردید. «۱- متن زیر به عنوان تبصره به ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی یاد شده الحاق می‌گردد: تبصره - پس از محاسبه حقوق بهره‌برداران توسط اداره کل منابع طبیعی استان اختیاریه کتبی جهت اخذ حقوق بهره‌برداری و نیز تودیع پروانه جهت ابطال یا اصلاح حسب مورد به صاحب پروانه ابلاغ می‌گردد، در صورت استنکاف صاحب پروانه از دریافت حقوق بهره‌برداری و تودیع پروانه حقوق محاسبه شده طبق ماده ۴ و تبصره آن در صندوق ثبت اداره محل تودیع و در صورت مراجعه بعدی صاحب پروانه مشارالیه جهت دریافت

بهره‌برداری به صندوق ثبت معرفی می‌گردد. ۲- متن زیر به عنوان تبصره به ماده ۴ آیین‌نامه یاد شده الحاق می‌گردد. تبصره - چنانچه محدوده‌های پروانه اکتشاف و پروانه بهره‌برداری معادن با محدوده‌های پروانه تداخل داشته باشد در عرصه‌های مورد تداخل به روشهای زیر اقدام خواهد شد. الف - در مرحله اکتشاف و پس از صدور پروانه اکتشاف فقط میزان عرصه‌ای از مراتع که به موجب انجام عملیات اکتشاف تغییر وضعیت یافته است، ملاک محاسبه پرداخت حقوق دارنده پروانه چرای خواهد بود. ب - در محل بهره‌برداری از معدن محدوده عملیاتی مشخص شده در طرح بهره‌برداری مصوب آن ملاک محاسبه پرداخت حقوق دارنده پروانه چرای خواهد بود. چنانچه محدوده‌های اکتشافی مذکور در بند الف به مرحله بهره‌برداری برسند محاسبه مجدد صورت نخواهد پذیرفت. ج - در صورت بروز هرگونه اختلاف در میزان و محاسبه عرصه‌های یاد شده در بندهای الف و ب مذکور، کارگروهی متشکل از کارشناسان سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور و سازمان صنایع و معادن استان مربوطه اتخاذ تصمیم خواهد نمود.»

۴- قانون اصلاح تبصره ۱ ماده ۴۷ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت ۱۳۸۷/۱۲/۱۴ بدین شرح اصلاح گردید «تبصره ۱- تعلیف دام در جنگلها مراتع و آبخیزداری مستلزم اخذ پروانه چرای می‌باشد و پروانه‌های صادره در صورتی دارای اعتبار است که صاحب پروانه به شغل دامداری مشغول بوده و امتیاز پروانه چرای دریافتی را بدون اخذ مجوز قانونی به غیر واگذار نکرده باشد، مرجع اعطا مجوز، ابطال و انتقال پروانه چرای، سازمان جنگلها و آبخیزداری و ادارات تابعه در استانهای کشور می‌باشد آیین‌نامه اجرایی این قانون ظرف مدت ۶ ماه پس از تصویب وزارت جهاد کشاورزی به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.»

۵ - آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح تبصره ۱ ماده ۴۷ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت حسب شماره ۲۰۷۱۱ت۴۴۴۵۰-۱۳۹۱/۲/۹ به تصویب هیأت وزیران رسید که «حسب بند ح ماده ۱ آیین‌نامه: حقوق بهره‌برداران حقوقی که به واسطه صدور پروانه چرای و یا از طریق انعقاد قرارداد اجرای طرح‌های موضوع تبصره ۱ ماده ۳ قانون اصلاح قانون حفاظت و بهره‌برداری مصوب ۱۳۴۸ و اصلاحیه‌های بعدی آن برای اشخاص ایجاد می‌گردد. حسب بند خ ماده ۱ آیین‌نامه: پروانه چرای: مجوزی که با در نظر گرفتن ظرفیت چرای مراتع و تعداد واحد دامی در یک فصل چرای به نام مرتع دار در هر منطقه از کشور برای تعلیف دام صادر می‌شود. ماده ۸ آیین‌نامه در صورت تحقق یکی از موارد زیر پروانه چرای ابطال می‌گردد. در ماده ۸ نیز موارد ابطال پروانه چرای دام مقرر داشته که از موارد مذکور در: هرگونه واگذاری محدوده پروانه چرای با رعایت قوانین و مقررات مربوط مینا قرارداده است همچنین در ماده ۹ آیین‌نامه در خصوص واگذاری مقرر داشته که پس از تشخیص و موافقت سازمان با واگذاری اراضی محدوده پروانه چرای و یا طرح مرتع داری، حقوق عرفی صاحبان پروانه چرای و یا مجریان طرح‌های مرتع داری که با رعایت مفاد قانون و این آیین‌نامه و ماده ۳ قانون اصلاح قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۴۸ و اصلاحات بعدی آن واجد شرایط تشخیص داده شده‌اند توسط سازمان محاسبه و ضمن اصلاح و یا ابطال پروانه چرای یا طرح مرتع داری، توسط متقاضی اجرای طرح یا پروژه پرداخت می‌گردد. تبصره ۱- اجرای هر گونه طرح اعم از دولتی و غیردولتی در محدوده پروانه چرای و طرح‌های موضوع تبصره ۱ ماده ۳ قانون اصلاح قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۴۸ و اصلاحات بعدی آن واجد شرایط تشخیص داده شده‌اند خواهد بود. تبصره ۲- در هر واگذاری در مراتع مشاعی حداقل یک بهره‌بردار با اولویت بهره‌بردار دارای کمترین دام مجاز حذف و پروانه وی باطل می‌گردد. مضافاً اینکه در ماده ۱۰ آیین‌نامه مربوطه سازمان جنگلها و مراتع مکلف گردیده در اجرای این آیین‌نامه شیوه‌نامه فنی و اجرایی لازم را تهیه و جهت اجرا به واحدهای استانی و ستادی ابلاغ نماید.

در ادامه در مقام رد اظهارات شاکی با توجه به مراتب فوق دفاعیات بدین شرح اعلام می‌گردد. اولاً: مفید است به عرض برسد شاکی پرونده باید ادعای خود را مشخص نماید که آیا از روند اجرای واگذاری و مصداق واگذاری معترض بوده یا اینکه اساساً شیوه‌نامه مربوطه با قانون و آیین‌نامه منطبق نمی‌باشد با این توضیح اگر ادعای نامبرده مربوط به روند واگذاری و محاسبه مصداق واگذاری باشد رسیدگی آن حسب دادخواست تقدیمی موضوعیت ندارد اما اگر ناظر به عدم انطباق شیوه‌نامه مربوطه با آیین‌نامه و قانون باشد باید گفت که از آنجا که حسب ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرایی تبصره ۱ ماده ۴۷ اصلاحی قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی سازمان مجاز به تهیه شیوه‌نامه بوده و شیوه واگذاری و محاسبه نیز در ماده ۹ آیین‌نامه مذکور برای سازمان مقرر شده ادعای ایشان محل قانونی ندارد. ثانیاً: به موجب تبصره ۴ ماده ۹ آیین‌نامه مصوب شماره ۸۵۷۶۶ت۴۴۴۵۰-۱۳۹۲/۴/۱۱ هیأت وزیران برای سازمان تکلیفی در خصوص معادن مقرر گردیده است و واگذاری منصرف از آیین‌نامه مذکور نمی‌باشد. ثالثاً: در خصوص استناد شاکی به ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی باید بیان داشت که مفاد ماده ۶ آیین‌نامه ناظر به نقل و انتقال دامدار

موضوع شکایت و خواسته: ابطال چهارمین جلسه کارگروه امور گندم، آرد و نان

شهرستان گمیشان

گردش کار: اتاق اصناف گمیشان به موجب دادخواستی ابطال چهارمین جلسه کارگروه امور گندم، آرد و نان شهرستان گمیشان را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«احتراماً به استحضار عالی می‌رساند که برابر تصویب‌نامه هیأت وزیران مورخ ۱۳۹۳/۹/۱۸ به شماره ویژه نامه ۷۳۷ که اعضای کارگروهی به منظور مدیریت، هدایت و تصمیم‌گیری چگونگی اصلاح کیفیت و تعیین قیمت‌ها و تهیه طرح جامع مرحله‌ای اصلاح نظام یارانه گندم، آرد و نان که برابر آن اعضای کارگروه در سطح کشور را مشخص نموده و در سطح استانها را با اعضای مشخص را به استانداران تفویض اختیار نموده است و در ادامه تصویب‌نامه هیچ گونه قیدی را مبنی بر تشکیل کارگروه فوق در سطح شهرستانها با ریاست فرمانداران به عمل نیامده است و برابر نص صریح تصویب‌نامه تشکیل کارگروه در سطح شهرستانها وجاهت قانونی ندارد چرا که بعضاً به دلیل عدم آشنایی به قوانین و مقررات و خروج از حیطه قانونی اختیارات و دعوت از افراد و ادارات به صورت کاملاً سلیقه‌ای مشکلات عدیده‌ای را در سطح شهرستان بوجود آورد است. به عنوان مثال در کارگروه مورخ ۱۳۹۶/۸/۱۵ که در بند یک آن وظیفه نظارت و بازرسی از واحدهای صنفی خبازی را از وظایف ذاتی بازرسان اداره صنعت، معدن و تجارت دانسته است که این امر کاملاً مغایر قانون نظام صنفی می‌باشد که در تصویب‌نامه وزارت صنعت، معدن و تجارت به شماره ۶۰/۵۷۴۰۷ - ۱۳۹۵/۳/۴ نسبت به لزوم بازرسی از واحدهای صنفی توسط واحد بازرسی و نظارت اتاق اصناف تسریع گردیده است همچنین در بندهای ۵ و ۶ مصوبه که درخواست دو نفر از متقاضیان صدور پروانه کسب را مورد موافقت قرار داده‌اند کاملاً مغایر قانون بوده چرا که موافقت یا رد درخواست صدور هر نوع مجوز صنفی با اتحادیه مربوطه می‌باشد (ماده ۱۲ قانون نظام صنفی و دستورالعمل آیین‌نامه اجرایی نحوه صدور و تمدید پروانه کسب موضوع ماده ۱۲ قانون نظام صنفی) و تصمیم کارگروه در واگذاری پروانه کسب صنفی فاقد وجاهت قانونی می‌باشد و همچنین در بند ۱۲ مصوبه کارگروه ساعات کار واحدهای صنفی نانویی را که تعیین نموده‌اند با توج به اینکه تعیین ساعات کار واحدهای صنفی برابر قانون نظام صنفی بنا به درخواست اتحادیه مربوطه و طرح و تصویب در جلسه اجلاس اتاق به کمیسیون نظارت شهرستان ارجاع و تصویب می‌گردد (دستورالعمل نحوه تنظیم ساعات کار و ایام تعطیل واحدهای صنفی موضوع تبصره م ماده ۳۷ قانون نظام صنفی) این مصوبه نیز فاقد وجاهت قانونی و خارج از صلاحیت کارگروه می‌باشد لذا با توجه به عرایض فوق و اینکه تشکیل کارگروه صدرالاشاره در شهرستانها هیچ گونه تجویز قانونی ندارد و بعضاً باعث ایجاد مشکلات عدیده‌ای در شهرستان و دیگر شهرستانها می‌گردد ضمن درخواست ابطال مصوبات کارگروه فوق تقاضای رأی شایسته مبنی بر عدم تشکیل کارگروه در سطح شهرستانها بدون تجویز قانونی مورد استدعا می‌باشد.»

متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

«با عنایت به دعوت تلفنی مورخ ۱۳۹۶/۸/۱۵ چهارمین جلسه کارگروه امور گندم، آرد و نان شهرستان گمیشان رأس ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۶/۸/۱۶ در محل فرمانداری شهرستان با حضور فرماندار و اعضای کارگروه که با ذکر تلاوت آیاتی چند از کلام ... مجید برگزار گردید.

در ابتدا فرماندار و رئیس کارگروه ضمن عرض خیر مقدم به اعضاء و تسلیت اربعین سید و سالار شهیدان امام حسین (ع) و یاران باوفایش و همچنین با محکوم کردن اعمال ناجوانمردانه اخیر گروه تروریستی که منجر به شهادت رساندن چندتن از مرزبانان غیور کشور گردید که در آن راستا این شهرستان با افتخار شهیدی دیگر در راه اسلام پاسداری از مرزهای میهن عزیزمان اهدا کرد را به مردم شهرستان و مخصوصاً به خانواده آن شهید بزرگوار (شهید مهدی کلتی) تسلیت عرض نمودند، بعد از ایراد تسلیت فرماندار، در ادامه آقای مهاجر به دستور کار جلسه پرداخت که پس از بحث و تبادل نظر اعضاء موارد به شرح ذیل مورد موافقت اعضاء قرار گرفت:

۱- با عنایت به تخصیص یارانه از سوی دولت به واحدهای خبازی و رسالت ذاتی بازرسان صنعت، معدن و تجارت در انجام امور بازرسی، لذا بازدید از نانویان سطح شهرستان توسط بازرسان صنعت، معدن و تجارت انجام و گزارش آن در جلسه کارگروه امور گندم، آرد و نان شهرستان ارائه گردد.

۲- در راستای حمایت از تولید و عرضه نان با کیفیت بهتر برای شهروندان شهرستان مقرر گردید طی بازدیدهای نوبه‌ای کارشناسان صنعت، معدن و تجارت خبازانی که نان با کیفیت تولید می‌کنند در جلسه مطرح گردد تا مورد تشویق قرار گیرند.

بوده و به واگذاری اراضی ارتباط ندارد چرا که قانونگذار برابر مواد ۹ و ۴ آیین‌نامه حکم واگذاری و نحوه محاسبه را برای سازمان مقرر داشته و متون مندرج در شیوه‌نامه منصرف از مفاد مذکور نمی‌باشد. رابعاً: پیرامون ادعای شاکی به اینکه حکم ماده ۹ کلی بوده و مصداق معدن را شامل نمی‌شود باید عرض نمود که در ماده ۹ آیین‌نامه اجرایی مصداقی را مد نظر قرار نداده و حکم کلی را راجع به واگذاری بیان نموده است از سویی برابر تبصره ۴ ماده ۹ آیین‌نامه اجرایی واگذاری معدن را جز مصادیق واگذاری با شیوه اجرای معین مورد توجه قرار داده است. خامساً: راجع به تودیع هزینه محاسبه شده واریز در صندوق ثبت با توجه به سابقه تقنینی ولو اینکه در آیین‌نامه مذکور حکمی مقرر نشده باشد صندوق دادگستری و صندوق ثبت اساساً برای اموری از جمله موضوع متنازع‌فیه قابلیت استناد داشته و دارد. سادساً: پیرامون این ادعا که در شیوه‌نامه و آیین‌نامه اجرایی واگذاری را خاص دامداران همان مرتع مورد توجه قرار داده باید معروض داشت که در هیچ جای مقرر مربوطه اشاره به این نداشته است که واگذاری حتماً به دامداران مرتع صورت پذیرد بلکه حکم کلی و شامل همه اشخاص می‌باشد. از طرفی واگذاری بهره‌برداری حق علف چری مجوزی برای استفاده مرتع برای امر معدن و مصادیق دیگر نمی‌باشد و برای واگذاری مصداق دیگر مقررات مربوطه باید رعایت گردد. سابعاً: برابر بند دال ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی از مصادیق ابطال پروانه چرا واگذاری محدوده پروانه چرای دام طبق مقررات و قوانین مربوطه بوده که اقدام موصوف حسب شیوه‌نامه دقیقاً منطبق با آیین‌نامه بوده و قانونگذار این حق را برای سازمان مقرر دانسته است. با عنایت به مراتب فوق شکایت شاکی محمل قانونی نداشت و رد آن مورد استدعا می‌باشد.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۱۶ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - مطابق تبصره ۱ ماده ۱ شیوه‌نامه محاسبه حقوق عرفی بهره‌برداران مراتع مقرر شده است در صورت عدم رضایت بهره‌برداران ذی‌حق و دارای پروانه چرا در مرتع مورد واگذاری، حقوق عرفی به حساب صندوق ثبت واریز می‌شود. به لحاظ این که اصل بر این است که در مدت واگذاری مرتع، حق واگذاری مرتع به اشخاص دیگر وجود ندارد، تجویز پرداخت بهای حقوق عرفی در ایامی که مرتع دار، قرارداد بهره‌برداری از مراتع را دارد، نافی حقوق مکتسب آنان است، بنابراین تبصره ۱ ماده ۱ و ماده ۳ شیوه‌نامه محاسبه حقوق عرفی بهره‌برداران مراتع، مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

ب - با توجه به اینکه مطابق تبصره ۲ ماده ۸۴ و ماده ۸۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نظر فقهای شورای نگهبان برای هیأت عمومی لازم‌الاتباع است و با توجه به مفاد نامه شماره ۱۳۹۷/۹/۷ - ۹۷/۱۰۲/۷۷۱۴ قائم مقام دبیر شورای نگهبان و اینکه هیأت عمومی به شرح بند الف این رأی بند ۱ ماده ۱ و ماده ۳ شیوه‌نامه را ابطال کرده است، بنابراین از بُعد شرعی نیز در راستای نظر فقهای شورای نگهبان بندهای مورد اعتراض در حدی که در نظریه فقهای شورای نگهبان ذکر شده مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

شماره ۹۶۰۱۴۶۰

۱۳۹۸/۸/۴

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۳۸ مورخ ۱۳۹۸/۷/۱۶ با موضوع: «ابطال چهارمین جلسه کارگروه امور گندم، آرد و نان شهرستان گمیشان» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۷/۱۶ شماره دادنامه: ۱۴۳۸ شماره پرونده: ۱۴۶۰/۹۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: اتاق اصناف گمیشان

در تصویب‌نامه مورد اشاره به کارگروه استانی و اعضا و وظایف آن اشاره مستقیم شده است که حسن اجرای این تصویب‌نامه در سطح استان بر عهده استانداران است که پس از تشکیل کارگروه استانی در دومین جلسه کارگروه استانی در تاریخ ۱۳۹۳/۹/۱۳ در بند ۲ صورتجلسه کارگروه استان با توجه به مصوبه هیأت وزیران در خصوص ضرورت مدیریت و برنامه‌ریزی در جهت نظارت بر کمیت و کیفیت انواع نان کارگروه مشابه کارگروه استان در سطح شهرستانها با ریاست فرمانداران و دبیری اداره صنعت، معدن و تجارت تشکیل و پیگیر امورات شهرستان باشند. به استناد تصویب‌نامه هیأت وزیران شرح وظایف کارگروه‌های استانی و شهرستانی وظایف به شرح ذیل را واگذار کرده است.

- ۱- مدیریت و هماهنگی امور مربوط به تولید آرد و نان
- ۲- تفکیک و توسعه نانوائی‌ها در بخش آزاد پز در استان و شهرستان
- ۳- تعیین میزان سهمیه و روش تفکیک و تخصیص و توزیع آرد در بخش آزاد و یارانه‌ای
- ۴- تعیین روش نظارت و اطلاع رسانی
- ۵- تعیین قیمت فروش انواع آرد و نان بر عهده کارگروه استانی و شهرستانی است که در قالب این شرح وظایف کارگروه شهرستان مصوبات صدرالاشاره در درخواست را با تصویب کلیه اعضا کارگروه شهرستان مصوب کرده و نظر خاص فرمانداری هم نمی‌باشد بلکه با حضور خود اتحادیه خبازان اصناف و ادارات دولتی عضو کارگروه مصوبات نهایی و ابلاغ می‌گردد. به پیوست مستندات فوق‌الذکر که همگی تأکید بر وظایف کارگروه‌های آرد و نان شهرستان داشته به صورت مستمر نیز اتحادیه خبازان و اتاق اصناف نیز دعوت می‌گردند که در طرح دادخواست اتاق اصناف نیز به آن دیوان ضمیمه گردید مبین این موضوع است. به شماره ۹۷۴۷۷/ت/۱۲۵۲۵۵هـ - ۱۳۹۳/۶/۲۸ هیأت وزیران ۱۲۸/۵/۳۶۴۱۵ و نامه خیلی محرمانه شماره ۳۷۷۴ - ۱۳۹۲/۳/۲۰ وزارت کشور و نامه سری شماره ۴۶۲۱/س - ۱۳۹۲/۴/۱۱ وزارت کشور و در ادامه نامه ۹۲/۶۴۸۸/م/ت/۴۹۲۳۷ - ۱۳۹۲/۳/۸ ریاست جمهوری در رابطه با تصمیم نمایندگان ویژه ریاست جمهوری اصل ۱۲۸ قانون اساسی ضمیمه می‌گردد لذا با عنایت به برگ دادخواست اتاق اصناف در رابطه با صدور مجوز صنفی و اعلام عدم صلاحیت کارگروه آرد و نان شهرستان با دستورالعملهای صادره که بنا به قوانین و شرایط اجتماعی منطقه صورت می‌گیرد. مراتب جهت استحضار به حضور ارسال می‌گردد.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۱۶ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

بر اساس بندهای ۱ و ۲ تصویب‌نامه شماره ۹۷۴۷۷/ت/۱۲۵۲۵۵هـ - ۱۳۹۳/۸/۲۶ هیأت وزیران مقرر شده است که: کارگروه‌هایی در سطح کشور و استان به منظور مدیریت، هدایت و تصمیم‌گیری در خصوص چگونگی اصلاح کیفیت و تعیین قیمت‌ها و تهیه طرح جامع مرحله‌ای اصلاح نظام یارانه گندم، آرد و نان تشکیل می‌شود و بر مبنای بند ۲ تصویب‌نامه مذکور رسیدگی به امور مربوط به آرد و نان و از جمله تعیین قیمت آرد و نان در شهرستان‌های هر استان نیز توسط کارگروه استانی تعیین شده در این تصویب‌نامه انجام خواهد شد.» نظر به اینکه در تصویب‌نامه یاد شده هیأت وزیران، تشکیل کارگروه‌های موضوع این تصویب‌نامه در سطح شهرستان پیش‌بینی نشده و اختیارات مقرر در تصویب‌نامه هیأت وزیران نیز از سوی کارگروه آرد و نان استان گلستان به شهرستان‌های آن استان تفویض نشده است، بنابراین وضع مقرره مورد شکایت که متضمن اتخاذ تصمیماتی توسط کارگروه گندم، آرد و نان شهرستان گمیشان در رابطه با محورهای تعیین شده در تصویب‌نامه هیأت وزیران می‌باشد، به دلیل فقدان جایگاه حقوقی کارگروه یاد شده خارج از اختیارات بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

۳- به منظور حفظ رعایت حقوق متقاضیان کلیه درخواستهای واصله امور آرد و نان شهرستان پس از اخذ و ثبت توسط دستگاه‌های عضو ظرف مدت ۲۴ ساعت به دبیرخانه شورای آرد و نان شهرستان تحویل نمایند.

۴- شرکت‌های تعاونی حکمت گمیشان و همیاران بخش گلدشت نسبت جهت خرید به موقع آرد اقدام لازم معمول نمایند.

۵- درخواست خانم صداقت در خصوص احداث نانوائی آزاد پز در روستای خواجه نفس مورد موافقت اعضا قرار گرفت.

۶- درخواست آقای خبویه‌ای در خصوص احداث نانوائی آزاد پز به آدرس: صفائیشان مورد موافقت شورای آرد و نان قرار گرفت.

۷- درخواست خانم پواری مبنی بر تغییر مکان واحد لواشی در روستای خواجه نفس مورد موافقت شورای آرد و نان قرار نگرفت.

۸- درخواست انتقال نانوائی خانم اقول جان اونق از آدرس سیمین شهر خیابان انقلاب جنب بانک ملی داخل کوچه به آدرس خیابان بسیج مورد موافقت شورای آرد و نان قرار گرفت، همچنین تعهد محضری مبنی بر عدم جابجایی مجدد از مشارالیه اخذ گردد.

۹- درخواست آقای تحصیلی در خصوص انتقال مکان از آدرس سیمین شهر محله بناور خیابان شهید رومی به آدرس جنب بانک ملت سیمین شهر مورد موافقت شورای آرد و نان قرار گرفت، همچنین تعهد محضری مبنی بر عدم جابجایی مجدد از مشاورالیه اخذ گردد.

۱۰- مقرر گردید اتحادیه صنف خبازان شهرستان نسبت به هماهنگی جهت برگزاری دوره‌های آموزشی برای نانوائیان توسط اداره فنی و حرفه‌ای اقدام لازم به عمل آورد.

۱۱- واحدهای خبازی بربری دولتی پز بنابر اعلام استانداری وزن هر چونه ۴۵۰ گرم به قسمت ۴۵۰ تومان را عرضه نمایند.

۱۲- ساعت پخت نانوائیان دولتی در شش ماهه دوم سال به شرح ذیل اعلام و موافقت گردید:

نان بربری: صبحها از ساعت ۵:۳۰ تا ۸:۳۰ - عصرها از ساعت ۱۵:۰۰ تا ۱۸:۰۰
در پاسخ به شکایت مذکور، فرمانداری شهرستان گمیشان به موجب لایحه شماره ۹۶/م/۹۰۴۶ - ۱۳۹۶/۱۲/۱۹ توضیح داده است که:

«مدیر محترم دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام

احتراماً عطف به نامه شماره ۹۴۵۱۶ - ۱۳۹۶/۱۱/۱۱ کلاسه پرونده ۹۶۰۱۴۶۰ آن هیأت به استحضار می‌رساند، با توجه به حساسیت ویژه امور گندم، آرد و نان دولت جمهوری اسلامی ایران قوانین مرتبط با گندم، آرد و نان را تعزیراتی اعلام نموده و از سایر کالا و قوانین صنفی جدا نمود و در سال ۱۳۶۸ در مجمع تشخیص مصلحت نظام قوانین تعزیرات حکومتی ویژه امور گندم، آرد و نان مصوب و جهت اجرا ابلاغ گردید. کلیه امورات مربوط به گندم، آرد و نان تحت عنوان شورای آرد و نان در استانها به ریاست استاندار و شهرستانها به ریاست فرمانداران پیگیری و اجرا می‌گردد که نامه شماره ۱۲۸/۵/۳۶۴۱۵ - ۱۳۹۳/۶/۲۸ ریاست سازمان صنعت، معدن و تجارت استان ابلاغیه به کلیه شهرستانها نیز ضمیمه می‌باشد و مضافاً شورای گندم، آرد و نان هم در اجرا و هم در نظارت با تشکیل کارگروه‌های استانی و شهرستانی وظایف مانند صدور مجوز نانوائی، ابطال جواز، جابه‌جایی و تغییر پخت نان، نظارت و بازرسی و شناسایی تخلفات مربوط به گندم، آرد و نان را انجام و مرحله رسیدگی به تخلفات و صدور رأی و میزان جرایم نیز در این شورا انجام می‌گردد و جرایم از طرف این شورا به خزانه دولت واریز می‌شد تا اینکه در سال ۱۳۷۸ بین وظایف نظارتی و وظایف اجرایی شورا تفکیک قائل شدند و اجرا مانند خرید گندم، استحصال آرد، صدور مجوزها و حمل و جابه‌جایی گندم، آرد و نان به وزارت بازرگانی وقت و شرکت بازرگانی دولتی ایران محول و مباحث نظارت و پیگیری به تخلفات به وزارت کشور، استانداریها و فرمانداریها محول شد و کما فی سابق بازرسی و شناسایی تخلفات و صدور جرایم در کارگروه استانی در استانداری و کارگروه‌های شهرستانی در فرمانداریها امورات پیگیری و رتق و فتق می‌گردید.

از ابتدا تصویب قوانین تعزیرات گندم، آرد و نان در مجمع تشخیص مصلحت وظایف استانی در کارگروه استان و وظایف مربوط به شهرستانها در کارگروه شهرستانی پیگیری و رسیدگی می‌گردد و کارگروه‌های شهرستانی در فرمانداریها تشکیل و ذیل کارگروه استانی انجام وظیفه می‌کردند. در زمان هدفمندسازی یارانه و آزادسازی ساختار آرد و نان تغییر کرده و بازرسی و نظارت این حوزه به وزارت صنعت، معدن و تجارت که ضابط تعزیراتی هستند و رسیدگی به تخلفات حوزه در ادارات کل تعزیرات حکومتی زیر مجموعه قوه قضاییه و بر اساس قانون نظام صنفی انجام می‌پذیرد. آخرین دستورالعمل ابلاغی که از سوی معاون ریاست جمهوری منضم به تصویب‌نامه هیأت وزیران، ساختار آرد و نان را مشخص کرده است در سال ۱۳۹۳ طی تصویب‌نامه شماره ۹۷۴۷۷-۱۳۹۳/۸/۲۶ ابلاغ گردید و ساختار اداری آن در ۳ رده تعریف و اجرایی می‌شود. ۱- کارگروه کشوری ۲- کارگروه استانی ۳- کارگروه شهرستانی

شماره ۹۷۰۱۵۶۲

۱۳۹۸/۸/۴

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۳۹ مورخ ۱۳۹۸/۷/۱۶ با موضوع: «ابطال نامه شماره ۸۵۵۸۷۰ -

۱۳۹۵/۸/۲۹ سازمان اداری و استخدامی کشور» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۷/۱۶ شماره دادنامه: ۱۴۳۹ شماره پرونده: ۱۵۶۲/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای غلامرضا طرقي

موضوع شکایت و خواسته: ابطال نامه شماره ۸۵۵۸۷۰ - ۱۳۹۵/۸/۲۹ سازمان

اداری و استخدامی کشور

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال نامه شماره ۸۵۵۸۷۰ - ۱۳۹۵/۸/۲۹

سازمان اداری و استخدامی کشور را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«احتراماً به استحضار دیوان می‌رساند که اینجانب غلامرضا طرقي کارمند رسمی سازمان هواپیمایی کشوری در سال ۱۳۸۲ با دارا بودن مدرک تحصیلی رسمی کاردانی و با کسب تجربیات شغلی و آموزشهای حین خدمت با موفقیت در آزمون علمی که با نظارت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در محل دانشکده صنعت هواپیمایی برگزار گردید از طرف سازمان یاد شده حائز شرایط لازم جهت احراز تصدی پست کارشناسی شده و از آن زمان با پست سازمانی کارشناسی مشغول خدمت می‌باشم از آنجا که سازمان هواپیمایی کشوری شرط امکان ارتقاء طبقه کارشناسان را در صورتی مطابق بند ۵ بخش الف بخشنامه ضوابط نحوه ارتقاء کارمندان می‌داند که کارشناس مربوطه دارای مدرک تحصیلی رسمی کارشناسی باشد. اولاً: همان طور که بند ۴ متن لایحه شماره ۴۴۴۷۷/۹۰/۲۲۱/۹۰ -

۱۳۹۰/۹/۲۰ رئیس امور توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور مکتوب در دادنامه شماره ۷۷۵ - ۱۳۹۲/۱۱/۷ آن دیوان آمده است بر اساس تبصره ۶ ماده ۳ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت و ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی آن، معاونت مذکور اختیار دارد تا نسبت به بررسی و ارزشیابی دوره‌های آموزشی غیررسمی طی شده توسط کارکنان دولت اقدام نماید و در چارچوب رعایت کلیه قوانین و مقررات مربوط برای آنها ارزشی معادل یکی از مقاطع تحصیلی رسمی کشور و در شرایط احراز مشاغل مندرج در طرحهای طبقه بندی مشاغل دولت تعیین نماید. ضمن اینکه ماده ۵۳ قانون مدیریت خدمات کشوری انتصاب و ارتقاء شغلی کارمندان را در کنار هم آورده که بدین معناست که اگر اینجانب شرایط مورد لزوم تصدی پست کارشناسی را در سال ۱۳۸۲ احراز نمودم پس ارتقاء طبقه شغلی ام نیز باید تابع قوانین و مقررات شاغلین مشاغل کارشناسی باشد،

همچنین در ماده ۸۹ همین قانون تصریح می‌دارد که کارمندان دستگاه‌های اجرایی در مورد استفاده از امتیازات و انتصاب به مشاغل سازمانی در صورت داشتن شرایط لازم از حقوق یکسان برخوردار بوده و دستگاه‌ها می‌باید عدالت را در این خصوص رعایت نمایند. ثانیاً: با استناد به بند ۵ و تبصره ۴ بخش الف و تبصره ۱ بخش ب بخشنامه ۵۵۵۸۸/۲۰۰ - ۱۳۸۹/۱۰/۲۷ در خصوص ضوابط نحوه ارتقاء کارمندان و همچنین بندهای ب و د ماده ۱۴ آیین‌نامه طرح طبقه بندی، مشخص می‌نماید که نحوه ارتقاء طبقه کارمندان با رشته شغلی کارشناسی و یا اینکه پست سازمانی فرد شاغل دارای عنوان کارشناسی باشد احتساب چهار سال سوابق تجربی آنان بوده است و لاغیر و ذکر عنوان مدرک تحصیلی مربوطه در بندهای بخش الف این بخشنامه هیچ ربطی به شرایط ارتقاء طبقه شغلی کارمندان نداشته بلکه به خاطر مشخص نمودن و تفکیک احراز تحصیل مشاغل بوده است. در همین راستا لازم به ذکر است که رشته شغلی و پست سازمانی اینجانب طبق احکام صادره کارگزینی از مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱ دارای عنوان کارشناسی می‌باشد. لذا با توجه

به موارد مشروحه فوق از دیوان تقاضای رسیدگی و احقاق حقوق استخدامی خود در رابطه با ارتقاء طبقه شغلی همانند دیگر کارمندان شاغل با پست کارشناسی مطابق بند ۵ بخش الف بخشنامه ۵۵۵۸۸/۲۰۰ - ۱۳۸۹/۱۰/۲۷ و ابطال نامه شماره ۸۵۵۸۷۰ - ۱۳۹۵/۸/۲۹ سازمان اداری و استخدامی را به دلیل مغایرت با ماده ۸۹ و ۵۳ قانون مدیریت خدمات کشوری و مفاد بخشنامه ۵۵۵۸۸/۲۰۰ - ۱۳۸۹/۱۰/۲۷ را خواهانم.

متعاقباً شاکي به موجب لایحه‌ای که به شماره ۹۷ - ۱۵۶۲ - ۳ مورخ ۱۳۹۷/۷/۱۱ ثبت دفتر هیأت عمومی شده اعلام کرده است که:

«قضات محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

با احترام بدین وسیله به استحضار می‌رساند اینجانب غلامرضا طرقي در سال ۱۳۷۳ با مدرک کاردانی به استخدام سازمان هواپیمایی کشوری درآمدم و در سال ۱۳۸۲ بر طبق مقررات مربوطه از طرف سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به شرحی که در دادخواست خود در پرونده ۹۵۰۹۹۸۰۹۵۷۵۰۲۴۰۰ دیوان عدالت اداری بیان نموده‌ام به پست

کارشناسی ارتقاء یافتم ولیکن با اینکه از سال ۱۳۸۲ شرح وظایف و مسئولیتهای اینجانب به کارشناسی تغییر یافته است ولیکن سازمان هواپیمایی کشوری هنوز ارتقاء طبقه شغلی اینجانب را همانند پستهای کاردانی محاسبه می‌نماید و با استعلام از سازمان امور اداری و استخدامی، که آنان نیز با تفسیر غلط از بخشنامه ضوابط ارتقاء کارمندان طی نامه شماره ۸۵۵۸۷۰ - ۱۳۹۵/۸/۲۹ شرط ارتقاء طبقه کارمندان را مدارک تحصیلی مکتسبه اعلام نموده‌اند. لذا در این رابطه نظر قضات دیوان را به مطالب ذیل جلب می‌نمایم:

۱- در بخشنامه ضوابط نحوه ارتقاء کارمندان به شماره ۵۵۵۸۸/۲۰۰ - ۱۳۸۹/۱۰/۲۷ در قسمت اول بند ۵ آمده است: «شاغلین مجموعه مشاغلی که شرایط احراز تحصیلی آنان مدرک تحصیلی کارشناسی یا همترازی می‌باشد» همان گونه که واضح است مدرک تحصیلی کارشناسی یا همتراز آن، شرط احراز تحصیل شغل کارشناسی است نه ارتقاء آن و این قسمت از بند ۵ که به نوعی در دیگر بندهای بخشنامه آمده برای تفکیک مشاغل از یکدیگر آورده شده است. ایضاً با توجه به ماده ۷۰ قانون خدمات کشوری این گونه استنباط می‌گردد که منظور این قسمت از بند مذکور افراد دارای پست کارشناسی بوده‌اند چرا که طبق قانون شرط احراز پست کارشناسی مدرک تحصیلی کارشناسی یا همترازی آن می‌باشد. در قسمت دوم این بند از بخشنامه فوق شرط ارتقاء طبقه شغلی را به صراحت بیان نموده و آمده است: (به ازای هر چهار سال سوابق تجربی از تاریخ دریافت آخرین گروه استحقاقی یک طبقه و حداکثر تا طبقه ۱۰ ارتقاء می‌یابند) همان طور که پیداست شرط ارتقاء طبقه مشاغل کارشناسی، ۴ سال تجربه در شغل کارشناسی بوده و نه مدرک تحصیلی کارشناسی و همچنین سقف ارتقای طبقه آنان طبقه ۱۰ شغلی می‌باشد. در صورتی که مشاغل کاردانی به ازای هر ۵ سال ارتقاء طبقه داشته و حداکثر تا طبقه ۸ شغلی ارتقاء می‌یابند.

۲- طبق ماده ۵۳ قانون خدمات کشوری قانونگذار انتصاب و ارتقاء کارمندان را در کنار هم با یک شرایط از جمله شرایط تحصیلی آورده است و این گونه استنباط می‌گردد که اگر فردی حائز شرایط احراز پست کارشناسی گردید و در شغل کارشناسی منصوب شد پس ارتقاء آن نیز همانند مشاغل کارشناسی باید صورت پذیرد نه همانند مشاغل کاردانی.

۳- طبق ماده ۸۹ قانون خدمات کشوری دستگاه‌های اجرایی بایستی عدالت استخدامی را در مورد افراد رعایت نمایند. حال آیا این عدالت است که اینجانب با انتصاب پست کارشناسی و شرح وظایف و مسئولیت یک کارشناس همانند دیگر کارشناسان همکارم از سال ۱۳۸۲ انجام وظیفه نموده ولیکن ارتقاء طبقه ام همانند مشاغل کاردانی محاسبه گردد. لذا با عنایت به موارد فوق از قضات دیوان تقاضای ابطال نامه ۸۵۵۸۷۰ - ۱۳۹۵/۸/۲۹ سازمان اداری و استخدامی را دارم.»

متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

«برادر ارجمند جناب آقای ازوجی

معاون محترم توسعه مدیریت و منابع

سازمان هواپیمایی کشوری

سلام علیکم

بازگشت به نامه شماره ۳۷۴۷۹ - ۱۳۹۵/۸/۱ اعلام می‌دارد: همان گونه که در نامه شماره ۳۲۳۰۷۲ - ۱۳۹۵/۶/۱۷ این امور نیز تصریح گردیده است، ارتقای طبقه کارمندان (موضوع بخشنامه شماره ۵۵۵۸۸/۲۰۰ - ۱۳۸۹/۱۰/۲۷) بر اساس مدارک تحصیلی مکتسبه پیش‌بینی شده در شرایط احراز مشاغل و سوابق تجربی مربوطه صورت می‌پذیرد به طور مثال آن دسته از مستخدمینی که متصدی مشاغل کارشناسی بوده و لکن دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم می‌باشند، حداکثر تا طبقه ۸ ارتقاء می‌یابند.»

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس امور حقوقی و قوانین سازمان اداری و استخدامی کشور به موجب لایحه شماره ۱۱۰۶۸۱۸ - ۱۳۹۵/۱۲/۲۶ توضیح داده است که:

«با سلام و احترام

کسب اجازه در پاسخ به ابلاغیه مذکور ضمن هماهنگی به عمل آمده با امور ذیربط این سازمان به استحضار می‌رساند:

۱- شاکي در قسمت موضوع خواسته تقاضای ابطال ماده ۲۸ بخشنامه ۹۳/۹۷۵۷ - ۲۰۰۰ - ۱۳۹۳/۷/۱۹ معاونت توسعه و سرمایه انسانی (سابق) شده است. همان گونه که استحضار دارند رسیدگی به درخواست ابطال مقررات دولتی و اقدامات و نامه‌های دستگاه‌های اجرایی، از اختیارات هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است و شعب آن دیوان چنین صلاحیتی ندارند.

۲- همان گونه که در نامه شماره ۸۵۵۸۷۰ - ۱۳۹۵/۸/۲۹ این امور نیز تصریح گردیده است، ارتقای طبقه کارمندان (موضوع بخشنامه شماره ۵۵۵۸۸/۲۰۰ - ۱۳۸۹/۱۰/۲۷) بر اساس مدارک تحصیلی مکتسبه پیش‌بینی شده در شرایط احراز مشاغل و سوابق تجربی مربوطه صورت می‌پذیرد بنابراین آن دسته از مستخدمینی که متصدی مشاغل کارشناسی

۱۳۹۸/۸/۴

شماره ۹۷۰۲۳۱۴

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۴۰ مورخ ۱۳۹۸/۷/۱۶ با موضوع: «اعمال ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نسبت به رأی شماره ۷۳۱-۱۳۹۶/۸/۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و صدور رأی بر عدم ابطال بند ب ماده ۲۰ تعرفه عوارض محلی شهرداری تبریز در سال ۱۳۹۶» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۷/۱۶ شماره دادنامه: ۱۴۴۰ شماره پرونده: ۲۳۱۴/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: شورای اسلامی شهر تبریز

موضوع شکایت و خواسته: اعمال ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نسبت به رأی شماره ۷۳۱-۱۳۹۶/۸/۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

گردش کار: ۱- رئیس شورای اسلامی شهر تبریز به موجب لایحه شماره ۴۷۶۲-۵/ش/ت - ۱۳۹۶/۱۲/۱۳ اعلام کرده است که:

«ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً به استحضار می‌رساند دادنامه شماره ۷۳۱-۱۳۹۶/۸/۲ صادره در پرونده شماره ۳۵۲/۹۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری دایر بر ابطال ماده ۲۰ تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۶ مصوب شورای اسلامی شهر تبریز از آن جهت که شمول آن در برگیرنده تمام ماده مذکور است به نظر می‌رسد مبتنی بر اشتباه بوده و مغایر تبصره‌های ۳ و ۴ ماده ۱۰۱ اصلاحی قانون شهرداری است زیرا به موجب تبصره ۳ ماده ۱۰۱ اصلاحی قانون شهرداری «در اراضی با مساحت بیشتر از ۵۰۰ مترمربع که دارای سند مالکیت رسمی است شهرداری برای تأمین سرانه فضای عمومی و خدماتی تا سقف ۲۵٪ و برای تأمین اراضی مورد نیاز احداث شوارع و معابر عمومی شهر در اثر تفکیک و افزاز این اراضی مطابق با طرح جامع تفصیلی با توجه به ارزش افزوده ایجاد شده از عمل تفکیک برای مالک تا ۲۵٪ از باقیمانده اراضی را دریافت می‌نماید شهرداری مجاز است با توافق مالک قدرالسهم مذکور را بر اساس قیمت روز زمین طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری دریافت نماید» و در قسمت اخیر تبصره ۴ ماده ۱۰۱ اصلاحی قانون شهرداری تصریح شده است: «در مواردی که امکان تأمین انواع سرانه شوارع و معابر از زمین مورد تفکیک و افزاز میسر نباشد شهرداری می‌تواند با تصویب شورای اسلامی شهر معادل قیمت آن را به نرخ کارشناسی دریافت نماید.»

نظر به اینکه ماده ۲۰ تعرفه عوارض محلی مصوب شورای اسلامی شهر تبریز که تمام مفاد آن از طرف هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال شده است شامل چند بخش می‌باشد که شق ب بند ۱ آن دایر بر اینکه «در عرصه‌های بیشتر از ۵۰۰ مترمربع برابر جدول ذیل سهم خدمات عمومی و شوارع از عرصه به شهرداری اختصاص خواهد یافت و در مواردی که امکان تأمین انواع سرانه شوارع و معابر از زمین مورد تفکیک و افزاز میسر نباشد شهرداری می‌تواند معادل قیمت آن به نرخ کارشناسی دریافت نماید» بر مبنای تبصره ۳ و ۴ از ماده ۱۰۱ اصلاحی قانون شهرداری تنظیم یافته است و ابطال تمام مفاد ماده ۲۰ تعرفه مذکور بدون مستثنی کردن شق ب بند ۱ آن دقیقاً مطابق قانون تنظیم یافته است به نظر می‌رسد مبتنی بر اشتباه بوده و مغایر قانون است لذا به منظور طرح رأی شماره ۷۳۱-۱۳۹۶/۸/۲ صادره در پرونده شماره ۳۵۲/۹۶ برای رسیدگی مجدد در هیأت عمومی تقاضای اعمال ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری را دارد.»

۲- متن رأی شماره ۷۳۱-۱۳۹۶/۸/۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شرح زیر است: «الف - مطابق ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، مقرر شده است که: «چنانچه مصوبه‌ای در هیأت عمومی ابطال شود، رعایت مفاد رأی هیأت عمومی در مصوبات بعدی الزامی است. هرگاه مراجع مربوط، مصوبه جدیدی مغایر رأی هیأت عمومی تصویب کنند، رئیس دیوان موضوع را خارج از نوبت، بدون رعایت مفاد ماده ۸۳ قانون مذکور و فقط با دعوت نماینده مرجع تصویب‌کننده در هیأت عمومی مطرح می‌نماید.» نظر به اینکه در آراء شماره ۶۹۶ - ۱۳۹۵/۹/۱۶، ۷۵۳-۱۳۹۵/۹/۳۰، ۷۷۰ و ۷۷۱-۱۳۹۵/۱۰/۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مصوبات تعدادی از شوراهای اسلامی شهرهای کشور مبنی بر دریافت عوارض کسری حدنصاب تفکیک، عوارض تفکیک یا افزاز املاک و الزام متقاضی تفکیک به واگذاری قسمتی از ملک

بوده و لکن دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم می‌باشند (در مورد مطروح فرد مورد بحث) حداکثر تا طبقه ۸ ارتقاء می‌یابند و مجاز به ارتقاء به طبقات بالاتر نمی‌باشند، اضافه می‌نماید شرکت و موفقیت در آزمون تصدی مشاغل کاردانی و کارشناسی (که نامبرده در دادخواست ابرازی، بدان استناد نموده است) به منزله دارا بودن مدرک تحصیلی، تلقی نمی‌گردد. با عنایت به مراتب فوق تقاضای رد شکایت شاکي را دارد. علیهذا با عنایت به موارد یاد شده رد شکایت ایشان در راستای منافع و مصالح حاکمیت و حقوق بیت المال مورد استدعاست.»

همچنین مدیرکل دفتر امور حقوقی و بین الملل سازمان هواپیمایی کشوری به موجب لایحه شماره ۵۶۲۳۸ - ۱۳۹۵/۱۱/۹ توضیح داده است که:

«موضوع: در ارتباط با شکایت آقای غلامرضا طرقي

سلام علیکم

با احترام عطف به کلاسه پرونده شماره ۹۵۰۹۹۸۰۹۵۷۵۰۲۴۰۰ در خصوص دادخواست مشارالیه در ارتباط با موضوع معنونه در متن دادخواست خواهان که به شماره ۵۴۰۷۲ - ۱۳۹۵/۱۰/۲۸ در دبیرخانه مرکزی این سازمان به ثبت رسیده به استحضار می‌رساند: حسب استعلام صورت گرفته از اداره امور کارکنان این سازمان، در جوابیه واصله اعلام داشتند ۱- نامبرده دارای مدرک تحصیلی کاردانی می‌باشد. ۲- «مشارالیه برابر مفاد بخشنامه شماره ۲۰/۵۵۵۸ - ۱۳۸۹/۱۰/۲۷ معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور و بر اساس تبصره ۱ ماده ۶۵ قانون مدیریت خدمات کشوری و بر اساس ضوابط نحوه ارتقای کارمندان در طبقات و رتبه‌های جدول حق شغل، با رعایت احتساب مدرک تحصیلی کاردانی، سوابق تجربی شغلی و رعایت سنوات خدمتی آخرین طبقه مقطع تحصیلی خود را اخذ نموده است» مضافاً برابر استعلام به عمل آمده از امور مدیریت مشاغل و نظامهای پرداخت سازمان اداری و استخدامی کشور به شماره ۸۵۵۸۷۰ - ۱۳۹۵/۸/۲۹ ارتقاء طبقه کارمندان با اقتباس از بخشنامه اخیرالذکر طبق مدرک تحصیلی پیش‌بینی شده در شرایط احراز مشاغل و سوابق تجربی مربوطه اعلام گردیده، لذا دارندگان مدرک تحصیلی فوق دیپلم حداکثر تا طبقه پیش‌بینی شده برای مدرک مذکور که طبقه ۸ می‌باشد، ارتقاء می‌یابند. بنابراین برابر مفاد ضوابط و مقررات مذکور محرز و مسلم است که خواسته شاکي مبنی بر افزایش طبقه تا سطح مدرک تحصیلی کارشناسی صرفاً به دلیل اخذ پست کارشناسی بدون ارائه مدرک کارشناسی امکان‌پذیر نبوده و برخلاف نصوص قوانین و مقررات موضوعه است. علیهذا با توجه به مراتب مذکور از ریاست دادگاه صدور رأی به رد دادخواست خواهان مورد استدعاست.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۱۶ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

مطابق ماده ۶۷ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶، وضع مقررات راجع به نحوه تخصیص هر کدام از مشاغل و طبقات شغلی کارمندان به شورای توسعه مدیریت محول شده است و این شورا به موجب بخشنامه ابلاغی شماره ۲۰۰/۵۵۵۸۸ - ۱۳۸۹/۱۰/۲۷ ضوابط نحوه ارتقای کارمندان در طبقات و رتبه‌های جدول حق شغل را تعیین کرده و در بند ۵ قسمت الف بخشنامه مذکور حکم مربوط به نحوه ارتقای کارمندان در طبقات جدول حق شغل می‌باشد مقرر شده است: «شاغلین مجموعه مشاغلی که شرایط احراز تحصیلی آنها مدرک تحصیلی کارشناسی یا هم‌تراز می‌باشد به ازای هر چهار سال سوابق تجربی از تاریخ دریافت آخرین گروه استحقاقی یک طبقه و حداکثر تا ۱۰ طبقه ارتقاء می‌یابند.» نظر به اینکه شاغلین پست‌های کارشناسی می‌توانند اعم از کسانی باشند که به علت برخورداری از مدرک کارشناسی یا هم‌تراز یا به علت سوابق تجربی یا طی دوره‌های آموزشی با مدرک تحصیلی کمتر از مدرک تحصیلی کارشناسی شاغل در پست کارشناسی شده باشند و چنانچه ابهامی در موضوع وجود داشته باید به موجب بند ۴ قسمت ب ماده ۱۱۶ قانون مدیریت خدمات کشوری، شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی نسبت به رفع ابهام اقدام نمایند، لذا مقرر شد مورد شکایت از این حیث که مغایر با مصوبه شورای توسعه مدیریت برخورداری شاغلین پست‌های کارشناسی فاقد مدرک کارشناسی و هم‌تراز را از امکان ارتقاء تا طبقه ۱۰ محروم دانسته خارج از حدود اختیارات قانونی وضع شده و مستند به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

نبوده و از طرفی جهت توسعه روستا و تأمین مسکن اهالی بر اساس مطالعات طرح هادی نیاز به تملک زمین محرز می‌باشد، لذا به منظور پاسخ گویی به درخواستهای اشخاص متقاضی تغییر وضعیت اراضی روستایی، جلوگیری از بورس بازی زمین و همچنین جبران بخشی از هزینه های خدمات فنی و امور زیربنایی مورد نیاز اراضی فوق شیوهنامه تفاهم با مالکین متقاضی تفکیک اراضی روستایی به انضمام یک نسخه نمونه قرارداد صلح معوض جهت بهره‌برداری به پیوست ایفاد می‌گردد.»

۲- بر اساس فراز ابتدای شیوهنامه یاد شده آمده است: «شیوهنامه مذکور در راستای بند (ب) ماده ۵ قانون منع فروش و واگذاری اراضی فاقد کاربری مسکونی (مصوب ۱۳۸۱/۵/۶ مجلس شورای اسلامی) و ماده ۴ قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن (مصوب ۱۳۸۷ مجلس شورای اسلامی) و به منظور ضابطه‌مند نمودن نحوه توافق با مالکین اراضی داخل یا خارج از محدوده روستا که به لحاظ نیاز متقاضی دریافت خدمات فنی به منظور قرار گرفتن در محدوده روستا، تغییر کاربری یا تفکیک اراضی می‌باشند، شیوهنامه جهت چگونگی تعامل با آنان ارائه می‌گردد.»

۳- تبصره ۳ بند ۷ شیوهنامه موصوف مقرر داشته است: «هرگونه اقدام اجرایی در زمینه تهیه یا اصلاح طرح روستا جهت تغییر کاربری یا ورود اراضی فوق به محدوده روستا، صرفاً پس از تعیین درصد سهم طرفین (مالک و بنیاد) و امضاء صلح نامه (صلح معوض) از سوی طرفین مجاز خواهد بود.» تبصره ۳ بند ۷ شیوهنامه تفاهم با مالکین متقاضی تفکیک اراضی روستایی مغایر با قانون و خارج از حدود اختیارات واضع می‌باشد. چرا که: اولاً: مستفاد از اصل ۵۱ قانون اساسی و ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت اخذ هرگونه وجه و مال (اعم از منقول و غیرمنقول) از مردم نیازمند مجوز قانونی است. لذا الزام نمودن متقاضیان تهیه یا اصلاح طرح روستا جهت تغییر کاربری یا ورود اراضی فوق به محدوده روستا پس از تعیین درصد سهم طرفین (مالک و بنیاد) صرفاً از طریق امضاء صلح نامه (آن هم مطابق با فرم از پیش تعیین شده) تکلیفی است که نیازمند تجویز قانونگذار می‌باشد.

ثانیاً: شیوهنامه فوق در راستای بند (ب) ماده ۵ قانون منع فروش و واگذاری اراضی فاقد کاربری مسکونی (مصوب ۱۳۸۱/۵/۶ مجلس شورای اسلامی) و ماده ۴ قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن (مصوب ۱۳۸۷ مجلس شورای اسلامی) مصوب گردیده، در حالی که در هیچ یک از مواد یاد شده مفهوماً و منطوقاً اختیاری مبنی بر الزام متقاضیان تهیه یا اصلاح طرح روستا (جهت تغییر کاربری یا ورود اراضی فوق به محدوده روستا) به انعقاد صلح نامه با بنیاد مسکن انقلاب اسلامی تجویز نشده و نسبت به موضوع انعقاد صلح نامه دارای خروج موضوعی می‌باشند.

ثالثاً: با توجه به مراتب فوق و عدم تجویز قانونگذار مبنی بر امکان انعقاد صلح نامه (فی مابین بنیاد و مالک) در موارد یاد شده، وضع مقرر فوق توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خارج از حدود اختیارات آن بنیاد می‌باشد.

از این رو تبصره ۳ بند ۷ شیوهنامه مذکور مغایر با قوانین مذکور و خارج از حدود اختیارات واضع بوده و ابطال آن در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری (به صورت فوق‌العاده و خارج از نوبت) مورد تقاضا می‌باشد. مزید امتنان است از نتیجه اقدام و تصمیم متخذه این سازمان را مطلع فرمایید.»

متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

«شیوهنامه تفاهم با مالکین متقاضی تفکیک اراضی روستایی

در راستای اجرای تبصره بند «ب» ماده ۵ قانون منع فروش و واگذاری اراضی فاقد کاربری مسکونی مصوب ۱۳۸۱/۵/۶ مجلس شورای اسلامی و ماده ۴ قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن مصوب ۱۳۸۷ مجلس شورای اسلامی و به منظور ضابطه مند نمودن نحوه توافق با مالکین اراضی داخل یا خارج از محدوده روستا که به لحاظ نیاز متقاضی دریافت خدمات فنی به منظور قرار گرفتن در محدوده روستا، تغییر کاربری یا تفکیک اراضی می‌باشند، این شیوهنامه جهت چگونگی تعامل با آنان ارائه می‌گردد.

۷- رعایت قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها

.....

تبصره ۳- هرگونه اقدام اجرایی در زمینه تهیه یا اصلاح طرح روستا جهت تغییر کاربری یا ورود اراضی فوق به محدوده روستا، صرفاً پس از تعیین درصد سهم طرفین (مالکین و بنیاد) و امضاء صلح نامه از سوی طرفین مجاز خواهد بود.»

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی به موجب لایحه شماره ۱/۹۴ - ۱/۱ - ۱۳۹۸/۱/۳۱ توضیح داده است که:

«مدیر دفتر محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً بازگشت به ابلاغیه کلاسه پرونده ۹۷۰۳۴۹۰ با شماره پرونده ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۲۱۲۷ - ۱۳۹۷/۱۲/۵ (واصله در تاریخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۴) موضوع ارسال

و عوارض برای تفکیک به لحاظ مغایرت با قانون و خروج از حدود اختیارات ابطال شده است و شورای اسلامی شهر تبریز در تصویب ماده ۲۰ تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۶ سهم تفکیک عرصه و افزاز عوارض کسری مساحت عرصه وضع کرده است، بنابراین ماده مذکور به لحاظ مغایرت با آراء هیأت عمومی با استناد به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.»

۳- معاون نظارت و بازرسی دیوان عدالت اداری به موجب نظریه شماره ۲۲۶۸۸۷-۱۳۹۷/۲/۱۹ با این استدلال که شق (ب) بند ۱ ماده ۱۰ تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۶ شورای اسلامی شهر تبریز، مطابق تبصره ۲ ماده ۱۰۱ اصلاحی قانون شهرداری به تصویب رسیده است، وجود اشتباه در رأی یاد شده را تأیید و به قابلیت اعمال ماده ۹۱ قانون دیوان اظهار نظر کرده است. ۴- با موافقت رئیس دیوان عدالت اداری رسیدگی به موضوع در اجرای ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ در دستور کار هیأت عمومی قرار گرفت.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۱۶ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

طبق تبصره ۳ ماده ۱۰۱ اصلاحی قانون شهرداریها مصوب سال ۱۳۹۰ مقرر شده است: «در اراضی با مساحت بیشتر از ۵۰۰ مترمربع که دارای سند ششدانگ است شهرداری برای تأمین سرانه فضای عمومی و خدماتی تا سقف ۲۵٪ و برای تأمین اراضی مورد نیاز احداث شوارع و معابر عمومی شهر در اثر تفکیک و افزاز این اراضی مطابق با طرح جامع و تفصیلی با توجه به ارزش افزوده ایجاد شده از عمل تفکیک برای مالک تا ۲۵٪ از باقیمانده اراضی را دریافت می‌نماید. شهرداری مجاز است با توافق مالک قدرالسهم مذکور را بر اساس قیمت روز زمین طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری دریافت نماید.» نظر به اینکه در بند (ب) ماده ۲۰ تعرفه عوارض شهرداری تبریز در سال ۱۳۹۶ از مصوبات شورای اسلامی شهر تبریز موارد قانونی مذکور عیناً رعایت شده و مغایرتی با قانون یا با آراء هیأت عمومی ندارد، بنابراین با اعمال ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری رأی شماره ۱۳۹۱-۱۳۹۶/۸/۲ هیأت عمومی در قسمتی که ناظر بر ابطال بند ب ماده ۲۰ تعرفه عوارض محلی شهرداری تبریز در سال ۱۳۹۶ بوده نقض می‌شود و رأی بر عدم ابطال بند ب ماده ۲۰ مصوبه مورد اعتراض صادر می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

شماره ۹۷۰۳۴۹۰

۱۳۹۸/۸/۴

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۳۹۸/۷/۱۶ مورخ ۱۳۹۸/۷/۱۶ با موضوع: «ابطال تبصره ۳ بند ۷ شیوهنامه تفاهم با مالکین متقاضی تفکیک اراضی روستایی» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۷/۱۶ شماره دادنامه: ۱۴۴۳ شماره پرونده: ۳۴۹۰/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاک: سازمان بازرسی کل کشور

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تبصره ۳ بند ۷ شیوهنامه تفاهم با مالکین متقاضی

تفکیک اراضی روستایی

گرددش کار: سرپرست معاونت حقوقی و نظارت همگانی سازمان بازرسی کل کشور به موجب شکایت نامه شماره ۲۱۸۵۲۵ - ۱۳۹۷/۹/۲۸ اعلام کرده است که:

«حضرت حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای بهرامی

رئیس محترم دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً مصوبه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در رابطه با دریافت حق تفکیک از اراضی روستایی در این سازمان مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه آن به شرح ذیل اعلام می‌شود:

۱- بخشنامه شماره ۴۶۶۲/ص - ۱۳۸۷/۴/۱۱ ریاست بنیاد مسکن انقلاب اسلامی عنوان می‌دارد: «نظر به اینکه تملک اراضی دولتی در برخی مناطق روستایی امکان پذیره

نسخه دوم دادخواست سازمان بازرسی کل کشور در خصوص بخشنامه شماره ۴۶۶۲/ص - ۱۳۸۷/۴/۱۱ بنیاد مسکن انقلاب اسلامی با عنوان دریافت حق تفکیک از اراضی روستایی، به استحضار می‌رساند از آنجا که نکات مورد اشاره در دادخواست سازمان بازرسی کل کشور مبتنی بر مستندات است که بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در دایره شمول آن قرار نمی‌گیرد، مورد پذیرش این نهاد نیست و در صورت توقف اجرای بخشنامه مورد اشاره، مشکلات فراوانی در تأمین مسکن محرومین روستایی و نیز اجابت درخواست روستاییان برای الحاق اراضی به بافت روستاها ایجاد می‌گردد. همچنین زمینه برای تعرض به اراضی کشاورزی، باغها و عرصه های منابع طبیعی فراهم شده و امنیت غذایی کشور که یکی از پایه های اصلی تحقق اقتصاد مقاومتی است، با چالشها و مسائل اساسی مواجه می‌گردد. لذا در پاسخ به نکات مطروحه در دادخواست تقدیمی موارد زیر به استحضار می‌رسد:

رأی هیأت عمومی

صرف نظر از اینکه از طرف سازمان بازرسی کل کشور مصوبه مورد اعتراض مغایر اصل ۵۱ قانون اساسی و ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت اعلام شده ولی مصوبه مغایرتی با قوانین اعلام شده ندارد زیرا اصل ۵۱ قانون اساسی در خصوص اخذ مالیات بر خلاف مقررات قانونی است و بنیاد مسکن نیز به عنوان مؤسسه عمومی غیردولتی از شمول ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت خارج است، اما با توجه به اینکه شیوهنامه مستنداً به تبصره بند (ب) ماده ۵ قانون منع فروش و واگذاری اراضی فاقد کاربری مسکونی مصوب ۱۳۸۱/۵/۶ و ماده ۴ قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن مصوب ۱۳۸۷ به تصویب رسیده و در مواد اشاره شده چنین اختیاری به بنیاد مسکن داده نشده است که نسبت به اخذ بخشی از املاک آنها در قبال موافقت با تغییر کاربری یا ورود اراضی به محدوده روستا اقدام کند، بنابراین از این جهت مصوبه خارج از اختیارات وضع شده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

۱- بندهای ۲، ۱، ۳ مطروحه در دادخواست تقدیمی سازمان بازرسی کل کشور، صرفاً به نقل قول از بخشنامه شماره ۴۶۶۲/ص - ۱۳۸۷/۴/۱۱ بنیاد مسکن انقلاب اسلامی پرداخته و به نوعی مستندات لازم برای طرح موارد مد نظر خود را فراهم نموده است.

۲- موارد مذکور در ذیل بند ۳ به عنوان مستندات ارائه شده جهت ابطال تبصره ۳ بند ۷ بخشنامه شماره ۴۶۶۲/ص - ۱۳۸۷/۴/۱۱ بنیاد مسکن انقلاب اسلامی با عنوان دریافت حق تفکیک از اراضی روستایی، دارای ایراداتی است که منطبق و مفهوم استدلالات سازمان بازرسی کل کشور را به چالش کشیده و استناد به آنها را دچار اشکال می‌نماید که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

۳- بند نخست استدلالات که با عنوان اولاً: آغاز می‌گردد، اصل ۵۱ قانون اساسی و ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت را مورد استناد قرار داده و همچنین نتیجه‌گیری نموده که هرگونه اخذ وجه از مردم نیازمند مجوز قانون است این در حالی است که:

اولاً: اصل ۵۱ قانون اساسی به صراحت به وضع مالیات با تجویز قانون و موارد معافیت از آن مربوط است و هیچ گونه ارتباط موضوعی با خواسته ندارد.

ثانیاً: در فراز نخست ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت نیز وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی را محدود به مواردی نموده و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی به عنوان مؤسسه عمومی غیردولتی از شمول قانون مذکور خارج است.

ثالثاً: فراز دوم ماده ۴ قانون فوق‌الذکر که به مؤسسات عمومی غیردولتی نیز تسری می‌یابد، صرفاً به نحوه قبول هدایا در قبال معاملات می‌پردازد و به موضوع مورد بحث ارتباطی ندارد، لذا استنادات مورد اشاره خواهان در این خصوص به کلی فاقد وجهت قانونی است.

۴- بند دوم آن که با عبارت ثانیاً شروع می‌شود، به خروج شیوهنامه از ماده ۴ قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن و نیز تبصره ذیل بند (ب) ماده ۵ قانون منع فروش اشاره دارد. در این ارتباط لازم به ذکر است از آنجا که این نهاد متولی تهیه طرحهای هادی روستایی و طرحهای بازنگری آنها می‌باشد، در طی فرآیند تهیه و تصویب طرحهای مذکور و در اجرای ماده ۷ قانون اساسنامه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، مواد ۳ و ۷ قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، محدوده روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها، تبصره ذیل بند ب ماده ۵ قانون موسوم به منع فروش و واگذاری اراضی فاقد کاربری مسکونی، مواد ۴ و ۱۱ قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن و... برخی اراضی حسب تقاضای روستاییان به بافت روستا الحاق شده و یا کاربری آنها تغییر می‌یابد. با عنایت به اینکه ارائه خدمات فنی به اراضی مذکور مستلزم برخی هزینه‌ها از جمله نقشه‌برداری اراضی، تهیه طرح و پیاده‌سازی آنها، بازدیدهای میدانی کارگروه تصویب طرحها و برگزاری جلسات مربوطه و بعضاً جدول‌گذاری و آسفالت معابر اراضی تفکیکی و... می‌باشد و از آنجا که هزینه‌های مذکور از سوی دولت پرداخت نمی‌گردد، به استناد بند ۵ ماده ۱۵ قانون اساسنامه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی که مجوز صریح قانونی محسوب می‌گردد، بخشی از هزینه‌های مترتب بر ارائه خدمات مذکور، تحت عنوان هزینه ارائه خدمات فنی از متقاضیان دریافت می‌گردد. لذا مستندات مورد اشاره سازمان بازرسی کل کشور در ارتباط با ابطال تبصره ۳ بند ۷ شیوهنامه در این بخش نیز فاقد وجهت قانونی می‌باشد.

۵ - آنچه مسلم است هزینه های خدمات فنی که به متقاضیان روستایی ارائه می‌گردد، بسیار بیشتر از تعرفه دریافت شده از ایشان است و دلیل این امر نیز مساعدت در خصوص متقاضیان کم بضاعت و محروم روستایی است. شایان ذکر است هزینه‌های ارائه خدمات فنی این بنیاد بر اساس ماده ۲۳ آیین‌نامه اجرایی مصوب جلسه مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۲۱ شورای مرکزی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و دستورالعمل نحوه ارائه خدمات فنی، متناسب با نوع و میزان خدمات از متقاضیان اخذ می‌گردد.

۶- با توجه به موارد مطروحه و با عنایت به مجوزهای قانونی موجود و اینکه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در اجرای وظایف و تکالیف قانونی در زمینه مدیریت مسکن روستایی و وظایف محوله در تهیه و اجرای طرحهای هادی روستایی و تملک و واگذاری اراضی در روستاها، مجاز به تدوین و ابلاغ دستورالعملها و بخشنامه‌های لازم می‌باشد، تدوین و ابلاغ بخشنامه شماره

شماره ۹۷۰۲۰۰۴/۱۳۹۸/۸/۴

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۴۴ مورخ ۱۳۹۸/۷/۱۶ جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۷/۱۶ شماره دادنامه: ۱۴۴۴ شماره پرونده: ۲۰۰۴/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکلی: سازمان بازرسی کل کشور

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ۱- بند ۳ صورتجلسه شماره ۲۹۵ - ۱۳۹۵/۲/۷

۲- بند ۴ صورتجلسه شماره ۲۵۸ سال ۱۳۹۴

۳- بند ۱ صورتجلسه شماره ۲۳۵ - ۱۳۹۴/۶/۱۷

۴- بند ۱ صورتجلسه شماره ۳۶ - ۱۳۹۲/۱۰/۱۶ شورای اسلامی شهر رامسر

گردش کار: سرپرست معاونت حقوقی و نظارت همگانی سازمان بازرسی کل کشور

به موجب شکایت نامه شماره ۱۲۵۲۸۷ - ۱۳۹۷/۶/۷ اعلام کرده است که:

«حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای بهرامی

رئیس محترم دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً به استحضار می‌رساند، مصوبات شورای اسلامی شهر رامسر از جهت انطباق با قانون در این سازمان مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه به شرح ذیل جهت استحضار اعلام می‌گردد:

الف - بند ۳ مصوبه شماره ۲۹۵ - ۱۳۹۵/۲/۷ شورای شهر رامسر مقرر داشته است:

«نامه شماره ۹۵/۷۶۷/۲۷/ص ۱۳۹۵/۲/۱ شهرداری منضم به صورتجلسه مورخ ۱۳۹۵/۱/۳۰

شورای آموزش و پرورش شهرستان رامسر و با عنایت به بندها ۱۱ و ۱۴ مصوبه فوق‌الذکر

و درخواست مجوز از شورا جهت هزینه کرد مبلغ ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (معادل شش

میلیون تومان) به مناسب هفته بزرگداشت مقام معلم از محل ماده ۱۶ ردیف ۴۱۶۰۹ و

اعطای تخفیف جهت صدور پروانه به فرهنگیان مطرح و شورا موافقت خود را با پرداخت

مبلغ ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (معادل شش میلیون تومان) از محل ماده ۱۶ ردیف ۴۱۶۰۹ و

همچنین بند ۱۴ مصوبه شورای آموزش و پرورش در خصوص صدور پروانه ساختمانی با ۲۵۰

مترمربع زیر بنا با ۵۰٪ تخفیف از اول اردیبهشت تا پایان شهریور ۱۳۹۵ اعلام می‌دارد.»

متن مقرره‌های مورد اعتراض به قرار زیر است:

الف - بند ۳ صورتجلسه شماره ۲۹۵ - ۱۳۹۵/۲/۷ شورای اسلامی شهر رامسر
 «۳- نامه شماره ۱۳۹۵/۲/۱ - ۱۳۹۵/۲/۷/ص - شهرداری منضم به صورتجلسه مورخ ۱۳۹۵/۱/۳۰ شورای آموزش و پرورش شهرستان رامسر و با عنایت به بندهای ۱۱ و ۱۴ مصوبه فوق‌الذکر و درخواست مجوز از شورا جهت هزینه کرد مبلغ ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (معادل شش میلیون تومان) به مناسبت هفته بزرگداشت مقام معلم از محل ماده ۱۶ ردیف ۴۱۶۰۹ و اعطای تخفیف جهت صدور پروانه به فرهنگیان مطرح و «شورا موافقت خود را با پرداخت مبلغ ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (معادل شش میلیون تومان) از محل ماده ۱۶ ردیف ۴۱۶۰۹ و همچنین بند ۱۴ مصوبه شورای آموزش و پرورش در خصوص صدور پروانه ساختمانی با ۲۵۰ مترمربع زیر بنا با ۵۰٪ تخفیف از اول اردیبهشت تا پایان شهریور ۱۳۹۵ اعلام می‌دارد.»

ب) بند ۴ صورتجلسه شماره ۲۵۸ - ۱۳۹۴ شورای اسلامی شهر رامسر:
 «۲- نامه شماره ۱۳۹۴/۹/۱۵ - ۱۳۹۴/۹/۱۷ شهرداری با این توضیح «در اجرای بند ۳ مصوبه شماره ۱۹۵ - ۱۳۹۴/۲/۹ شورا در خصوص تشویق متقاضیان ساخت هتل در کاربریهای جهانگردی، پذیرایی شهرداری رامسر در نظر دارد علاوه بر افزایش تراکم طبقات کلید عوارضات متعلقه را با ۷۰ درصد تخفیف اقدام نماید و درخواست مجوز از شورا مطرح و شورا با درخواست فوق در زمینهای شخصی یا خریداری شده به شرح ذیل موافقت می‌نماید. الف - هتل ۳ ستاره ۵۰ درصد تخفیف ب - هتل ۴ ستاره ۷۰ درصد تخفیف ج - هتل ۵ ستاره ۹۰ درصد تخفیف»

ج) بند ۱ صورتجلسه شماره ۲۳۵ - ۱۳۹۴/۶/۱۷ شورای اسلامی شهر رامسر:
 «۱- نامه شماره ۱۳۹۴/۵/۱۶ - ۱۳۹۴/۶/۱۱ شهرداری با این توضیح که: املاک زیادی در سطح شهر با کاربری باغات - فضای سبز - مزارع - ورزشی آموزشی - فرهنگی مذهبی - بهداشتی - حمل و نقل انبارها و کلیه کاربریهای غیرمسکونی فاقد سند مالکیت وجود دارد و مالکان املاک فوق از افراد کم درآمد جامعه می‌باشند و تقاضای پروانه ساختمانی را می‌نمایند و به علت عدم کاربری مسکونی واجد شرایط صدور پروانه ساختمانی نمی‌باشند جهت مساعدت و کمک به شهروندان و با عنایت به قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها مصوب ۱۳۶۷/۸/۲۹ جهت کاربری کلیه املاک غیرمسکونی ضمن اخذ استعلام از سازمان مربوطه و وصول پاسخ بلامانع و با داشتن حداقل ۵۰٪ مساحت حدنصاب بر اساس جدول صفحه ۲۹ طرح تفصیلی فقط پروانه یک طبقه روی پیلوت حداکثر با سطح اشغال ۳۰٪ پس از رعایت بر اصلاحی یا احتساب راه پله با حفظ کاربری مربوطه صادر گردد و چنانچه مساحت ملک بیشتر از حدنصاب باشد صدور پروانه فقط در حد یک طبقه روی پیلوت صادر گردد و درخواست مجوز از شورا مطرح و «شورا مقرر می‌دارد که الف: با اخذ تعهد محضری از مالک مبنی بر پذیرفتن مسئولیت هرگونه معارض حقوقی و حقیقی بر عهده خود مالک و اخذ کد رهگیری ب: محدوده زمین باید هنگام صدور پروانه ساخت محصور به ارتفاع حداقل ۱/۵ متر بوده و در تعهد قید گردد که در زمان صدور پایانکار مسئولیت هرگونه کسر مترآژ به عهده مالک می‌باشد و با درخواست فوق موافقت می‌نماید.»

د) بند ۱ صورتجلسه شماره ۳۶ - ۱۳۹۲/۱۰/۱۶ شورای اسلامی شهر رامسر:
 «نامه شماره ۱۰۱۳۷/۱۰ - ۱۳۹۲/۱۰/۱۱ شهرداری با این توضیح که: در اجرای تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۲ در خصوص صدور پروانه اصلاحی که مشمول عوارض مابه‌التفاوت از کل بنا خواهد شد و علت وجود این نوع عوارض به جهت عدم گریز از قانون سازندگانی که با این دیدگاه در هر مرحله با مترآژ پایین عوارض کمتر مشمول خواهند شد بوده، ولیکن بعضی از متقاضیان هنگام دیوار چینی یا تعبیه آسانسور و راه پله دچار افزایش بنا می‌شوند که هنگام پرداخت این نوع عوارض با مشکل مواجه می‌شوند. لذا شهرداری رامسر در نظر دارد به جهت حمایت از این افراد به جهت عدم دریافت مابه‌التفاوت زیربنا به شرح ذیل اعمال نماید و درخواست مجوز از شورا مطرح و «شورا با درخواست فوق جهت رفع مشکل شهروندان موافقت می‌نماید.»

ب - در بند ۴ مصوبه شماره ۲۵۸ سال ۱۳۹۴ شورای مذکور عنوان شده است: «در اجرای بند ۳ مصوبه شماره ۱۹۵ - ۱۳۹۴/۲/۹ شورا در خصوص تشویق متقاضیان ساخت هتل در کاربریهای جهانگردی، پذیرایی شهرداری رامسر در نظر دارد علاوه بر افزایش تراکم طبقات کلیه عوارضات متعلقه را با ۷۰٪ تخفیف اقدام نماید و درخواست مجوز از شورا مطرح و شورا با درخواست فوق در زمینهای شخصی یا خریداری شده به شرح ذیل موافقت می‌نماید. الف) هتل ۳ ستاره ۵۰ درصد تخفیف، ب) هتل ۴ ستاره ۷۰ درصد تخفیف، ج) هتل ۵ ستاره ۹۰ درصد تخفیف.»

ج - بند ۱ مصوبه شماره ۲۴۵ - ۱۳۹۴/۶/۱۷ شورای شهر موصوف بیان می‌دارد: «...املاک زیادی در سطح شهر با کاربری باغات - فضای سبز - مزارع - ورزشی آموزشی - فرهنگی مذهبی - بهداشتی - حمل و نقل انبارها و کلیه کاربریهای غیرمسکونی فاقد سند مالکیت وجود دارد و مالکان املاک فوق از افراد کم درآمد جامعه می‌باشند و تقاضای پروانه ساختمانی را می‌نمایند و به علت عدم کاربری مسکونی واجد شرایط صدور پروانه ساختمانی نمی‌باشند جهت مساعدت و کمک به شهروندان و با عنایت به قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداری مصوب ۱۳۶۷/۸/۲۹ جهت کاربری کلیه املاک غیرمسکونی ضمن اخذ استعلام از سازمان مربوطه و وصول پاسخ بلامانع و با داشتن حداقل ۵۰٪ مساحت حدنصاب بر اساس جدول ۲۹ طرح تفصیلی فقط پروانه یک طبقه روی پیلوت حداکثر با سطح اشغال ۳۰٪ پس از رعایت بر اصلاحی یا احتساب راه پله با حفظ کاربری مربوط صادر گردد و چنانچه مساحت ملک بیشتر از حدنصاب باشد صدور پروانه فقط در حد یک طبقه روی پیلوت صادر گردد و درخواست مجوز از شورا مطرح و شورا مقرر می‌دارد که الف - با اخذ تعهد محضری از مالک مبنی بر پذیرفتن مسئولیت هرگونه معارض حقیقی و حقوقی بر عهده خود مالک و اخذ کد رهگیری ب - محدوده زمین باید هنگام صدور پروانه ساخت محصور به ارتفاع حداقل ۱/۵ متر بوده و در تعهد قید گردد که در زمان صدور پایانکار مسئولیت هرگونه کسر مترآژ به عهده مالک می‌باشد و با درخواست فوق موافقت می‌نماید.»

د - بند ۱ مصوبه شماره ۳۶ - ۱۳۹۲/۱۰/۲۶ شورای اسلامی شهر رامسر اشعار داشته است: «... در اجرای عوارض محلی سال ۱۳۹۲ در خصوص صدور پروانه اصلاحی که مشمول عوارض مابه‌التفاوت از کل بنا خواهد شد و علت وجود این نوع عوارض به جهت عدم گریز از قانون سازندگی که با این دیدگاه در هر مرحله با مترآژ پایین عوارض کمتر مشمول خواهند شد بوده ولیکن بعضی از متقاضیان دیوارچینی یا تعبیه آسانسور و راه پله دچار افزایش بنا می‌شوند که هنگام پرداخت این نوع عوارض با مشکل مواجه می‌شوند. لذا شهرداری رامسر در نظر دارد به جهت حمایت از این افراد به جهت عدم دریافت مابه‌التفاوت زیربنا به شرح ذیل اعمال نماید و درخواست مجوز از شورا مطرح و شورا با درخواست فوق جهت رفع مشکل شهروندان موافقت می‌نماید.»

مترآژ بنا	مقدار بنا (اصلاحی)
تا ۵۰ متر	۱۵
تا ۸۰ متر	۲۰
تا ۱۲۰ متر	۳۰
تا ۱۵۰ متر به بالا	۵۰

مصوبات فوق به دلایل زیر مغایر با قانون می‌باشد:

۱- بند ۳ جلسه شماره ۲۹۵ - ۱۳۹۵/۲/۷ و بند ۴ جلسه شماره ۲۵۸ در سال ۱۳۹۴ شورای اسلامی شهر رامسر مغایر تبصره ۳ ذیل ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷ می‌باشد که قوانین و مقررات مربوط به اعطای تخفیف و یا معافیت از پرداخت عوارض و وجوه شهرداریها را لغو کرده است. از طرف دیگر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در موارد مشابه به موجب دادنامه شماره ۱۱۶۲ - ۱۳۹۴/۱۱/۲۰ مصوبه شورای اسلامی شهر گلدشت و دادنامه شماره ۲۶ - ۱۳۹۶/۱/۱۵ مصوبه شورای اسلامی شهر شیراز را ابطال کرده است.

۲- بند ۱ جلسه شماره ۲۳۵ - ۱۳۹۴/۶/۱۷ و بند ۱ جلسه شماره ۳۶ - ۱۳۹۲/۱۰/۱۶ شورای اسلامی شهر رامسر با توجه به قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداری و اینکه در ماده ۱۰۰ قانون شهرداری در مورد تخلفات ساختمانی به صراحت تعیین تکلیف شده و به تخلفات ساختمانی ناشی از عدم رعایت مندرجات پروانه ساختمانی و یا احداث بنای بدون پروانه در کمیسیون ماده ۱۰۰ رسیدگی می‌شود، لذا مصوبات اخیرالذکر مغایر با قانون تشخیص می‌گردد. ضمن آن که هیأت عمومی دیوان در مورد مشابه به موجب دادنامه شماره ۲۹ - ۲۸ - ۲۷ مورخ ۱۳۹۷/۱/۲۱ مصوبه شورای اسلامی شهر اردبیل در این خصوص را ابطال کرده است. بنا به مراتب مصوبات شورای اسلامی شهر رامسر مغایر با قوانین یاد شده و خارج از حدود اختیارات واضع تشخیص و ابطال آن در هیأت عمومی دیوان مورد تقاضا می‌باشد.»

مترآژ بنا	مقدار بنا (اصلاحی)
تا ۵۰ متر	۱۵
تا ۸۰ متر	۲۰
تا ۱۲۰ متر	۳۰
تا ۱۵۰ متر به بالا	۵۰

علیرغم ارسال نسخه ثانی شکایت و ضامنه آن برای طرف شکایت تا زمان رسیدگی به پرونده در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری هیچ پاسخی از طرف شکایت واصل نشده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۱۶ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - به موجب تبصره ۳ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۷، قوانین و مقررات مربوط به اعطاء تخفیف یا معافیت از پرداخت عوارض یا وجوه به شهرداریها و دهیاریها ملغی شده است. همچنین در آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله آراء شماره ۶۲۷ - ۱۳۹۷/۷/۴ و ۲۶ - ۱۳۹۶/۱/۱۵ اعطاء تخفیف و یا معافیت از پرداخت عوارض یا مواردی از این قبیل مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات اعلام شده است. بنابراین بند ۳ مصوبه شماره ۲۹۵ - ۱۳۹۵/۲/۷ شورای اسلامی رامسر مبنی بر اعطای تخفیف جهت صدور پروانه به فرهنگیان و بند ۴ مصوبه شماره ۲۵۸ سال ۱۳۹۴ مبنی بر اعطای تخفیف به متقاضیان ساخت هتل در کاربریهای جهانگردی پذیرایی و بند ۱ مصوبه شماره ۳۶ - ۱۳۹۲/۱۰/۲۶ مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می شود.

ب - طبق ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، تغییرات در طرح تفصیلی در حوزه اختیارات کمیسیون مندرج در ماده مذکور است و طبق ضوابط بند ۳۴ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی مقرر شده بررسی و تأیید طرح هادی و جامع شهرسازی و تفصیلی و حریم و محدوده قانونی شهرها پس از ارائه آن توسط شهرداری و ارسال به مراجع ذی ربط قانونی جهت تصویب نهایی از وظایف شورای اسلامی شهرهاست و مصوبه شورا در حد پیشنهاد است و طبق تبصره ماده ۷ قانون صدرالذکر رفع اختلاف در خصوص رفع ابهام، ایراد و مشکلات طرحهای تفصیلی با شورای عالی شهرسازی و معماری ایران است. بنابراین بند ۱ مصوبه شماره ۲۳۵ - ۱۳۹۴/۶/۱۷ مصوبه شورای اسلامی شهر رامسر مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

شماره ۹۸۰۲۹۰۳

۱۳۹۸/۸/۴

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۴۵ مورخ ۱۳۹۸/۷/۱۶ جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأتیهای تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۷/۱۶ شماره دادنامه: ۱۴۴۵ شماره پرونده: ۲۹۰۳/۹۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

اعلام کننده تعارض: خانم صدیقه سلمانی زاده

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: خانم صدیقه سلمانی زاده به موجب لایحه مورخ ۱۳۹۷/۲/۲۳ اعلام

کرده است که:

اینجانب صدیقه سلمانی زاده کارمند اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان می باشم و از سال ۱۳۸۰ تاکنون در این اداره کل به عنوان کارشناس مشغول به کار بوده و از آنجا که شوهرم کارمند میراث فرهنگی استان هرمزگان شهرستان بندرعباس بوده در سال ۱۳۸۰ در اثر سانحه تصادف فوت شدند، از آن تاریخ تاکنون اینجانب به عنوان سرپرست خانوار مسئولیت دو بچه را عهده دار شدم از آنجا که برابر مصوبه ۴۳۳۴۶/۱۳۱۱۰۰ - ۱۳۸۸/۷/۱ مبنی بر استخدام رسمی فرزندان شهدا و خانمهای سرپرست خانوار شاغل که به صورت قراردادی مشغول به خدمت هستند استخدام رسمی نمایند که برابر رأی صادره از شعبه ۱۰ تجدیدنظر آن دیوان که یکی از همکاران به نام ناهید وهایی کاشانی که قرارداد و شرح حال وی عیناً مشابه اینجانب بوده تبدیل وضعیت گردید. ولی متأسفانه شکایت اینجانب به شماره بایگانی ۹۴۰۹۲۳ - ۱۳۹۴/۱۱/۵ رد شد. حال با عنایت به جمیع مراتب معروضه و ترضیع قطعی حقوق حقه اینجانب و از آنجا که بنده سرپرست خانوار می باشم و حقوق و مزایای اینجانب از حساب

جاری اداره کل پرداخت می شود، به استناد ماده ۸۹ دیوان عدالت اداری در خصوص تعارض آراء از آن عالی مقامان استدعای رسیدگی مجدد را دارم.

گردش کار پروندهها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۱۰ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۴۰۹۹۸۰۹۰۱۰۰۰۹۰۹ با موضوع دادخواست خانم صدیقه سلمانی زاده به طرفیت اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان - معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی ریاست جمهوری و به خواسته تبدیل وضعیت از قراردادی به پیمانی به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۴/۱۱/۵ - ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۱۰۰۱۷۳۷ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص شکایت مذکور نظر به اینکه تصویب نامه شماره ۴۳۳۴۶/۱۳۱۰۰ - ۱۳۸۸/۷/۱ هیأت وزیران ناظر بر استخدام رسمی خانمهای سرپرست خانواری است که به صورت قراردادی در شرکتیهای خدماتی و پیمانکاری مشغول خدمت هستند در حالی که شاکی کارمند قراردادی مشتکی عنه ردیف اول می باشد لذا با این وصف از شمول تصویب نامه فوق الاشعار خارج بوده و به استناد مواد ۵۸ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ حکم به رد شکایت صادر و اعلام می گردد. رأی صادره ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان می باشد.

رأی مذکور به علت عدم تجدیدنظر خواهی قطعی یافت.

ب: شعبه ۱۰ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۰۰۹۹۸۰۹۰۰۰۰۳۴۹۴ با موضوع دادخواست خانم ناهید وهایی کاشانی به طرفیت سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و معاونت توسعه مدیریت نیروی انسانی ریاست جمهوری و به خواسته تبدیل وضعیت استخدامی از قراردادی به رسمی به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۰/۸/۳۰ - ۹۰۰۹۹۷۰۹۰۱۰۰۲۳۴۱ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص شکایت شاکی به طرفیت مشتکی عنه به خواسته تبدیل وضعیت استخدامی به شرح مفاد دادخواست تنظیمی و ضمائ آن و با بررسی اوراق و محتویات پرونده و ملاحظه مفاد جوابیه واصله سازمان مشتکی عنه به موجب مفاد شکایت مطروحه شاکی اعلام داشته که در سنه ۱۳۸۲ در سازمان میراث فرهنگی مشغول به فعالیت شده و تاکنون در آن سازمان مشغول به فعالیت می باشد و از طرفی سرپرست خانوار بوده و سرپرستی دو فرزند را به لحاظ ترک شوهرش به عهده دارد. بنابراین در اجرای مصوبه شماره ۴۳۳۴۶/۱۳۱۱۰۰۰ - ۱۳۸۸/۷/۱ معاون اول رئیس جمهور خطاب به معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی ریاست جمهوری که دستگاههای اجرایی را مکلف نموده تا با رعایت قانون خدمات کشوری به تبدیل وضعیت افراد مصرحه در بخشنامه صادره که به صورت قراردادی در دستگاهها مشغول به فعالیت می باشند، اقدام نمایند. حالیه با توجه به علل و جهات مصرحه فوق رأی به ورود شکایت دایر بر تبدیل وضعیت استخدامی شاکی از قراردادی به استخدام رسمی با رعایت قانون مدیریت خدمات کشوری و سایر مقررات استخدامی صادر و اعلام می گردد. رأی صادره قطعی است.

رأی مذکور به علت عدم تجدیدنظر خواهی قطعی یافت.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۱۶ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - تعارض در آراء محرز است.

ب - با توجه به این که مصوبه شماره ۴۳۳۴۶/۱۳۱۱۰۰ - ۱۳۸۸/۷/۱ هیأت وزیران که مورد استناد شاکیان برای تبدیل وضعیت قرار گرفته است، به موجب مصوبه دیگر هیأت وزیران به شماره ۲۷۸۰۹۶/۴۳۳۴۶ - ۱۳۸۹/۱۲/۵ اصلاح شده و عبارت «با رعایت قانون مدیریت خدمات کشوری» به آن اضافه شده است و براساس مواد ۴۱، ۴۴، ۴۵، ۴۶ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ ورود به خدمت براساس مجوزهای صادره و رعایت مراتب شایستگی و برابری فرصتها پس از پذیرفته شدن در امتحان عمومی که به طور عمومی نشر آگهی می گردد و نیز امتحان یا مسابقه تخصصی امکان پذیر است و در قانون مذکور و قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ حکمی راجع به تبدیل وضعیت کارمندان قراردادی و زنان سرپرست خانوار به رسمی بیان نشده است و آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله آراء شماره ۴۶۰ الی ۴۷۶ - ۱۳۸۰، ۱۳۸۹/۱۰/۲۰ - ۱۳۸۰، ۱۳۹۳/۹/۳ - ۱۳۸۰ الی ۱۳۹۴ - ۱۳۹۷/۶/۶ نیز به این موضوع تصریح دارد، بنابراین با استدلال پیش گفته رأی به رد شکایت صحیح و موافق مقررات است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹

قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

شماره ۹۷۰۳۷۶۸

۱۳۹۸/۸/۴

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۴۶ و ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۴۴۷ مورخ ۱۳۹۸/۷/۱۶ جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۷/۱۶ شماره دادنامه: ۱۴۴۷-۱۴۴۶

شماره پرونده: ۳۷۶۸/۹۷ - ۳۷۷۱/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکلی: سازمان بازرسی کل کشور

موضوع شکایت و خواسته: ابطال نظریه شماره ۱۰۰۴۲ - ۱۱۸۳۰/م/۹۰ - ۱۳۹۰/۴/۱۴ معاون امور حقوقی دولت و بخشنامه شماره ۵۳/۰۲۰/۱۶۷۶۸۹ - ۱۳۹۰/۶/۱ رئیس سازمان امور اراضی کشور

گردش کار: سرپرست معاونت حقوقی و نظارت همگانی سازمان بازرسی کل کشور به موجب شکایت نامه شماره ۲۷۲۱۸۲ - ۱۳۹۷/۱۱/۲۹ اعلام کرده است که:

«حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای بهرامی

رئیس محترم دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً نظریه شماره ۱۰۰۴۲ - ۱۱۸۳۰/م/۹۰ - ۱۳۹۰/۴/۱۴ معاون امور حقوقی دولت و بخشنامه شماره ۵۳/۰۲۰/۱۶۷۶۸۹ - ۱۳۹۰/۶/۱ رئیس سازمان امور اراضی کشور از جهت انطباق با قانون در این سازمان مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه به شرح ذیل اعلام می‌شود:

۱- در نظریه مزبور و بخشنامه سازمان امور اراضی کشور، اعلام شده است: «... اگر اراضی زراعی و باغها جزء اراضی دولتی و منابع ملی در مالکیت دولت در مناطق آزاد تجاری و صنعتی باشد مطابق ماده ۲۴ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری و صنعتی تعیین تکلیف شده است. بدیهی است آن قسمت از اراضی زراعی و باغها واقع در مناطق مزبور که جزء اراضی دولتی و ملی در مالکیت دولت نباشد خروج موضوعی از ماده ۲۴ قانون فوق‌الذکر داشته و مشمول ترتیبات مقرر در قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها و اصلاحات آن می‌باشد».

۲- برابر تبصره ۱ ماده ۱ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱ (با

آخرین اصلاحات تا تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱) تشخیص موارد ضروری تغییر کاربری اراضی زراعی و باغها در هر استان به عهده کمیسیون مرکب از رئیس سازمان جهاد کشاورزی، مدیر امور اراضی، رئیس سازمان مسکن و شهرسازی، مدیرکل حفاظت محیط زیست آن استان و یک نفر نماینده استاندار می‌باشد که به ریاست سازمان جهاد کشاورزی تشکیل می‌گردد و سازمان جهاد کشاورزی موظف است حداکثر ظرف دو ماه از تاریخ دریافت تقاضا یا استعلام، مطابق نظر کمیسیون نسبت به صدور پاسخ اقدام نماید و دبیرخانه کمیسیون فوق در سازمانهای جهاد کشاورزی استانها زیر نظر رئیس سازمان مذکور تشکیل و نهایتاً برابر ماده ۱۳ همان قانون، قانونگذار مسئولیت اجرای قانون مارالذکر و آیین‌نامه‌های اجرایی آن را به وزارت جهاد کشاورزی محول کرده است. ولی قانونگذار به منظور ساماندهی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی و ایفای نقش موثر آنها در تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله نظام، اعمال مدیریت یکپارچه و ایجاد رشد اقتصادی مناسب در این مناطق، هم‌پیوندی و تعامل اثرگذار اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی و ارائه الگوی توسعه ملی در بخشهای مختلف برابر بند الف ماده ۱۱۲ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۸۹) و بند الف ماده ۶۵ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور (مصوب ۱۳۹۶/۱/۱۶) مقرر کرده است: «مدیران سازمانهای مناطق آزاد به نمایندگی از طرف دولت بالاترین مقام منطقه محسوب می‌شوند و کلیه وظایف، اختیارات و مسئولیتهای دستگاه‌های اجرایی دولتی مستقر در این مناطق به استثناء نهادهای دفاعی و امنیتی به عهده آنها است».

۳- با این وجود در جریان بررسی عملکرد مدیریت جهاد کشاورزی شهرستانهای ماکو، شوط و پلدشت به عنوان شهرستانهای واقع در محدوده منطقه آزاد تجاری - صنعتی ماکو

(بهموجب قانون ایجاد یک منطقه آزاد تجاری صنعتی و بیست و سه منطقه ویژه اقتصادی مصوب ۱۳۸۹/۸/۱ مجلس شورای اسلامی و تصویب‌نامه تعیین محدوده منطقه آزاد تجاری - صنعتی ماکو مصوب ۱۳۸۹/۲/۱۹ هیأت وزیران) معلوم شده است، در اراضی زراعی و باغی محدوده منطقه آزاد ماکو نیز کماکان سازمان جهاد کشاورزی استان برابر بخشنامه شماره ۵۳/۰۲۰/۱۶۷۶۸۹ - ۱۳۹۰/۶/۱ رئیس سازمان امور اراضی کشور با موضوع (مرجع تغییر کاربری اراضی زراعی و باغهای واقع در مناطق آزاد تجاری - صنعتی) مستند بر نظریه شماره ۱۰۰۴۲ - ۱۱۸۳۰/م/۹۰ - ۱۳۹۰/۴/۱۴ معاون امور حقوقی دولت، عهده دار وظیفه - اختیار و مسئولیت تشکیل جلسات کمیسیون مربوط بوده و نسبت به اتخاذ تصمیم و صدور مجوز به ریاست رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان و مسئولیت سازمان اخیرالذکر اقدام می‌گردد.

۴- با مذاقه در مفاد بند الف ماده ۱۱۲ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۸۹) و بند الف ماده ۶۵ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور (مصوب ۱۳۹۶/۱/۱۶) و انطباق آن با ماده ۱ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها بخشنامه شماره ۵۳/۰۲۰/۱۶۷۶۸۹ - ۱۳۹۰/۶/۱ رئیس سازمان امور اراضی کشور مستند بر نظریه شماره ۱۰۰۴۲ - ۱۱۸۳۰/م/۹۰ - ۱۳۹۰/۴/۱۴ معاون امور حقوقی دولت می‌توان نتیجه گرفت: علیرغم آن که قانونگذار، ریاست کمیسیون تبصره ۱ ماده ۱ استان را در محدوده مناطق آزاد تجاری صنعتی بر عهده مدیرعامل منطقه آزاد و سازمان مربوط را مسئول حسن اجرای قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها و آیین‌نامه‌های آن نموده است و می‌باید در محدوده مزبور اختیارات، وظایف و مسئولیتهای حاصل از قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها و آیین‌نامه‌های اجرایی آن از طرف وزیر جهاد کشاورزی به مدیرعامل سازمان مناطق آزاد تفویض و مرجع اخیرالذکر عهده دار اختیارات مقرر در قوانین مذکور باشد، ولی نامه دفتر حقوقی دولت و ریاست سازمان امور اراضی کشور مستند به ماده ۲۴ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری صنعتی، نافی اختیارات و وظایف مقرر در بند الف ماده ۱۱۲ و بند الف ماده ۶۵ مقررات مارالذکر برای مدیران سازمانهای مناطق آزاد به عنوان نماینده دولت و بالاترین مقام منطقه بوده و بدون توجه به بند الف ماده ۱۱۲ و بند الف ماده ۶۵ مقررات صدرالاشاره، اقدام در خصوص اراضی زراعی و باغی واقع در محدوده مناطق آزاد را مشمول ترتیبات مقرر در قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها مصوب ۱۳۷۴ با اصلاحات بعدی آن معطوف نموده است. (گفتنی است ماده ۲۴ قانون مذکور، به هیچ عنوان مرتبط با اراضی زراعی و باغها تحت تملک اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی و مشمول اراضی موضوع قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها نمی‌باشد و در بیان نحوه اقدام سازمان منطقه آزاد در خصوص اراضی مذکور نیست. چرا که به موجب فصل دوم آیین‌نامه نحوه استفاده از زمین و منابع ملی در مناطق آزاد تجاری صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲/۱۲/۲۳ مرجع صدور، منظور از «زمین» در قانون اخیرالذکر را کلیه اراضی در مالکیت دولت یا در اختیار دولت عنوان می‌نماید. لذا به دلایل مذکور نظریه شماره ۱۰۰۴۲ - ۱۱۸۳۰/م/۹۰ - ۱۳۹۰/۴/۱۴ معاون امور حقوقی دولت و بخشنامه شماره ۵۳/۰۲۰/۱۶۷۶۸۹ - ۱۳۹۰/۶/۱ رئیس سازمان امور اراضی کشور، مغایر با بند الف ماده ۱۱۲ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۸۹) و بند الف ماده ۶۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور (مصوب ۱۳۹۶/۱/۱۶) است که در اجرای تبصره ۲ ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور (مصوب ۱۳۶۰ با اصلاحات بعدی آن) ابطال آنها مورد درخواست می‌باشد».

متن مقرره‌های مورد اعتراض به قرار زیر است:

۱- بخشنامه شماره ۵۳/۰۲۰/۱۶۷۶۸۹ - ۱۳۹۰/۶/۱ رئیس سازمان امور اراضی کشور:

«رئیس محترم سازمان جهاد کشاورزی استان

بخشنامه در خصوص مرجع تغییر کاربری اراضی زراعی و باغهای واقع در مناطق آزاد تجاری - صنعتی با سلام و احترام،

به پیوست تصویر نامه محرمانه شماره ۱۰۰۴۲ - ۱۱۸۳۰/م/۹۰ - ۱۳۹۰/۴/۱۴ معاون امور حقوقی دولت در خصوص مرجع تغییر کاربری اراضی زراعی و باغهای واقع در مناطق آزاد تجاری - صنعتی ارسال و اعلام می‌دارد: حسب نامه فوق‌الاشاره آن قسمت از اراضی زراعی و باغهای واقع در مناطق آزاد تجاری - صنعتی که جزو اراضی دولتی و ملی در مالکیت دولت نباشد، خروج موضوعی از ماده ۲۴ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی داشته و مشمول قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها و اصلاحیه بعدی آن می‌باشد».

۲- نظریه شماره ۱۰۰۴۲ - ۱۱۸۳۰/م/۹۰ - ۱۳۹۰/۴/۱۴ معاون امور حقوقی دولت:

«همان‌گونه که در نظریه شماره ۱۱۸۳۰/م/۸۹/۳۸۷۸۷ - ۱۳۸۹/۱۲/۲۱ این معاونت ذکر شده اراضی زراعی و باغها که جزء اراضی دولتی و منابع ملی در مالکیت دولت در مناطق آزاد تجاری و صنعتی باشد مطابق ماده ۲۴ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی تعیین تکلیف شده است، بدیهی است آن قسمت از اراضی زراعی و باغهای واقع در مناطق مزبور که جزء اراضی دولتی و ملی در مالکیت دولت نباشد، خروج

۴- مطابق ماده ۸ مصوبه شماره ۴۰۵۶۰/ت/۳۴۴۲-هـ-۱۳۹۷/۴/۱۱ هیأت وزیران استفاده از زمین صرفاً در چارچوب طرح جامع منطقه آزاد که به تصویب شورای عالی مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی می‌رسد امکان پذیر است، نحوه استفاده از اراضی دولتی با رعایت ماده ۲۴ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۷۲- و در مورد اراضی غیردولتی در چارچوب قوانین و مقررات ذیربط انجام خواهد شد» و برابر مصوبه شماره ۴۳۶۶۴/ت/۳۶۴۳-هـ-۱۳۹۶/۴/۱۷ هیأت‌وزیران «سازمانهای مناطق آزاد تجاری - صنعتی موظف به حفظ کاربری اراضی کشاورزی در محدوده مناطق مذکور می‌باشد.

۵- در خصوص بند الف ماده ۱۱۲ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹ و بند الف ماده ۶۵ قانون احکام دائمی برنامه سوم توسعه کشور (مصوب ۱۳۹۶/۱۰/۱۶) نیز این سازمان با استناد به موارد قانونی فوق مراتب را از معاونت حقوقی ریاست جمهوری استعلام که معاونت مذکور طی نامه شماره ۵۹۲۶۴/۱۶۲-هـ-۱۳۹۶/۵/۲۸ با ضمیمه نمودن نامه شماره ۵۲۴۹۵/۱۹۹۳۸-هـ-۱۳۹۶/۵/۲۳ اذعان داشته: «مقررات بند الف ماده ۶۵ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور منصرف از کمیته فوق‌الذکر است که به عنوان یک کار گروه ستادی و مرکزی عهده دار ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی و سایر وظایف محوله می‌باشد» لذا مستفاد از نامه فوق‌الاشاره وظایف، اختیارات و مسئولیتهای دستگاه‌های اجرایی که به صورت تجمعی در قالب هیأت یا کمیسیون اتخاذ تصمیم می‌نمایند مشمول بند الف ماده ۶۵ قانون دائمی برنامه‌های توسعه کشور نخواهد بود.

۷- ماده ۱ قانون حفظ کاربری، تغییر کاربری را در راستای حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها و تداوم بهره‌وری از تاریخ تصویب این قانون در خارج از محدوده قانونی شهرها و شهرکها ممنوع ساخته است و برای موارد ضروری، تبصره ۱ این ماده ۱ کمیسیون مرکب از رئیس سازمان جهاد کشاورزی، مدیر امور اراضی، رئیس سازمان مسکن و شهرسازی، مدیرکل حفاظت محیط زیست و یک نفر نماینده استاندار به ریاست سازمان جهاد کشاورزی تشکیل شده است که وظیفه حاکمیتی این کمیسیون صرفاً قائم بر مقامات مذکور بوده که بدون وجود قانون صریح و شفاف دیگری نمی‌توان این اختیارات را به شخص یا مقام دیگری یا کمیسیون متناظر واگذار کرد و اصولاً این واسطیاری نیز موقوف به اصلاح قانون است. بنابراین قرار گرفتن اراضی کشاورزی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی باعث گردید تا تغییر چشم‌انداز اراضی کشاورزی در طول بیش از یک دهه کلید بخورد و علیرغم صراحت قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغی مصوب ۱۳۷۴ و اصلاحیه ۱۳۸۵ تغییر کاربری اراضی زراعی و باغها در این منطقه بدون توجه به مفاد این قانون و با محدودسازی دست سازمان جهاد کشاورزی و کمیسیون مربوطه تبصره ۱ ماده ۱ قانون مذکور رقم بخورد.

در خاتمه با توجه به اینکه ادعای مغایرت بخشنامه معترض‌عنه این سازمان و نظریه معاون حقوقی دولت با بند الف ماده ۱۱۲ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران و بند الف ماده ۶۵ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور با عنایت به توضیحات صدرالاشاره و بالاخص نظریه معاونت حقوقی ریاست جمهوری رد گردید. بنابراین دلایل و جهات اعتراض موضوع بند پ و ت ماده ۸۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ وجود ندارد. لذا صدور قرار رد دادخواست شاکی مورد استدعاست.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۱۶ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه مطابق ماده ۱۱۲ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران و ماده ۶۵ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب سال ۱۳۹۵ مقرر شده به منظور ساماندهی مناطق آزاد ویژه اقتصادی و ایفاء نقش مؤثر آنها در تحقق اهداف سند چشم انداز بیست ساله نظام و اعمال مدیریت یکپارچه و ایجاد رشد اقتصادی مناسب، مدیران سازمان مناطق آزاد به نمایندگی از طرف دولت بالاترین مقام منطقه محسوب می‌شوند و کلیه وظایف، اختیارات و مسئولیتهای دستگاه‌های اجرایی به استثناء نهادهای دفاعی و امنیتی به عهده آنها واگذار می‌شود و منحصرأ بر اساس قانون و مقررات اداره مناطق آزاد تجاری و صنعتی اداره می‌شوند، بنابراین نظریه شماره ۱۱۸۳۰/م/۹۰/۱۰۰۴۲ - ۱۳۹۰/۴/۱۴ معاون امور حقوقی دولت و بخشنامه شماره ۵۳/۰۲۰/۱۶۷۶۸۹-هـ-۱۳۹۰/۶/۱ سازمان امور اراضی کشور در حدی که در آنها مقرر شده است اختیار رئیس سازمان جهاد کشاورزی در ماده ۱ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها به رئیس مناطق آزاد ویژه اقتصادی تفویض نشده، مغایر قانون است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

موضوعی از ماده ۲۴ قانون فوق‌الذکر داشته و مشمول ترتیبات مقرر در قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها و اصلاحات آن می‌باشد.»

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی وزارت جهاد کشاورزی به موجب لایحه شماره ۵۳/۰۲۶/۳۶۹۷۱۷-هـ-۱۳۹۸/۳/۲۹ توضیح داده است که:

«جناب آقای دربین

مدیرکل محترم هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری
سرکار خانم تقی زاده

رئیس محترم امور تنظیم لوائح و تصویب‌نامه‌ها و دفاع از مصوبات دولت

با احترام عطف به نامه شماره ۳۸۹۷۰/۲۴۱۳۱-هـ-۱۳۹۸/۲/۳۱ موضوع ارسال اخطاریه شماره پرونده ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۲۲۵۷-هـ-۱۳۹۷/۱۲/۲۶ مدیر دفتر هیأت عمومی در کلاس پرونده ۹۷۰۳۷۷۱ موضوع ارسال نسخه ثانی دادخواست سازمان بازرسی کل کشور پیرامون درخواست ابطال بخشنامه شماره ب/۱۶۷۶۸۹-هـ-۵۳/۰۲۰/۱۳۹۰/۶/۱ این سازمان و ابطال نظریه شماره ۹۰/۱۰۰۴۲/م/۱۱۸۳۰-هـ-۱۰۰۴۲-۱۱۸۳۰/م/۹۰-۱۱۸۳۰] - ۱۳۹۰/۴/۱۴ معاون امور حقوقی دولت در خصوص مرجع تغییر کاربری اراضی زراعی و باغها در مناطق آزاد تجاری - صنعتی به استحضار می‌رساند:

۱- بر اساس ماده ۱ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱ و اصلاحیه ۱۳۸۵/۸/۱ که مقرر می‌دارد: «به منظور حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها و تداوم و بهره‌برداری آنها از تاریخ تصویب این قانون، تغییر کاربری اراضی زراعی و باغها در خارج از محدوده قانونی شهرها و شهرکها جز در موارد ضروری ممنوع می‌باشد.» بنابراین دامنه مشمول قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها بر طبق نص صریح قانون مذکور عبارت است از اراضی زراعی و باغهای واقع در حریم شهرها و اراضی زراعی و باغهای واقع در خارج از حریم شهرها و اراضی زراعی و باغهای واقع در خارج از محدوده شهرکها و همچنین بر اساس تبصره ۵ ماده ۱ قانون مذکور اراضی زراعی و باغهای واقع در روستاهای فاقد طرح‌های مصوب نیز مشمول قانون مذکور می‌باشد و از مفهوم مخالف قانون مذکور و ماده ۲۷ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ماده ۲ و ۸ آیین‌نامه نحوه استفاده از زمین و منابع ملی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران، اراضی زراعی و باغهای واقع در مناطق آزاد تجاری - صنعتی مشمول قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها می‌باشد. تصویب‌نامه شماره ۴۳۶۶۴/ت/۳۶۴۳-هـ-۱۳۹۶/۴/۱۷ هیأت وزیران مبنی بر موظف نمودن سازمانهای مناطق آزاد به حفظ کاربری اراضی کشاورزی مؤید این نظر است.

۲- برابر تبصره ۲ اصلاحی ماده ۱ قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها «مرجع تشخیص اراضی زراعی و باغها، وزارت جهاد کشاورزی است و مراجع قضایی و اداری، نظر سازمان جهاد کشاورزی ذیربط را در این زمینه استعلام می‌نمایند و مراجع اداری موظف به رعایت نظر سازمان مورد اشاره خواهند بود. نظر سازمان جهاد کشاورزی برای مراجع قضایی به منزله نظر کارشناس رسمی دادگستری تلقی می‌شود» چنین مستفاد می‌گردد که تشخیص اینکه اراضی دارای کاربری زراعی و باغ هستند یا خیر از وظایف ذاتی و قانونی وزارت جهاد کشاورزی بوده و این وظیفه به هیچ دستگاه اجرایی دیگر قانوناً واگذار نشده، همچنین در اجرای این تبصره هیأت دولت، در ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی قانون وزارت متبوع را موظف نموده ضوابط تشخیص اراضی زراعی و باغها در خارج از محدوده شهرها، شهرکها و طرح‌های روستاها را ظرف دو ماه از تاریخ ابلاغ این آیین‌نامه تهیه و پس از تصویب کمیسیون امور زیربنایی، صنعت و محیط زیست جهت اجرا به سازمانهای جهاد کشاورزی ابلاغ نماید و اخیراً هیأت دولت طی مصوبه شماره ۱۶۵۷۴۵/ت/۱۱۷-هـ-۱۳۹۷/۱۲/۱۱ اقدام به اصلاح ماده ۶ آیین‌نامه مذکور نموده و جهت اجرا به وزارت متبوع و دستگاه‌های ذیربط ابلاغ کرده است، ضمناً به استناد ماده ۱۳ این قانون «وزارت جهاد کشاورزی مسئول اجرای این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن می‌باشد» همچنین مأمورین جهاد کشاورزی به استناد تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۱۰ قانون موظف گردیده تا در صورت مشاهده هرگونه تغییر کاربری غیرمجاز ضمن جلوگیری از ادامه عملیات با حضور نماینده دادگاه محل رأساً نسبت به قلع و قمع بنا و مستحذات و وضعیت زمین را به حالت عادی اعاده نمایند که اجرای این قانون در شرح وظایف مناطق آزاد دیده نشده است.

۳- همان طور که مستحضرد بر اساس قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲/۶/۷ و اصلاحات بعدی آن، مناطق آزاد تجاری - صنعتی به پیشنهاد دولت و با مصوبه مجلس شورای اسلامی ایجاد می‌شود و بر اساس ماده ۲۴ قانون مذکور نحوه استفاده از زمین و منابع ملی و ترتیب فروش یا اجاره آن به اتباع کشور در محدوده هر منطقه که در مالکیت دولت باشد طبق مقررات مصوب هیأت وزیران و با رعایت برنامه‌های عمرانی هر منطقه تعیین می‌گردد و همچنین بر اساس ماده ۲۷ الحاقی ۱۳۷۵/۸/۲۲ و به منظور ایجاد هماهنگی در فعالیتهای مناطق آزاد حسب مورد با تأیید وزیر ذیربط از طریق تفویض اختیارات دستگاه اجرایی در منطقه به روسا یا انتصاب مدیران، روسا و سرپرستان دستگاه‌های اجرایی مستقر در مناطق آزاد به پیشنهاد سازمان منطقه آزاد می‌باشد.